





سرشناسه	: رشیدی، منصور، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	: خاندان انتظام‌وزیری: زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی، اجتماعی، عمرانی / مؤلف: منصور رشیدی، علی قنبریان؛ [به سفارش]: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض.
مشخصات نشر	: تهران: میراث فرهیختگان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۳ ص.
شابک	: 978-622-737711-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: انتظام‌وزیری (خاندان) -- سرگذشت‌نامه
موضوع	: Entezam Vaziri family -- Biography
شناسه افزوده	: قنبریان، علی، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض
شناسه افزوده	: Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute
رده‌بندی کنگره	: CS۱۴۱۹
رده‌بندی دیویدی	: ۹۲۹/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۴۲۹۸۰

خاندان انتظام‌وزیری

زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی، اجتماعی، عمرانی

مؤلف: استاد منصور رشیدی / دکتر علی قنبریان

طراح جلد و صفحه‌آرا: مهندس علیرضا رشیدی

انتشارات میراث فرهیختگان Miras Farhikhtegan Publications

ناظر فنی: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»

Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۹۸ شمسی / چاپ دوم: مرداد ۱۳۹۹ شمسی (همراه با نمایه)

قطع کتاب: رقعی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

ارتباط با نویسنده: Mansoorrashidi2017@gmail.com

شابک

۹۷۸-۶۲۲-۷۳۷۷-۱۱-۸

978-622-7377-11-8





خاندان انتظام وزیری

زندگی نامه و خدمات فرهنگی، اجتماعی، عمرانی

مؤلف: استاد منصور رشیدی / دکتر علی قنبریان



تقدیم به:

شادروان علی بابا رشیدی

(تولد: ۱۲۹۴/۱۰/۰۹، وفات: ۱۳۷۰/۰۲/۲۹)

سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر

فهرست مطالب

۷	مقدمه نویسندگان.....
۱۳	فصل اول: میرزا موسی وزیر تفرشی.....
۲۷	فرزندان.....
۲۷	۱ و ۲. میرزا عیسی خان وزیر و سید عبدالله خان انتظام.....
۲۷	۳. سیداحمد.....
۲۹	خدمات.....
۲۹	۱. مسجد.....
۳۶	۲. کاروان‌سرای میرزا موسی وزیر در قزوین.....
۳۸	۳. آب‌انبار.....
۴۹	فصل دوم: میرزا عیسی خان وزیر.....
۵۸	خدمات.....
۵۸	۱. مسجد، مدرسه، و مقبره میرزا عیسی وزیر.....
۷۸	۲. بیمارستان وزیری.....
۸۴	۳. اراضی موقوفه در اشتهاارد (قریه مرادتیّه).....
۸۸	۴. بیمارستان رازی.....
۸۸	۵. قنات سراب وزیر.....
۸۹	۶. گسترش شهر تهران و احداث خندق.....
۹۲	۷. کفالت مخارج محصلان.....

فصل سوم: سید عبداللّٰه خان انتظام‌السلطنه.....	۹۹
فصل چهارم: سید محمد انتظام‌السلطنه (بینشعلی).....	۱۰۹
فصل پنجم: سید عبداللّٰه انتظام‌وزیری.....	۱۴۱
فصل ششم: سید نصر اللّٰه انتظام‌وزیری.....	۱۸۷
فصل هفتم: خاندان غفاری و نسبت آنان با وزیری‌ها.....	۲۰۱
فهرست‌ها.....	۲۱۹
فهرست منابع و مآخذ کتاب.....	۲۱۹
کتاب‌ها.....	۲۱۹
مقالات.....	۲۲۶
پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی.....	۲۲۶
مصاحبه‌ها.....	۲۲۷
فهرست اشخاص.....	۲۲۸
فهرست اماکن.....	۲۳۸
فهرست گروه‌ها.....	۲۴۲
فهرست آیات.....	۲۴۳
احادیث و جملات عربی.....	۲۴۴
فهرست کتاب‌ها.....	۲۴۵
فهرست ابیات.....	۲۴۶
کتاب‌های چاپ‌شده در نشر میراث فرهیختگان.....	۲۴۷

مقدمه نویسندگان

همواره انسان‌های خیراندیش در طول تاریخ بوده‌اند. انسان‌هایی که به مردم خدمت می‌کردند و مردم را دوست داشتند. سعیشان در برآورده کردن نیازهای قشر کم‌درآمد جامعه بود. برای خدمت به مردم با هزینه شخصی خویش، اماکنی همچون آب‌انبار، بیمارستان، کاروانسرا، مسجد، و حوزه علمیه احداث کرده و آن‌ها را وقف بر مردم کرده‌اند تا با گذر زمان این اماکن و منافع آن دست ناهلان نیفتد و جامعه همواره از آن‌ها استفاده مادی و معنوی ببرد. از جمله چنین انسان‌هایی می‌توان از خاندان انتظام‌وزیری نام برد. خاندانی که در دوره قاجار و پهلوی منشأ خیرات و برکات بودند و هنوز هم جامعه از موقوفاتی که از آن‌ها برجای مانده است، بهره‌مند است. خاندان انتظام‌وزیری سعیشان در کمک و یاری دادن به انسان‌های بی‌بضاعت بود.

خاندان وزیری در اصل تفرشی هستند.^۱ در تفرش و آشتیان بلکه گرکان ارباب قلم و اصحاب استیفا و محاسبین دفتری زیاد وجود یافته‌اند که همه در دفتر پادشاهی صاحب رتبه عالی شده. [برخی از] معارف ارباب قلم تفرش: مرحوم میرزا موسی وزیر و میرزا عیسی وزیر است.^۲

۱. لیلا باقری، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ص ۴.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۱، ص ۷۵۸.

در نوشتار حاضر، به معرفی افراد سرشناس این خاندان (میرزا موسی وزیر تفرشی، میرزا عیسی خان وزیر، سیدعبدالله خان انتظام‌السلطنه، سیدمحمد انتظام‌السلطنه (بینشعلی)، سیدعبدالله انتظام‌وزیری، سیدنصرالله انتظام‌وزیری) و بیان خدمات آن‌ها خواهیم پرداخت. همچنین مروری می‌کنیم بر سندی از ناصرالدین شاه قاجار، که در تقدیر از میرزا عیسی خان وزیر (یکی از افراد سرشناس این خاندان) است.

سعی شده است از کتاب‌ها و منابع معتبر تاریخی استفاده شود. همچون کتاب‌های محمدحسن خان مقدم مراغه‌ای ملقب به صنیع‌الدوله و سپس اعتمادالسلطنه. وی از رجال دربار دوره قاجار و عهد ناصرالدین شاه و صاحب کتاب‌های بسیار بود. وفاتش در ۱۸ شوال ۱۳۱۳ قمری است.^۱ با توجه به اینکه در زمان ناصرالدین شاه قاجار می‌زیسته است، مکتوبات وی منبع قابل اعتمادی است.

1. <http://yon.ir/BH0WO>.

مطالب کتاب فعالیت مشترک نویسندگان (منصور رشیدی و علی قنبریان) بوده و براساس مفاد و محتوای اسناد و مدارک به دست آمده است. زوایای زندگانی خاندان وزیری و همچنین خدماتشان بیش از آن چیزی است که در کتاب حاضر گرد آمده است. در آینده با به دست آمدن اسناد دیگر، قطعاً مطالب جامع تر و عمیق تری نسبت به خاندان وزیری بیان خواهد شد.

اسناد و تصاویر در کتاب، عمدتاً در کتابخانه شخصی آقای منصور رشیدی (سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر و وکیل و نماینده خانواده آقای سیدعبدالله انتظام وزیری) موجود بود. ایشان با بزرگواری تمام، اسناد را برای اسکن و استفاده در کتاب، در اختیار گذاردند. اگر مساعدت های ایشان نبود، این تحقیق با این کیفیت به ثمر نمی گشت؛ خدایش خیرش دهد.

طبق جمله مشهور، «اهل البيت ادری بما فی البيت»^۱ مطالب کتاب بعد از تنظیم نهایی و قبل از چاپ در اختیار خانواده انتظام وزیری گذاشته شد و مورد تأییدشان قرار گرفت.

۱. اهل خانه بهتر می داند که در خانه چیست.

چاپ اول کتاب در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ شمسی انجام شد و هم‌اینک (مرداد ۱۳۹۹ شمسی) چاپ دوم کتاب می‌باشد. از آنجا که در نوشتار حاضر نام و اسامی بسیاری از رجال دوره قاجار و پهلوی آمده است، برای سهولت کار محققان و خوانندگان در یافتن شخصیت مورد نظرشان، نمایه‌ای (فهرستی) در انتهای چاپ دوم افزوده شد. نمایه شامل این موارد است: اشخاص، اماکن، گروه‌ها، آیات، احادیث و جملات عربی، کتاب‌ها، و ابیات.

﴿وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾^۱

منصور رشیدی / علی قنبریان

تهران

۱۳ تیر ۱۳۹۹ شمسی

مصادف با میلاد امام رضا ع‌السلام



فصل اول

میرزا موسی

وزیر تفرشی



فصل اول: میرزا موسی وزیر تفرشی

میرزا موسی^۱ مستوفی تفرشی متولد سال ۱۱۹۸ قمری^۲ پسر میرزا ابوالقاسم^۳ و پدر میرزا عیسی وزیر و سید عبدالله خان انتظام السلطنه

۱. قائم مقام فراهانی با میرزا موسی باجناق بود. صادق حضرتی، رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۱۲۱.

۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۶۴-۱۶۵.

در سالنامه تفرش صفحه ۱۱۱، به اشتباه، تاریخ ولادت ۱۲۶۶ قمری ثبت شده است.

۳. به عقیده استاد اسدالله آشتیانی، میرزا موسی فرزند میرزا هدایت الله تفرشی است.

میرزا هدایت الله یکی از چهار وزیری است که فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۱ قمری برای کارهای دولتی برگزید و سمت وزیر لشکری و ریاست کل دارایی ارتش را داشت. غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۹۲.

نظر استاد آشتیانی صحیح نیست. زیرا در تمامی کتابهای تاریخی و همچنین در کتیبه ای که در مسجد عیسی وزیر است، نام پدر میرزا موسی، ابوالقاسم ذکر شده است. درباره میرزا ابوالقاسم ۳ احتمال وجود دارد:

(الف) میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی.

(ب) میرزا ابوالقاسم مستوفی اصفهانی، ملقب به معین الملک.

وی از مستوفیان عصر قاجار بود. وی در سال ۱۲۷۶ قمری به پیشکاری و کارگزاری بهرام میرزا معزالدوله، حاکم آذربایجان و در سال ۱۲۷۷ قمری به سمت لشکرنویس باشی گری تعیین شد. در ذی حجه ۱۲۸۷، به جای میرزا محمد حسین دبیرالملک فراهانی به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد و تا سال ۱۲۸۸ یا به قولی محرم سال ۱۲۸۹ که درگذشت، در این سمت باقی بود. مدفن وی در ضلع جنوبی رواق گنبد حاتم خانی واقع است. محمد سوهانیان حقیقی و رضا نقدی، آستان قدس رضوی: متولیان و نایب التولیه ها، ص ۹۴.

کریم اصفهانیان در کتاب «مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله مربوط به سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۷۵» جلد ۳ صفحه ۱۹۹، میرزا ابوالقاسم را تفرشی دانسته است نه اصفهانی. همچنین می‌نویسد که وی در ۱۲۷۵ به لقب معین‌الملک ملقب شد.

معین‌الملک پدر میرزا موسی مستوفی تفرشی نیست؛ زیرا:

- در سفرنامه سیف‌الدوله صفحه ۱۵-۱۶ آمده است که معین‌الملک در سال ۱۲۸۹ قمری از دنیا رفته است. از طرفی میرزا موسی در سال ۱۲۸۲ قمری (۸۴ سالگی) درگذشته است. پس، از نظر عرفی خیلی بعید است که معین‌الملک پدر میرزا موسی باشد. عبارت سیف‌الدوله در سفرنامه این است:

«سیف‌الدوله در ماه ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ قمری، به‌جای میرزا ابوالقاسم معین‌الملک که چند ماه پیش درگذشته بود، به‌سمت نیابت تولیت آستان قدس رضوی تعیین شد.»

— در برخی از کتاب‌ها (مانند: کتاب مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج ۳، ص ۲۳۹-۲۴۰) میرزا ابوالقاسم معین‌الملک، اصفهانی و پدر میرزا رضای مستوفی معین‌السلطنه معرفی شده است. درحالی‌که میرزا موسی، برای تفرش است نه اصفهان. همچنین در کتب تاریخ، برادری با نام میرزا رضا برایش نام برده نشده است.

پ) میرزا ابوالقاسم تفرشی (ولادت ۱۲۶۶ق). وی از طرف نصرت‌الدوله به وزارت فارس منصوب شد. (غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۲).

در منبع فوق (سالنامه تفرش)، میرزا ابوالقاسم تفرشی و میرزا موسی را در ذیل عنوان «خاندان انتظامی و وزیری» آورده است. از این طبقه‌بندی دانسته می‌شود که از نظر نویسنده محترم کتاب (غلامرضا سحاب)، میرزا ابوالقاسم تفرشی نسبتی با میرزا موسی وزیر دارد. اما این شخصیت پدر میرزا موسی وزیر تفرشی نیست. زیرا وی در سال ۱۲۶۶ قمری به دنیا آمده است؛ درحالی‌که میرزا موسی وزیر تفرشی در سال ۱۲۸۲ قمری در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفته است. مگر آنکه بگوییم، ۱۲۶۶ سال وفات میرزا ابوالقاسم تفرشی بوده است نه سال ولادتش.



این قاب عکس در خاندان وزیری نگه‌داری می‌شود. ذیل
آن نوشته شده است:

«میرزا ابوالقاسم قائم مقام پدر میرزا موسی»

بوده است. در سال ۱۲۶۳ قمری که ناصرالدین میرزا، ولیعهد، به حکمرانی آذربایجان تعیین می‌شود، میرزا موسی سمت مستوفی کل، پیشکار دارایی، را بر عهده می‌گیرد. میرزا موسی در مجلسی که از علما و رجال برای مناظره و مباحثه با سیدعلی محمد باب در حضور ولیعهد در همین سال تشکیل می‌شود نیز حضور داشته است.

در سال ۱۲۶۴ قمری^۱ که ناصرالدین میرزا، پادشاه و میرزا تقی خان صدراعظم شد، اسکندر میرزا، پسر ششم عباس میرزا نایب‌السلطنه، به وزارت و پیشکاری میرزا موسی به حکومت قزوین منصوب گردید.^۲ در سال ۱۲۶۹ قمری که ناصرالدین شاه قصد مسافرت به خارج از تهران برای تفریح و گردش‌های طولانی داشت و معین‌الدین میرزای ولیعهد، کودک شیرخواره را، در تهران گذاشت، میرزا موسی را به وزارت (معاونت) حکومت تهران منصوب کرد. از این تاریخ به بعد بود که میرزا موسی معروف به وزیر شد.^۳

۱. داریوش شهبازی وزارت میرزا موسی را در قزوین، سال ۱۲۶۹ شمسی دانسته است.

(روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹)

۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۶۴؛ به نقل از: حسین مدرسی طباطبایی، برگی از تاریخ قزوین، ص ۹۶.

در کتاب «سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی صفحه ۲۱ آمده است: «میرزا موسی وزیر حاکم قزوین بود.»

۳. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۰۸.

میرزا موسی وزیر برای برقراری نظم و آرامش در تهران و برقراری عدالت، به تأدیب مجرمان می پرداخت. این مطلب از نامه ناصرالدین شاه به فرخ خان امین الدوله، کاملاً مشهود است:

«در باب قتلی که در ورامین واقع شده است، چند روز قبل به میرزا موسی وزیر^۱ حکم شد که یا قاتل را گرفته به قصاص برساند، یا به امضای وراثت، موافق شرع «خون بست» نماید.^۲

در سالنامه تفرش صفحه ۱۱۱ آمده است که: میرزا موسی وزیر به هنگام سلطنت مظفرالدین شاه، رئیس تلگرافخانه بوشهر شد. این مطلب صحیح نیست؛ زیرا مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ قمری به پادشاهی رسید، در حالی که میرزا موسی وزیر سال ها قبل (۱۲۸۴ قمری) از دنیا رفته بود.

به عقیده استاد عبدلی آشتیانی، میرزا موسی وزیر با میرزا محمدجعفر مجتهد آشتیانی باجناب بوده است.^۳

۱. حاکم تهران.

۲. کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و علی اصغر عمران، اسناد تاریخی خاندان غفاری، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۳. میرزا محمدجعفر فرزند میرزا محمدصادق آشتیانی از فضایل قرن سیزدهم هجری است. وی تا سال ۱۲۵۵ قمری زنده بوده و چند کتاب فقهی را کتابت کرده است.

پسر محمد شاه از زنی صیغه از اهل اورمیه^۱ در حدود ۱۲۶۲ متولد شد و در ۱۲۷۳ حکومت تهران به وی داده شد و میرزا موسی تفرشی از او نیابت^۲ می‌کرد. ^۳ میرزا موسی در سال ۱۲۷۷ قمری، بعد از مدتی وقفه، دوباره به وزارت تهران منصوب شد.

۱. اورمیه.

۲. در ۱۲۷۳ که محمدتقی میرزای رکن‌الدوله حاکم تهران شد، وزارت میرزا موسی همچنان با او بود.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۳۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۳۸.



این قاب عکس در خاندان وزیری نگه‌داری می‌شود. ذیل آن نوشته شده است:

«میرزا موسی وزیر، پسر میرزا ابوالقاسم خان قائم مقام
دائی میرزا عبداللہ وزیر قزوین»

در کتاب «چهل سال تاریخ ایران» در این باره آمده:

«در ۱۲۷۷ به علت اختلافی که میان او (میرزا موسی) و نصرت‌الدوله فیروز میرزا حاکم تهران پیش آمد و از این شغل مستعفی شده بود و در سلک مستوفیان درآمده بود، دوباره نظر به قدمت خدمت و استحضار کامل در مهمات ولایت، مجدداً به وزارت تهران رسید.»^۱

در کتاب «نامه‌های حکومتی فیروز میرزا فرمانفرما» چنین آمده است:

«در سال ۱۲۷۷ قمری در تهران قحطی روی داد و نان نایاب شد. همزمان با آن بروز وبا و مرگ‌ومیر ناشی از آن مردم را وحشت‌زده کرد. مردم نانوائی‌ها را غارت کردند و به مأمورین دولتی هجوم آوردند. به دستور شاه، علما و اعیان شهر در خانه نصرت‌الدوله اجلاس کردند و امر خبازها به آقا مهدی ملک‌التجار واگذار شد.^۲ در همین سال میرزا موسی تفرشی که سال‌ها وزارت حاکم دارالخلافه را عهده‌دار بود و چندی قبل در اثر بروز اختلاف بین او و فیروز میرزا از این شغل معاف شده بود، مجدداً به سمت مزبور منصوب شد.»^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۵۳۹.

۲. اسماعیل نواب صفا، شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله، ج ۱، ص ۲۴۳؛ به نقل از: فیروز میرزا بن عباس میرزا فرمانفرما، نامه‌های حکومتی فیروز میرزا فرمانفرما، ص ۱۹.

۳. فیروز میرزا بن عباس میرزا فرمانفرما، نامه‌های حکومتی فیروز میرزا فرمانفرما، ص ۱۹.
(مقدمه)

از متن بالا علاوه بر آنکه دانسته می‌شود، میرزا موسی در سال ۱۲۷۷ قمری به وزارت رسید، همچنین تصریح دارد بر اینکه میرزا موسی قبل از سال مذکور سال‌هایی وزارت شهر تهران را بر عهده داشته است. مصلحت‌خانه‌ای در زمان قاجار تشکیل شده بود که در امور مهم کشور تصمیم‌گیری می‌کرد. میرزا موسی وزیر از اعضای مصلحت‌خانه بود: «علاوه بر مجلس شورای دولتی، حسب‌الامر مجلس، مصلحت‌خانه برای امور دولت ترتیب یافته، عیسی‌خان اعتمادالدوله را به ریاست آن مجلس برقرار و مقرر فرمودند که همه‌روزه از صبح تا چهار ساعت به غروب مانده در مجلس مخصوص اجزای مسطوره در ذیل بنشینند و گفت‌وگو در مهم کشور و لشکر نمایند و انتظام کلیه امور و آسایش رعیت و آبادی مملکت و ترقی دولت را در مدنظر داشته باشند. [برخی از] اجزای مصلحت‌خانه از این قرار است: میرزا موسی وزیر دارالخلافه».^۱

ناصرالدین شاه به فرخ خان امین‌الدوله دربارهٔ زیاد شدن پول سیاه و بالا رفتن قیمت نان چنین دستور می‌دهد:

«امین‌الدوله، در فقرهٔ زیادی پول سیاه در تهران و کسادى معاملهٔ رعایا از این جهت، میرزا موسی وزیر شرحی نوشته بود، و این فقره بسیار بد است و چاره باید کرد. البته بعد از رسیدن این دستخط، میرزای وزیر را

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۳۴۰-۱۳۴۱.

با معیرالممالک حاضر بکن. با چند نفر اهل خبره، قرار درستی در فقره پول سیاه بگذار که رفع این حرف‌ها بشود.^۱

شخصیت دیگری با نام میرزا موسی وزیرلشکر^۲ در زمان ناصرالدین شاه بود و لازم است که با شخص مورد بحث ما خلط و اشتباه نشود. طبق بررسی که انجام دادیم، در کتاب‌های تاریخ و تراجم شخص مورد بحث در این کتاب، «میرزا موسی وزیری» و شخص دیگر «میرزا موسی وزیرلشکر» خوانده شده‌اند. میرزا حسن، ولد مرحوم میرزا موسی وزیرلشکر مستوفی قزوین است.^۳

۱. کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و علی اصغر عمران، اسناد تاریخی خاندان غفاری، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲. میرزا موسی وزیرلشکر آشتیانی وفات ۳ جمادی‌الثانی ۱۲۹۸، از رجال دوره ناصرالدین شاه بود. (<http://yon.ir/2kzLK>)

در آدرس فوق آمده است که: «میرزا موسی وزیرلشکر، پس از مدتی خانه‌نشینی به وزارت قزوین منصوب شد و پس از چندی حکومت قزوین مستقلاً به او داده شد.» از آنجا که میرزا موسی تفرشی به وزارت قزوین نائل شده بود، احتمال دارد که به‌خاطر تشابه اسمی خلط و اشتباه صورت گرفته باشد.

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۲۰۹۸.



میرزا موسی وزیر لشکر

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه از نویسندگانِ زمان ناصرالدین شاه قاجار در کتاب مرآة البلدان دربارهٔ وزیرلشکر چنین آورده است:

«در شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۹۶، موکب همایون شهریاری^۱ ادام‌الله‌ملکه همچنان در ییلاق لار و فیروزکوه می‌باشد. جناب میرزا موسی وزیرلشکر به اعطای نشان و حمایل از درجهٔ امیرتومانی سرافراز آمد.»^۲

میرزا موسی وزیر به‌خاطر خدماتی که به دولت و ملت انجام می‌داد، مورد تقدیر شاه قرار می‌گرفت. به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف) میرزا موسی وزیر دارالخلافه به‌جهت مساعی جمیله در امور حکمرانی شهر و توابع، مورد مراحم اعلیٰ حضرت شاهنشاهی دام‌ملکه گردیدند.^۳

ب) نواب والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافهٔ باهره، به یک ثوب جبّه ترمه زمردی حاشیه‌دار و میرزا موسی وزیر دارالخلافه، به عصای مرصع به جواهر مفتخر گردیدند.^۴

۱. مقصود «ناصرالدین شاه» است. زیرا سال کشته شدن وی، ۱۳۱۳ قمری (۱۲۰۲) اردیبهشت (۱۲۷۵) است. با توجه به حکومت ۴۸ سالهٔ وی، در ۱۲۹۶ قمری وی دوران پادشاهی را می‌گذرانده است.

۲. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۲۵.

۴. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۲۵۱؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۸۶.



میرزا موسی وزیر برادری داشته که منصب ریاست پلیس را دارا بوده است. حسین شهیدی بدون ذکر نام برادرش، از قول بروگش نقل می‌کند که:

«برادر میرزا موسی وزیر را به‌جای محمود خان، کلانتر سابق گماشتند و او رئیس پلیس و همه‌کاره شهر شد.»^۱

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، دو تن از برادران میرزا موسی وزیر را (میرزا اسماعیل تفرشی و میرزا زمان)، از کلانتران شهر تهران نام برده است.^۲

میرزا موسی وزیر در شب نوزدهم محرم^۳ سال ۱۲۸۲ قمری^۴ در سن ۸۴ سالگی درگذشت^۵ و در قسمت شرقی صحن حضرت امام

۱. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۸۱.

۲. چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص ۵۱.

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۴۸۴.

۴. در مقاله «دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت» صفحه ۴ که در مجله همشهری محله منتشر شده است، وفات میرزا موسی وزیر سال ۱۲۶۴ قمری نوشته شده است که صحیح نیست.

۵. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۰۹؛ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۷۳.

حسین علیه السلام در مقبره وسیع و مجللی که خودش در زمان حیات خویش بنا کرده بود، مدفون شد.^۱

ناصرالدین شاه قاجار در سفرنامه خویش به عتبات عالیات عراق، مقبره وزیرش را زیارت کرده و آن را چنین توصیف می‌کند:

«روز جمعه هشتم [ماه رمضان] ناهار را منزل خوردیم. چهار به غروب مانده زیارت رفتیم. سر راه زیاد شلوغ بود. ما رسیدیم به صحن مقدس. زیارت کردیم، نماز کردیم، دعا کردیم. ان شاء الله مستجاب است. بعد رواق حضرت را گشتم، خراب است. ان شاء الله باید تعمیر شود. فرش، قالی، و نمذ [است]. گنبد مطهر بد است. باید ان شاء الله نو بشود. بعد رفتم دور حجرات صحن را گشتم، شیخ عبدالحسین مرحوم با پول ما تعمیر کرده است. خوب ساخته است. اما ازاره^۲ های کاشی باید سنگ بشود، ان شاء الله. رطوبت زیاد است. ازاره‌ها ریخته. مقبره خود شیخ هم در یکی از حجرات است. مقبره میرزا موسی وزیر تهران در ایوانی است بزرگ در سمت حجرات رو به جنوب. شمعدان و چراغ [و] مستحفظ [و] قاری داشت.»^۳

۱. کریم اصفهانیان، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله مربوط به سال‌های

۱۲۷۴-۱۲۷۵، ج ۳، ص ۳۹۱.

۲. اصل: حضاره.

۳. ناصرالدین شاه قاجار، شهریار جاده‌ها، ص ۱۱۵-۱۱۶.



فرزندان

۱ و ۲. میرزا عیسی خان وزیر و سید عبدالله خان انتظام السلطنه

این دو نفر از شخصیت‌های دوره قاجار بوده‌اند. درباره هر دو نفر در فصول آتی کتاب حاضر صحبت شده است.

۳. سیداحمد

میرزا موسی وزیر فرزندی با نام سیداحمد دارد. وی از مستوفیان بوده و نایب ساوجبلاغ نیز بوده است. احتمال اینکه سیداحمد، فرزند میرزا موسی وزیر لشکر (متوفای ۱۲۹۸ قمری) باشد، منتفی است زیرا در منابع تاریخی برای وی فرزندی با این اسم ذکر نشده است.

در برخی از منابع و آثار تاریخی نام وی ذکر شده است؛ از جمله:

الف) «سفرنامه عراق عجم» چنین آمده است:

«قناتی میرزا سیداحمد مستوفی برادر میرزا عیسی وزیر درآورده است که ادیب‌الملک و بعضی دیگر از پیشخدمت‌ها سر همان قنات چادر زده‌اند و خیلی تعریف از آب این قنات می‌کردند و همین آب است که از خانه حاجی محمدابراهیم تاجر، جاری است و از فواره‌ها می‌جهد.»^۱

ب) آقای میرزا سیداحمد پسر مرحوم میرزا موسی وزیر.^۲

۱. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه عراق عجم، ص ۵۶.

۲. قهرمان امین لشکر، روزنامه خاطرات امین لشکر، ص ۲۴۵.

پ) میرزا سیداحمد مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی، وزیر سابق دارالخلافه.^۱

ت) مستوفیانی که در دفترخانه مبارکه خدمت مخصوص ندارند: میرزا سیداحمد پسر مرحوم میرزا موسی وزیر.^۲

ث) میرزا سیداحمد ولد عالیجاه مقرب‌الحضرت میرزا موسی وزیر که نایب ساوجبلاغ بود.^۳

ج) مقرب الخاقان میرزا سیداحمد ولد مرحوم میرزا موسی وزیر در سال تحاقوی ثیل ۱۲۷۷ به منصب استیفا سرافراز شده.^۴

چ) روز سه‌شنبه ۲۶ شهر صفر المظفر اودئیل ۱۳۰۷، جناب آقا میرزا سیداحمد برادر جناب میرزا عیسی وزیر.^۵

علی‌رغم وجود منابع تاریخی مذکور در اثبات «سیداحمد»، پسری با این نام برای بازماندگان خاندان انتظام‌وزیری محرز نشده است.

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص ۶۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. محمدعلی خان رشوند، مجمل رشوند، ص ۱۳۰.

۴. اسدالله عبدلی آشتیانی، اسامی و مواجب مستوفیان عصر ناصری (۱۲۷۲-۱۳۰۴.ق)، ص ۱۲۶.

۵. قهرمان امین‌لشکر، روزنامه خاطرات امین‌لشکر، ص ۲۲۸.



خدمات

۱. مسجد

مسجد میرزا موسی مربوط به دوره قاجار است و در تهران، خیابان ناصرخسرو، کوچه پله نوروزخان روبه روی مسجد جامع^۱ واقع شده و این اثر در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۸۳ با شماره ۱۱۱۹۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.^۲ این مسجد هم اکنون با نام «میرزا موسی» خوانده می شود.

آیت الله عبدالعلی تهرانی و فرزندش آیت الله مرتضی تهرانی، از علمای تهران، امام جماعت مسجد مذکور بوده اند. سر در مسجد میرزا موسی چنین نوشته شده است: «﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يَحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾»^۳ صدق الله العلی العظیم».

آیت الله استادی در یادداشتی درباره این مسجد چنین آورده است: «مسجد میرزا موسی که تاریخ ۱۲۸۲ قمری در ساختمان آن دیده می شود؛ یعنی بیش از ۱۵۰ سال از عمر آن می گذرد. برخی می گویند:

۱. لیلا باقری، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ص ۴.

2. yon.ir/VwXbX.

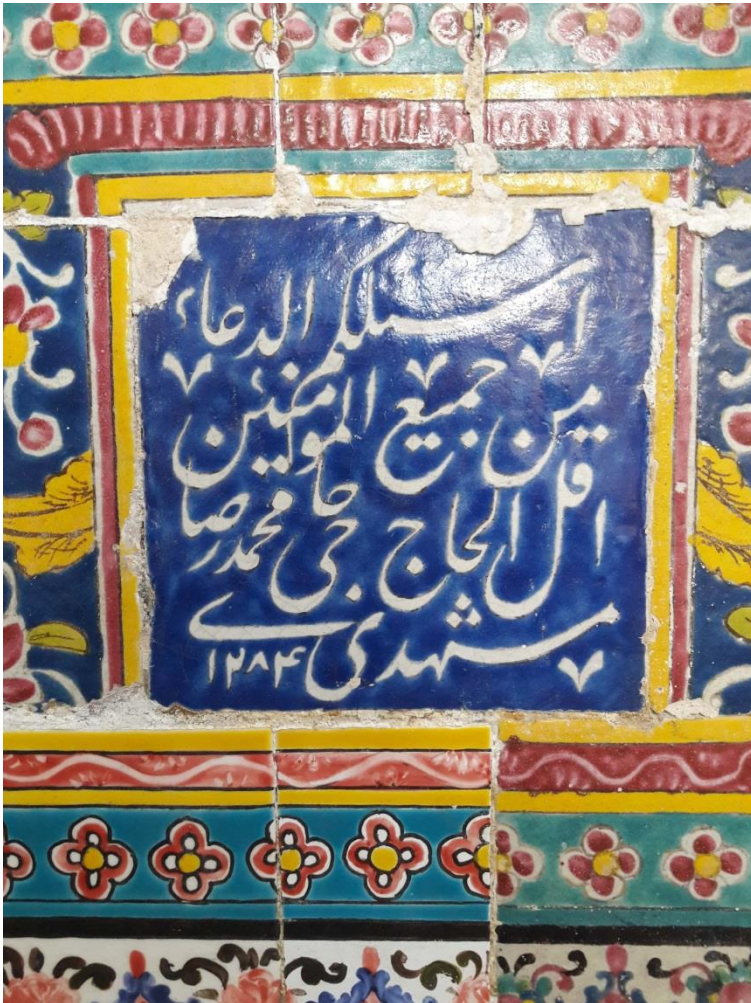
۳. توبه: ۱۰۸/۹.

این مسجد و حجرات آن که به این خاطر مدرسه هم بوده، توسط میرزا موسی وزیر (متوفای ۱۲۸۲ق) ساخته شده است.^۱

از تاریخ‌های مختلفِ کتیبه‌های مسجد دانسته می‌شود که مسجد در دوره قاجار احداث شده و در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی بازسازی و تعمیر شده است.



سردر مسجد میرزا موسی



کتبہ مسجد میرزا موسیٰ

اقل الحاج حاجی محمد رضا مشہدی ۱۲۸۴



کتیبه مسجد میرزا موسی

کارخانه کاشی سازی ح آ ابراهیم ۱۳۲۲



کتابخانه مسجد میرزا موسی

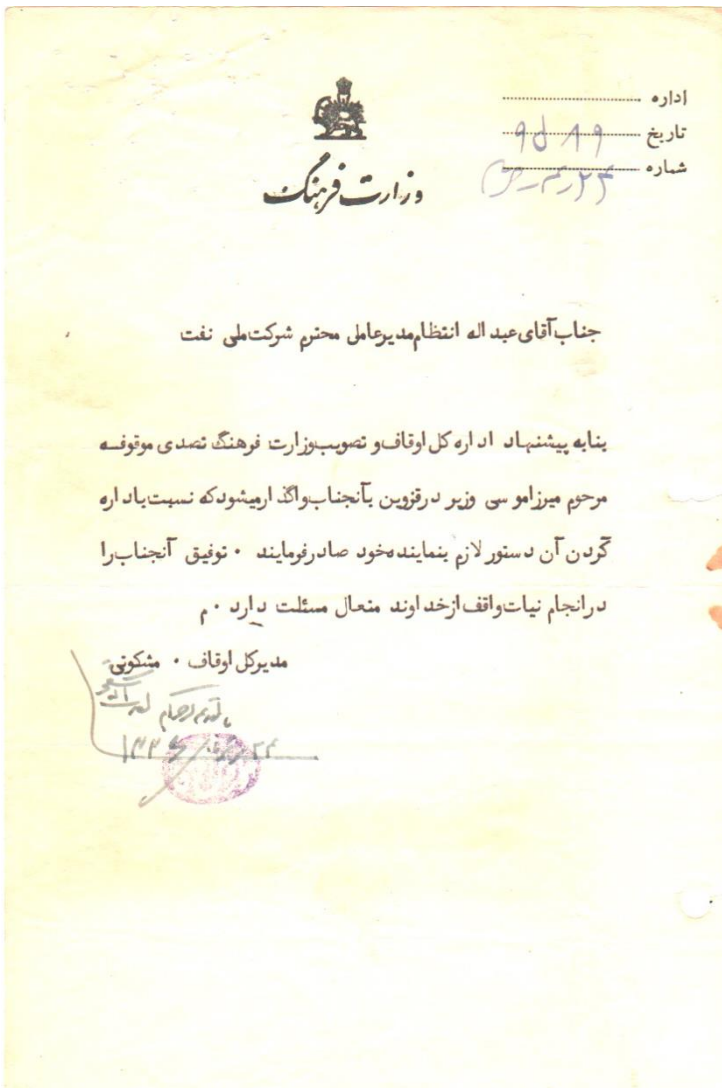
م. رازی ۱۳۴۷ شمسی، سازنده کاشی خاک‌نگار مقدم



کتابخانه مسجد میرزا موسی

کتابخانه مسجد میرزا موسی، تأسیس ۱۳۵۹ شمسی

۲. کاروان‌سرای میرزا موسی وزیر در قزوین
به موقوفات میرزا موسی وزیر در برخی از اسنادِ سازمان اوقاف اشاره
شده است. این اسناد هم‌اکنون نزد آقای منصور رشیدی، سرپرست
مقبرهٔ میرزا عیسی خان وزیر، است.



واگذاری موقوفه میرزا موسی وزیر در قزوین
به سید عبد الله انتظام وزیری

در سند فوق که از سوی وزارت فرهنگ صادر شده است، چنین آمده: «وزارت فرهنگ. شماره ۹۵۸۹. تاریخ: ۳۶/۰۴/۲۴. جناب آقای عبدالله انتظام مدیرعامل محترم شرکت ملی نفت. بنا به پیشنهاد اداره کل اوقاف و تصویب وزارت فرهنگ تصدی موقوفه مرحوم میرزا موسی وزیر در قزوین به آن جناب واگذار می‌شود که نسبت به اداره کردن آن دستور لازم به نماینده خود صادر فرمایند. توفیق آن جناب را در انجام نیات واقف از خداوند متعال مسئلت دارم. مدیر کل اوقاف مشکوتی. با تقدیم احترام نصرت‌الله مشکوتی، ۲۴ تیر ۱۳۳۶».

۳. آب‌انبار

یکی از خدمات میرزا موسی وزیر آب‌انباری بزرگ در شهر تهران در آخر خیابان سیروس محله چاله‌میدان جنب امامزاده سیداسماعیل^۱ است. به نظر می‌رسد آب‌انبار میرزا موسی به مناسبت آنکه در کنار امامزاده سیداسماعیل قرار داشته به آب‌انبار سیداسماعیل معروف شده باشد.

اعتمادالسلطنه در «مرآة البلدان» جلد ۴ صفحه ۷۹، آن را از مستحدثات میرزا موسی مستوفی تفرشی معروف به وزیر معرفی می‌کند. برخی از مورخان نیز آن را به آب‌انبار میرزا موسی می‌شناسند. ظاهراً این آب‌انبار قدیمی ابتدا در دوران وزارت میرزا موسی تعمیر و

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۶۴.



مرمت و از این بابت به او منسوب شده و سپس سال‌ها بعد، در زمان وزارت میرزا عیسی، پسر میرزا موسی نیز چنین اتفاقی رخ داده است.^۱ در کتاب «مرآة البلدان» دربارهٔ آب‌انبار آمده است:

«دیگر از ابنیه خیریه و آثار شهیره که در حوالی این محله است، آب‌انباری است که میرزا موسی مستوفی تفرشی وزیر دارالخلافه تهران در مبادی همین فرخنده عهد بنا کرده است و کمال عظمت را دارد ولی اگر در مرمت و اتمام این آب‌انبار توجهی نشود، عن‌قریب منهدم خواهد شد.»^۲

ناصر نجمی قدمت آب‌انبار را مربوط به دوره سلجوقیان دانسته که توسط میرزا عیسی خان وزیر (نه میرزا موسی) تعمیر و بازسازی شده است:

«یکی از مهم‌ترین آب‌انبارهای دارالخلافه تهران، آب‌انبار سیداسماعیل بود. این آب‌انبار تاریخی و کهنسال ابتدا در زمان حکومت سلجوقیان و سلطنت طغرل اول به وجود آمد، ولی بعدها متروکه گردید. آن‌گاه در دوران صفویه، شاه طهماسب اول امر به تعمیر این آب‌انبار داد ولی باز هم به مرور زمان و به دلیل عدم توجه متروک گردید تا اینکه حاج عیسی

۱. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۴۱.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۴، ص ۱۹۷۳.

وزیر (بیگلریگی قاجار) دستور تجدیدبنای آن را داده به صورت امروزی درآمد.»^۱

البته ناصر نجمی مدرک و سندی دالّ بر تعلق آب‌انبار به دوره سلجوقی ارائه نداده است علاوه بر این بانی آب‌انبار سیداسماعیل در دوره قاجاریه، حاج عیسی وزیر نبوده بلکه پدر وی میرزا موسی وزیر بوده است.^۲

جعفر شهری درباره این آب‌انبار می‌نویسد:

«آب‌انبار نیز بر پا و به جز پاشیر و پله آن، بقیه برقرار و در معرض تماشای عموم می‌باشد. زیربنایی معادل هزار و پانصد ذرع مربع دارد که هزار و دویست ذرع سطح آبگیر آن، در شش ردیف ستون آجری پنج آجر در پنج آجر در پنج آجر شمال و جنوبی و هشت ردیف ستون شرقی و غربی بنا شده که مجموعاً چهل و هشت ستون در آن به کار رفته و فاصله میان هر ستون چهار ذرع می‌باشد که چون پایه‌ها را بر فاصله بیفزاییم، سی ذرع در چهل ذرع مساحت کل به دست می‌آید که همان هزار و دویست را به دست می‌دهد. در ارتفاع هشت ذرع که پس از وضع ضخامت پایه‌ها حدود نه هزار و سیصد و دوازده متر مکعب آبگیر آن می‌باشد.»

۱. ناصر نجمی، دارالخلافة تهران، ص ۸۹.

۲. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۰۸.



جعفر شهری در پانویس صفحه می‌افزاید:

«این نیز لوحه‌ایست که اجاره‌دار فعلی، از وضعیت آن تهیه کرده و در معرض اطلاع عموم گذارده است: عرض ۲۸/۵۰ متر، عمق ۱۰ متر، حجم ۱۱۶۸۵ متر مکعب، آبگیر ۷۵۰۰ متر مکعب، تاریخ بنا ۱۲۶۲ قمری برابر با ۱۲۲۵ شمسی که در لوحهٔ آب‌انبار ۱۸۴۶ [میلادی] و بانی آن بیگلربیگی، حاکم تهران قید شده است.»

جعفر شهری در ادامه می‌افزاید:

«اهمیت این بنا صرف‌نظر از پانزده‌هزار متر مکعب خاک‌برداری در عمق ده ذری زمین با فقدان وسایل آن روز، در اسلوب بنا و ظرافت ساختمان و اصول معماری آن می‌باشد که آبگیری با این عظمت، ساروج و مثل آن در روکش آن به‌کار نرفته، آجرهای آن نمایان و فقط به‌صورت دیوار، بندکشی است ... پاشیر آن که سه شیر بزرگ در آن کار گذاشته شده بود، چهل و سه پله داشت که بعد از هرچند پله، پاگردی برای رفع خستگی در آن تعبیه شده بود و خود پاشیر فضایی حدود دوازده متر مربع جهت ایستادن در نوبت و چاله‌هایی در زیر شیر به ابعاد یک ذرع مکعب که کوزه و سطل و مشک، هرچند بزرگ محل داشته باشد و در تابستان‌ها جایی که از فرط خنکی و لطف هوا که تداعی توچال و پس‌قلعه می‌نمود.

سقف آن دارای بادگیرهای متعدد بود که هوا را خروج و دخول داده، تعدیل می‌نمود و در بام آن کاروان‌سرا و بارانداز و بر جبهه پاشیر آن که مشرف به کوچه سید اسماعیل بود، دکاکینی وقف آب‌انبار گشته و عواید آن مخصوص لجن‌کشی و تعمیر و مصارف آن گردیده بود. از معماری و اصول ساختمان آن همین بس که تا امروز که بیش از صد و سی سال از تاریخ بنای آن می‌گذرد، حتی اندک تعمیری به‌هم نرسانیده، با آنکه قسمت شرقی آن در خیابان‌کشی‌های زمان رضا شاه، کف پیاده‌رو و زیر نهر آب آن واقع شده، لامحاله رطوبت از خود نفوذ می‌دهد، اندک نقصانی در آن به‌وجود نیامده در کمال صحت و درستی بر جا مانده و از اهمیت معماری آن در عدم قبول نفوذ رطوبت نیز آن که امروزه به‌صورت موزه درآمده، اجاره‌دار آن را قهوه‌خانه و تماشاخانه و رستوران نموده، تمامی آن را رنگ لعابی که با آن گچ و دیوار و جاهای خشک رنگ می‌کنند زده و لکه‌ای نم از آن به‌ظهور نرسیده، خشک و تمیز و یک‌دست خودنمایی می‌کند ... یکی از کارهای مهمی که سیدضیاءالدین، رئیس‌الوزرای کودتای ۱۲۹۹، دست بدان زد تا جلب مردم پایتخت کند، لجن‌کشی این آب‌انبار بود. از آن جهت که کسی در صدساله اخیر چه دولتی و چه ملتی تا آنجا که پیران و سالخورده‌گان نشان می‌دادند، به‌خاطر خرج و معطلی‌اش جرأت آن نکرده بود.



آب این آب‌انبار ... قنات‌های شاه و حاج علیرضا ... [را] تأمین می‌نمود و در تابستان‌ها، اهالی حدود امامزاده سیداسماعیل، و کوچه‌های حمام‌گلشن (در خیابان سیروس مقابل میدان کاه‌فروش‌ها) و قسمت اعظم جنوب‌شهر و سکنه اطراف و میدان‌های مال‌فروش‌ها و کاه‌فروش‌ها و امین‌السلطان و مردم بازار دروازه و بازار حضرتی و بازار پالان‌دوزها و خیابان اسماعیل بزاز (خیابان مولوی) و کوچه پشت بدنه و سر قبر آقا و اطراف آن را، مشروب می‌نمود، که به‌وسیله سطل و کوزه و خیک و مشک به دکان‌ها و خانه‌ها و پزندگی و اهل حاجت می‌رسید.^۱

هم‌اکنون (سال ۱۳۹۷ شمسی)، یک آب‌خوری در بازار تهران محله سبزه‌میدان وجود دارد و بالای آن روی کاشی آبی‌رنگی، از سوی اداره اوقاف و امور خیریه نوشته شده است: «موقوفه آب‌انبار میرزا موسی وزیر».

۱. طهران قدیم، ج ۲، ص ۹۳-۹۵؛ به نقل از: حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۰۹-۴۱۱.



موقوفه آب انبار میرزا موسی وزیر
بازار تهران، سبزه میدان، ۱۳۹۷ شمسی



صف سلام میرزا موسی وزیر، اوایل سلطنت ناصرالدین شاه
ابوالفتح خان جوان شیر، امان‌الله خان (والی کردستان)
احمد خان بیگلربیگی مراغه، محمد خان ایروانی



فصل دوم

میرزا

عسی خان وزیر

فصل دوم: میرزا عیسی خان وزیر

میرزا عیسی تفرشی معروف به وزیر، فرزند میرزا موسی وزیر تفرشی و برادر سید عبدالله خان انتظام السلطنه است. عیسی خان وزیر با ۲۹ پشت به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد. ایشان ازدواج کرده بود ولی فرزندی نداشت. وی شوهرخواهر میرزا یوسف^۱ مستوفی الممالک^۲ (صدراعظم ناصرالدین شاه)^۳ بود.^۴

بعد از نظم الدوله، میرزا عیسی خان وزیر رئیس نظمیه شد و بر یک عده‌ای افسران ارشد و رصدباشی و داروغه و سایر عواملی که آسایش و امنیت شهر را تأمین و با متخلفان در مبارزه بودند، ریاست داشت. گفته شده وی وظایف خود را به دقت انجام می‌داد و در اجرای دستورهای

۱. میرزا یوسف و میرزا حسن در دانشگاه الزهراء علیها السلام مدفون هستند. (مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان).

۲. در برخی منابع خلاف مطلب فوق آمده است:

قائم مقام فراهانی با میرزا موسی باجناق بود. همسرشان خواهر میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم ناصرالدین شاه ملقب به جناب آقا است. صادق حضرتی، رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۱۲۱.

۳. میرزا یوسف مستوفی الممالک و خویشاوند او میرزا عیسی وزیر از مالکان بزرگ شمال و غرب تهران بودند و در شمال تهران مالک دهات متعددی بودند که زمین‌هایشان به مرور تقسیم می‌شد، یا به فروش می‌رسید. میرزا حسین خان مبصر السلطنه، مراسلات طهران، ص ۲۵.

۴. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰.

مقامات بالا بسیار جدی بود.^۱ پس از درگذشت میرزا عیسی خان وزیر، کریم خان مختارالسلطنه به سمت وزیر نظمیه منصوب شد و شروع به اصلاحات این دستگاه کرد.^۲

هرچند میرزا عیسی پس از فوت پدرش به عنوان نایب‌الحکومه تهران (وزارت تهران و پیشکاری حکومت)، تعیین شد،^۳ اما در ماه ذی‌حجه سال ۱۲۸۳ قمری که ناصرالدین شاه عازم خراسان شد، در غیاب خود کارها را اساساً به میرزا یوسف آشتیانی مستوفی‌الممالک واگذار نمود و بنا به صواب‌دید و پیشنهاد وی، میرزا عیسی رسماً به سمت ریاست خالصجات و وزارت و پیشکاری (معاونت) کامران میرزا نایب‌السلطنه (حاکم تهران و کودک دوازده‌ساله)، منصوب شد و حدود یک سال در این مقام بود.^۴

وی پس از قحطی و گرانی سال ۱۲۸۸ از وزارت تهران معزول و به جای او پاشاخان امین‌الملک که در سال ۱۲۸۳ قمری به سمت مهرداد

1. yon.ir/SUyLw.

۲. سایت اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی.

۳. غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۱.

۴. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۰۹؛ غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ لیلا باقری، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ص ۴.

سلطنتی منصوب شده بود، به پیشکاری نایب السلطنه و وزارت تهران منصوب شد.^۱

عبدالله مستوفی قحطی عمومی در ایران را با عبارات زیر بیان کرده است:

«سال ۱۲۸۸، سال قحطی عمومی ایران است. از یکی دو سال پیش کم بارانی شروع و گرانی و تنگی خواربار خودنمایی می کرد ولی در زمستان سال ۱۲۸۷ باران هیچ نبارید و مایه های سنواتی هم تمام شده بود، قیمت نان که در اوایل ۱۲۸۷ بیش از یک من شش هفت شاهی نبود، به مرور ترقی کرده در این وقت به یک من یک قران رسید. مردم پایتخت این اشعار را ساخته به طور تصنیف می خواندند.

شاه کج کلا	رفته کربلا
گشته بی بلا	نان شده گران
یک من یک قران	یک من یک قران
ما شدیم اسیر	از دست وزیر
از دست وزیر	

مقصود از وزیر، میرزا عیسی پسر میرزا موسی وزیر سابق تهران است که بعد از پدر تازه به وزارت تهران و پیشکاری نایب السلطنه برقرار شده

۱. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰.

بود. این تصنیف را ده پانزده سال بعد در ایام کودکی شنیده‌ام. حالا که وزن آن را تطبیق می‌کنم به آواز رهاب شور می‌خورد.

باری دشمنان میرزا عیسی برای از کار انداختن او این تصنیف را ساخته بودند؛ چنان‌که بزودی میرزا عیسی معزول و پاشا خان امین‌الملک به پیشکاری نایب‌السلطنه و وزارت تهران برقرار شد.^۱

وی پس از درگذشت محمد ابراهیم خان، وزیر نظام، دایی کامران میرزا، در ۸ صفر ۱۳۰۹ قمری برای بار دوم وزیر تهران شد و یک‌سال بعد در ۲۲ صفر سال ۱۳۱۰ قمری به ناخوشی وبا درگذشت.^۲

بیگ‌ریگی‌ها معمولاً پیشکار یا معاونی داشتند که وزیر نامیده می‌شد. میرزا عیسی وزیر یا میرزا محمود وزیر، از وزرای مشهور تهران بودند.^۳ میرزا عیسی از مستوفیان عظامی بود که به خطاب جنابی افتخار یافته بود.^۴ میرزا عیسی همانند پدرش خدمات بسیاری انجام داد و مورد تشویق شاه قاجار بود. در کتاب «مرآة البلدان» آمده:

«میرزا عیسی وزیر دارالخلافه به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد.»^۵

۱. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۸۵.

۳. همان، ص ۱۷۶.

۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص ۳۷۹.

۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۵۶۴.



میرزا عیسی وزیر از اعضای مجلس تحقیق دولتی بود. این مجلس در تاریخ شنبه ۶ ربیع الاول ۱۲۹۹ تشکیل شده بود. امین الملک یعنی میرزا علی خان (امین الدوله بعدی) به عنوان ریاست آن تعیین گشت و در تعیین اعضای آن مستوفی الممالک نام اعتماد السلطنه را نیز برد و او از این جهت کتابچه مختصری در باب این مجلس نوشت.

اعضای دیگر مجلس عبارت بودند از وزیر دفتر که بالاخره رئیس مجلس شد، حاجی میرزا علینقی، امین لشکر، معین الوزار یعنی علاء السلطنه بعدی پدر حسین علا، مستشار یعنی میرزا یوسف خان، گرانمایه یعنی حاج میرزا حسین خان سرابی مؤلف مخزن الوقایع.^۱ ظاهراً میرزا عیسی وزیر مخالفتی با سپهسالار داشت و ناصرالدین شاه که مایل به عود سپهسالار بود، مخالفین او را از کار برکنار نمود. یکی از آن افراد که به این دلیل به کرمان تبعید شد میرزا عیسی وزیر بود.^۲

محمد ابراهیم باستانی پاریزی در این زمینه نوشته:

«چند سال پیش یک روز خدمت عبدالله انتظام بودم. او به من گفت که ما انتظام‌ها با شما کرمانی‌ها قوم و خویش هستیم. اول بار اندکی برایم قبول آن مشکل بود و آن را نوعی تعارف تلقی کردم. اما بعدها متوجه

۱. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۷۲۱.

۲. حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۷۱.

شدم میرزا عیسی وزیر وقتی به دستور ناصرالدین شاه به کرمان تبعید شده بود با یک زن کرمانی از خاندان هدایت‌علی شاه کوه‌بنانی ازدواج کرده بود.^۱

در سال ۱۳۱۰ قمری وبا تهران را فراگرفت و تعداد بسیاری در هر روز جان خود را از دست می‌دادند. میرزا عیسی وزیر مقید بود که اجساد با آداب کامل اسلامی (غسل و کفن) دفن شوند و تعداد زیاد مردگان مانع از این عمل نشد و خودش شخصاً نظارت می‌کرد تا تخلفی صورت نگیرد. میرزا عیسی جان‌ش را در این راه فدا کرد^۲ و بر اثر وبا، در ۲۲ صفر سال ۱۳۱۰ قمری^۳ درگذشت.^۴

عبدالله مستوفی دربارهٔ وبا و مرگ میرزا عیسی خان وزیر می‌نویسد: «آن روزها البته آمار و احصائیه‌ای نبوده است که عدۀ مبتلایان وبا و اموات آنها را تشخیص دهد ولی از قراری که می‌گفتند، عدۀ اموات

۱. صادق حسرتی، رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۲۸. (مقدمهٔ محمدابراهیم باستانی پاریزی)

۲. مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان.

۳. بهاره خسروی در مقاله «جست‌وجو در تاریخ ۱۳۷ سالهٔ یک مسجد و مدرسه»، صفحه ۱۵ و همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی به آدرس: yon.ir/SUyLw، سال وفات میرزا عیسی را سال ۱۲۸۸ شمسی ذکر کرده است که اشتباه است زیرا در کتب تاریخی سال وفات ۲۲ صفر ۱۳۱۰ قمری است که برابر می‌شود با شهریور ۱۲۷۱ شمسی.

۴. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۸۵.



تهران در یکی دو هفته به روزی سیصد نفر هم رسیده بوده است. از جمله وفیات، میرزا عیسی وزیر تهران بود که در سال گذشته قبل از وقعه تنباکو^۱ و بعد از مردن محمد ابراهیم خان وزیر نظام وزیر تهران، مجدداً به این شغل منصوب شده بود.^۲

و در «روزنامه خاطرات عین السلطنه»^۳ جلد ۱ صفحه ۴۸۴، چنین آمده است:

«شنبه ۲۹ محرم، صبح است بیرون نشسته‌ام. لله الحمد تا حال از برکت دعاهاى مخصوصه سلامت هستیم، تا بعد خدا چه خواهد. چندان تخفیفی در این مرض حاصل نشده است. مردم شهر تماماً فرار کرده‌اند. کوچه‌ها خلوت است. تمام دکان‌ها بسته است. دل مردم پی کار نمی‌رود. در شمرانات این مرض هست، لیکن از بابت وسعت مکان و آب و هوای خوش چندان زیاد نیست. بهترین کارها توکل است. خیلی‌ها فرار کردند و مبتلا شده تشریف بردند. روضه خوانی تمام شد.

۱. نهضت تنباکو در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ ق/ ۲۹ اسفند ۱۲۶۸ ش، با امضای قرارداد رژی توسط ناصرالدین شاه شروع شد و در اوایل جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ با صدور حکم تحریم استعمال تنباکو و توتون توسط میرزای شیرازی به پایان رسید. (yon.ir/uf4nJ)

۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۴۸۲.

۳. نویسنده: قهرمان میرزا سالور عین السلطنه.

وفیات وبا: عفت‌الدوله بنت شاه مرحوم همشیره کوچک اعلی حضرت به همین مرض بدرود زندگانی گفتند. خیلی‌ها مرحوم شدند. عصمت السلطنه والدۀ ظل السلطان مرحومه شدند. میرزا عیسی وزیر تهران پریشب به رحمت ایزدی پیوست. شهر الآن بی صاحب است. آقای نایب السلطنه اوشان فرار کرده‌اند. هنوز وزیری تعیین نشده است. شمیرانات به شدتی شلوغ شده است که چه نویسم.»

میرزا عیسی وزیر وصی را برادرزاده‌اش (سید محمد انتظام السلطنه) قرارداد. زیرا برادرش (سید عبداللّه خان انتظام السلطنه) زودتر از وی وفات کرد. از آنجا که میرزا عیسی فرزندى نداشت، میرزا حسن مستوفی الممالک^۱ علاوه بر ارث پدری، از عمۀ خود، زن میرزا عیسی وزیر، هم ثروت هنگفتی به ارث برد و همه را در راه آقائی خرج کرد.^۱

۱. وی صدراعظم ایران و معروف به آقا بود. صادق حضرتی، رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۲۸. (مقدمۀ محمد ابراهیم باستانی پاریزی)

میرزا حسن مستوفی الممالک پسر میرزا یوسف مستوفی الممالک، متولد ۱۲۹۲ قمری در شش یا هفت سالگی با لقب مستوفی الممالکی رئیس دفتر استیفا (وزارت مالیه) شد و میرزا هدایت وزیر دفتر سمت سرپرستی او را در کارهای اداری یافت و چون مستوفی دوم یعنی میرزا یوسف درگذشت، همه کارهایی که داشت به استثنای صدارت به یگانه پسرش میرزا حسن تعلق گرفت و میرزا هدایت همچنان از او نیابت می‌کرد و ناصرالدین شاه هم همان احترام پدرش را برای او قائل بود. مستوفی همچنان بر سر کار بود تا در سلطنت مظفرالدین شاه در ۱۳۱۸ قمری سفری به اروپا رفت و هفت سال در پاریس اقامت نمود و در این مدت غالباً هرروزه، ده دوازده نفر از ایرانی‌ها مهمان او بودند و وقتی هم که به



نسخه خطی به شماره ۴۳۳۷/۶؛ دانشگاه ۲۱۹۲/۱۱ درباره سرگذشت میرزا عیسی وزیر و میرزا یوسف صدراعظم است، در چند فصل. تاریخ سیاسی روزگار قاجار و آشفتگی های آن روزه از آن روشن می گردد. آغاز نسخه: «بسمله. میرزا عیسی را بر خود تقدیم ندهد و هم در وصف میرزا موسی تقصیر کرده».^۲

تصحیح و بازخوانی این نسخه، اطلاعات بسیاری درباره فعالیت های میرزا عیسی خان وزیر به دست می دهد.

ایران برگشت مورد احترام عمومی و در حقیقت فرد شاخص ملی بود. چه مردی بود رئوف و مهربان و در دوستی ثابت و به تمام معنا «آقا» و در عین حال وطن پرست. مستوفی با میرزا علی اصغر خان اتابک به ایران بازگشت و در کابینه اتابک وزیر جنگ شد و پس از استقرار مشروطیت پانزده بار وزیر و یازده بار رئیس الوزرا شد و غالباً هم از تهران به نمایندگی انتخاب می شد. از دوره هفتم به بعد نمایندگی را نپذیرفت. در ششم شهریور ۱۳۱۱ ش که در خانه میرزا رضا خان حکمت (سردار فاخر) مهمان بود حالتی شبیه سکت به او دست داد و با اینکه دکتر مهدی ملک زاده در مقام معالجه برآمد علاج سودی نداد و مستوفی درگذشت و در مقبره خانوادگی در ونک مدفون شد و داستان مرگ او همچنین در تردید و ابهام باقی ماند. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۹۳.

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. احمد منزوی، فهرست واره کتاب های فارسی، ج ۲، ص ۹۸۳.

خدمات

۱. مسجد، مدرسه، و مقبره میرزا عیسی وزیر

زمان قاجار پارک شهر گورستان بود. املاک میرزا عیسی خان وزیر هم در مجاورت این گورستان قرار داشت. او برای کمک به ایتام با هزینه شخصی خود مخارجی (مانند مسجد و مدرسه) قرار داد.^۱

مسجد و مدرسه میرزا عیسی خان وزیر در سال ۱۲۹۵ قمری ساخته شده است. مسجد و مقبره در کنار قبرستان بود. بعدها قبرستان را از بین برده و در محل قبرستان پارک شهر کنونی را احداث کردند. فضای مسجد در سال ۱۳۵۵^۲ بازسازی شد.^۳ در سردر مسجد این روایت نوشته شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [عَلَيْهِ السَّلَام] أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَالْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بَابُهَا».^۴ املاکی در اشتهاورد و همچنین مغازه‌های اطراف مسجد میرزا عیسی وزیر، همگی وقف بر مسجد، حوزه،^۵ و ایتام شده است. در وصیت‌نامه هم اشاره به موقوفات شده است و خورشید خانم (از

۱. بهاره خسروی، جست‌وجو در تاریخ ۱۳۷ ساله یک مسجد و مدرسه، ص ۱۵.

(مصاحبه با آقای منصور رشیدی)

۲. داریوش شهبازی در کتاب «روایتی از تهران قدیم»، جلد ۱ صفحه ۱۹۷، بازسازی مسجد را در سال ۱۳۵۰ ذکر کرده است.

۳. لیلا باقری، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ص ۴.

۴. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۳۰.

۵. در سابق داخل مسجد میرزا عیسی وزیر حوزه علمیه بوده است. الآن حوزه از بین رفته است.

خاندان غفاری) نیز وصیت‌نامه را امضا کرده است. اصل وصیت‌نامه در اختیار فرزندان آقای انتظام است و رونوشت آن نزد آقای منصور رشیدی است.

افراد زیادی از فضلا، علما، و دانشمندان مشروطه در مدرسه میرزا عیسی وزیر تدریس و تحصیل کرده‌اند.^۱ هم‌اکنون (سال ۱۳۹۸ شمسی) اثری از حوزه و حجرات طلاب باقی نمانده است و مسجد و مقبره به‌وسیله دیواری از یکدیگر جدا هستند. کنار دیواری که کتیبه شجره‌نامه نصب شده دری هست که به حیاط نقلی و باصفای دیگری هدایت می‌کند. حیاطی با یک درخت خرما در وسط. انتهای حیاط چند پله می‌خورد و ایوانی و بعد دری آهنی با طرح‌های اسلیمی و شیشه‌های رنگی.^۲ سنگ قبر وسط این اتاق بزرگ قبل از دیگر اجزای اتاق توجه‌تان را جلب می‌کند. یکی متعلق به میرزا عیسی خان وزیر است و دیگری متعلق به برادرزاده‌اش جناب سید محمد انتظام السلطنه.^۲

مسجد زیر نظر اوقاف اداره می‌شود. مقبره از موقوفات نیست بلکه ملک شخصی خاندان انتظام‌وزیری است و به‌دست آنان اداره می‌شود.

۱. علی دوانی، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، ص ۷۸.

هم‌اکنون سرپرست مقبره، آقای منصور رشیدی (فرزند علی‌بابا رشیدی) است. بنای مسجد در خیابان شاهپور تهران (وحدت اسلامی) زیر چهار راه حسن‌آباد روبه‌روی خیابان بهشت از ثلث دارایی میرزا عیسی وزیر ساخته شده است. میرزا عیسی وزیر در زاویه شمال‌غربی همین مسجد مدفون است.^۱

هر هفته در مسجد، هیئت زنجانی‌ها عزاداری و توسل دارند. در داخل محراب مسجد ۲ کتیبه وجود دارد:

الف) «سنه ۱۴۰۱ق» که نشان‌دهنده سال تعمیر و بازسازی مسجد است.

ب) «عمل سیدمحسن احمدی». نام سازنده کاشی‌های محراب و یا ممکن است نام معمار باشد.

متأسفانه مدرسه ۱۲۸ ساله میرزا عیسی وزیر که در حجره‌هایش روزی مرحوم دهخدا (۱۲۵۷ شمسی تا ۱۳۳۴ شمسی) به گفته خودش ده سال نزد حاج شیخ هادی تلمذ می‌کرده تخریب شده است.^۲

مقبره در سال ۱۳۵۶ شمسی توسط سیدعبدالله انتظام‌وزیری و با نظارت جناب آقای سعید ساعی و علی‌بابا رشیدی (سرپرست مقبره) بازسازی شد. سرپرست مقبره میرزا عیسی، مرحوم محمد رشیدی و

۱. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۸۵.

۲. محمدعلی نجم‌آبادی، العلماء باقون ما بقی الدهر، ص ۱۶.



بعد از وی فرزندش مرحوم علی بابا رشیدی و بعد از علی بابا، فرزندش حاج منصور رشیدی است.

کتیبه‌ای بر در ورودی مسجد نصب است. برخی از مواردی که در آن نوشته شده است:

(الف) مسجد و مدرسه میرزا عیسی وزیر در سال ۱۲۹۵ قمری به همت مرحوم میرزا عیسی وزیر احداث می‌شود.

(ب) افراد زیادی از فضلا، علما، و دانشمندان مشروطه در همین مدرسه تدریس و تحصیل کرده‌اند.

(پ) این مسجد و مدرسه از اراضی متعلق به سید میرزا عیسی معروف به وزیر احداث شده است.

(ت) مسجد و مدرسه میرزا عیسی وزیر دارای حیاطی باصفا و زیبا بود که در اطرافش مدرس بزرگ و حجرات قرار داشتند. در ضلع شمال غربی حیاط، مقبره مرحوم عیسی وزیر قرار دارد. بر روی دیوار ورودی مسجد قدیمی، کتیبه‌ای نیز نصب شده است. متأسفانه به جز ورودی مسجد و مدرسه و صحن قدیمی مسجد، بقیه بنا تخریب شده است.



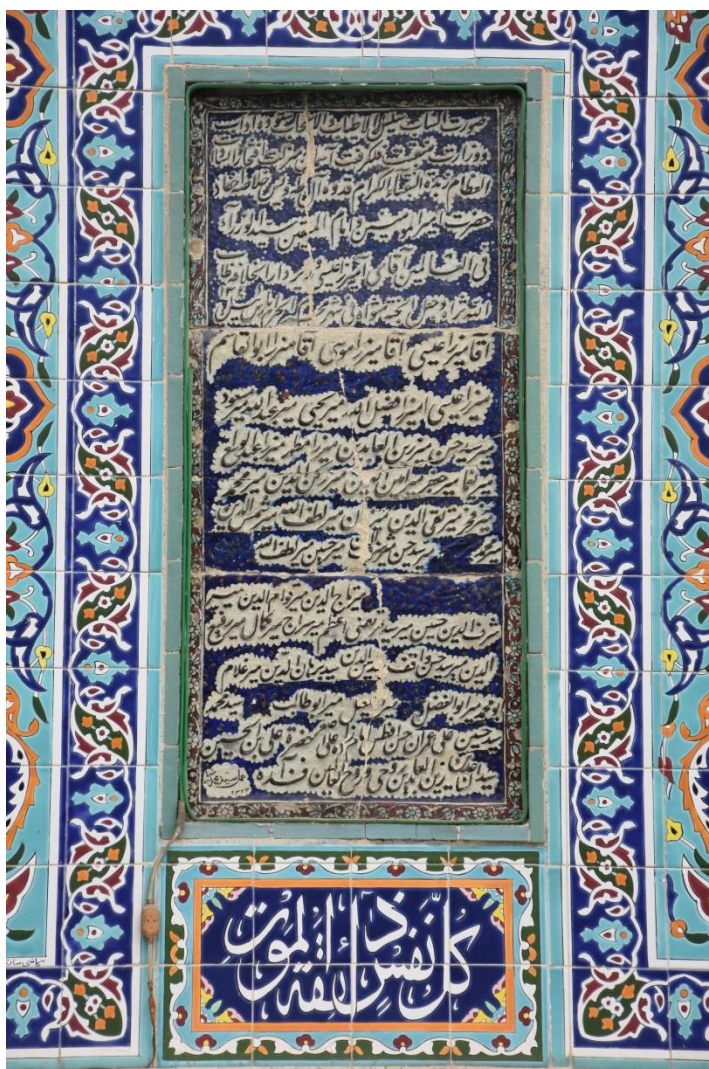
مسجد عیسی خان وزیر
منصور رشیدی (مؤلف کتاب) نزد
حجت الاسلام علی اکبر واعظی
(امام جماعت مسجد)



کتبیۂ محراب
مسجد میرزا عیسیٰ وزیر



کتبیۂ محراب
مسجد میرزا عیسیٰ وزیر



کتابخانه مسجد عیسی خان وزیر

بر روی کتیبه نام اجداد میرزا عیسی خان وزیر تا امام زین العابدین علیه السلام حک شده است:

«صورت انساب سلیل الاطیاب و الانجاب ستوده آداب و وزارت
منقبت فلک رفعت آسمان منزلت افتخار السادات العظام زبده نقباء
الکرام قدوة آل طه و یس خلاصة احفاد حضرت امیرالمؤمنین و امام
المتقین سید الوزراء فی العالمین آقای آمیرزا عیسی وزیر دارالخلافه
طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه فی شهر محرم الحرام ثیل پاس^۱
۱۳۱۰ آقا میرزا عیسی، آقا میرزا موسی، آقا میرزا ابوالقاسم، میرزا
عیسی، میرزا فضل الله، میریحیی، میرعبدالله، میرمسعود،
میرسیدحسن، میرزین العابدین، میرزا مطهر، میرزا عبدالواسع،
میریغما، میرجعفر، میرامین الدین، میررکن الدین، میرمحمد، میرفخر،
میرتقی الدین، میرزمان، میرلطف الله، میرشمس الدین، میرمحمد،
میرسیدحسن، میرشرف الدین، میرحسین، میرلطف الله، میرتاج الدین،
میرقوام الدین، میرشرف الدین حسین، میرسیدمرتضی اعظم، میرسراج،
میرکمال، میررفیع الدین میرسیدحسن واقف، سیدامین الدین،
سیدبرهان الدین، میرغلام ابومحمد، میرابوالفضل، میراسماعیل،

۱. «ثیل» به معنای سال است. «ثیل پاس» ظاهراً همان «پارس ثیل» یا «پارس ثیل» بوده و به معنای سال پلنگ است که سال سوم از دوازده سال ترکی است.

میرابوطالب، سید محمد، سید حسین، علی عمران حسن افطس،^۱
امامزاده علی اصغر، حضرت علی بن الحسین سید الساجدین
زین العابدین روحی و روح العالمین فداه. عمل سید محمد رضا
۱۳۲۳».

۱. طبق نقل برخی حسن افطس جدّ آیت‌الله سید علی خامنه‌ای است.



سنگ مزار میرزا عیسی خان وزیر

روی قبر میرزا عیسی خان وزیر یک سنگ سفید قدیمی ترک‌خورده قرار گرفته که بالای سنگ دو فرشته کوچک حجاری شده. بالای سنگ قبر بینشعلی شاه دو تبرزین حجاری شده.^۱

روی سنگ مزار میرزا عیسی وزیر، آیه «هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ»^۲ حک شده است و سپس اشعار ذیل نوشته شده است:

گرفت راه نفس در گلوی بلبل زار	به تازگی ز چمن نوبهار کرد فرار
ز رنج و غصه شقایق سیه نمود دِثار ^۳	خمید قامت سر و سخی ز محنت و غم
ستم بود به بزرگان و جور بر ابرار	هماره شیوه این چرخ سفله‌پرور دون
به نیم‌چشم زدن برد و دل نمود فکار	چنان‌که تازه‌گلی را ز باغ پیغمبر
عطای حاتم و جود معن چه یک‌دینار ^۴	چه نوگلی که به هنگام بذل پیش کَفَش
بر آستان شهنشه امین و خدمتکار ^۵	مِهین وزیر که چون او به ملک ری نبدی
بزرگ مهر به تدبیر و آصفی آثار ^۶	رسول جدش موسیش باب و عیسی نام
پس از هزار که بردش وبا به دار قرار	به سال سیزده و ده بُد ز هجرت خاتم
به قدر و مرتبه و جایگاه هشت و چهار	بزرگوار و خدایا به عزت احمد
بکن ز رحمت خود سرفراز و برخوردار	به روز حشر به پیش لوای پیغمبر

۱. لیلا باقری، دیدار با وزیر مردم‌مدار در حوالی بهشت، ص ۴.

۲. فرقان: ۵۸/۲۵.

۳. دِثار: لباسی که روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۰۱۱.

۴. معن: از رجال معروف ادبی.

۵. مِهین: بزرگ‌تر. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، ص ۷۵۴۰.

۶. آصف: وزیر باتدبیر حضرت سلیمان (ع).^۱



۱۰ بیت شعر روی سنگ مزار حک شده است. سراینده اشعار معلوم نیست. نکته‌هایی از اشعار به دست می‌آید:

(الف) از لفظ «جدش» در بیت هفتم دانسته می‌شود که میرزا عیسی از سادات است.

(ب) در بیت هشتم با عبارت «به سال سیزده و ده بُد ز هجرت خاتم پس از هزار»، به سال وفاتِ میرزا عیسی اشاره دارد: ۱۳۱۰ قمری.

(پ) عبارت «بردش وبا به دار قرار» به نحوه وفات وی اشاره دارد که همان بیماری وبا است.

سیمت داشتن میرزا عیسی در دربار باعث نشد که از فکر مردم غافل شود. او از عارفان دوره خود بود و زمانی که وبای عام و معروف در تهران شیوع پیدا کرد و آن قدر کشته داد که مجبور بودند مرده‌ها را گروهی دفن کنند، دستور داد دفن اموات با آداب اسلامی و همراه با غسل و کفن انجام شود و آن قدر به این امر اهتمام داشت که جانش را بر سر این راه گذاشت. نصرالله حدادی تهران‌شناس در این باره می‌گوید:

میرزا عیسی خان با وجود مقامی که در دربار داشت مستقیم بر کار رسیدگی به بیماران گرفتار وبا و تدفین اموات نظارت می‌کرد، تا آنجا که به دلیل تماس مستقیم با مبتلایان به وبا خودش هم وبا گرفت و در ماه صفر سال ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفت.^۱

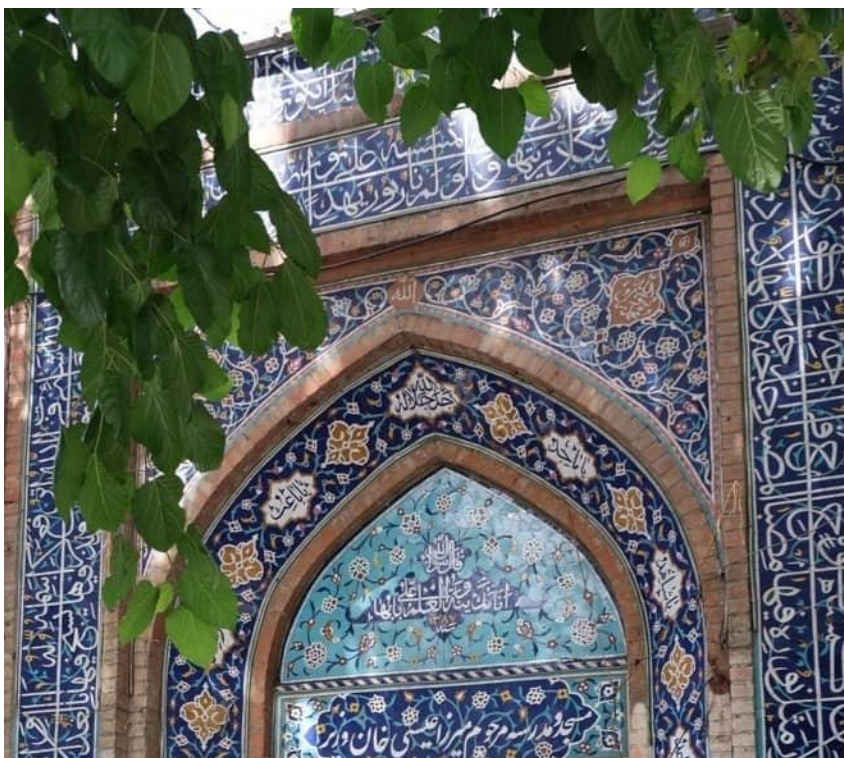
۱. لیلا باقری، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ص ۴.



علی قنبریان و منصور رشیدی (نویسندگان کتاب حاضر)
مقبره میرزا عیسی خان وزیر و سید محمد انتظام السلطنه
۱۳۹۶/۰۹/۰۸ شمسی



علی قنبریان و منصور رشیدی (نویسندگان کتاب حاضر)
 حیاطِ مقبرهٔ میرزا عیسی خان وزیر و سید محمد انتظام السلطنه
 ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ شمسی



بر روی سردر نوشته شده است:

«مسجد و مدرسهٔ مرحوم میرزا عیسی خان وزیر»
در حوزهٔ علمیّهٔ میرزا عیسی افرادی چون علی‌اکبر
دهخدا تحصیل کرده‌اند. متأسفانه بر اثر تسامح و
سهل‌انگاری، حوزهٔ علمیّه تخریب شده است.



هیئت محبان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

مقبره میرزا عیسی خان وزیر

ظهر اربعین امام حسین علیه السلام

سال ۱۳۹۵ شمسی

هیئت محبان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در این مقبره مراسم برگزار می‌کند. این هیئت در دو روز از سال موقع ظهر، اهالی محل، همچنین مستمندان و نیازمندان را اطعام می‌کند: روز میلاد امام علی علیه السلام (۱۳ رجب) و اربعین امام حسین علیه السلام. اربعین سال ۱۳۹۵ شمسی، سه هزار وعده غذا بین کارتن‌خواب‌ها و اهالی محل توزیع شد. همواره در این مقبره مدح و منقبت مولی علیه السلام خوانده می‌شود و این مراسم و اطعام از همان سال‌های حیات سیدعبدالله انتظام‌وزیری برگزار می‌شود.^۱ نظر سیدعبدالله انتظام‌وزیری آن بود که به روضه‌خوانی و مراسم امام حسین علیه السلام خیلی اهمیت داده شود و در مسجد میرزا عیسی سوگواری امام حسین علیه السلام برپا شود. همچنین در مقبره میرزا عیسی وزیر، فقرا و بی‌خانمانان اطعام شده و غذای گرم بخورند.^۲ در موقوفات میرزا عیسی خان وزیر آمده است که شب‌های جمعه اطعام کنند و این سنت حسنه از آن زمان تاکنون ادامه دارد و بعد از نماز مغرب و عشا، در مسجد سفره‌ای پهن می‌شود.

۱. همان، ص ۵.

۲. مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان.



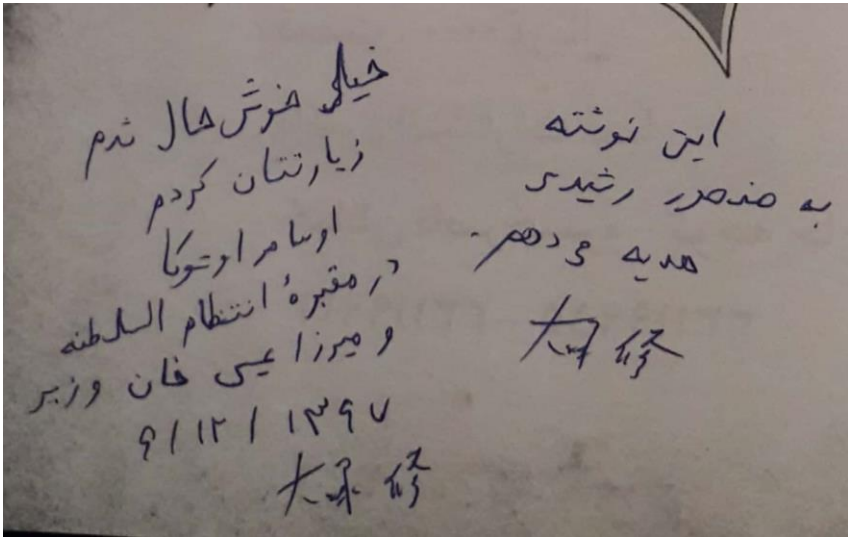
هیئت محبان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

مقبره میرزا عیسی خان وزیر

روز عاشورا، سال ۱۳۹۶ شمسی



تهران، مقبره میرزا عیسی خان وزیر و سید محمد انتظام السلطنه،
از راست: استاد اسدالله عبدلی آشتیانی (پژوهشگر اسناد)،
منصور رشیدی (پژوهشگر تاریخ)، دکتر اوسامو اوتسوکا
(دانشگاه توکیو)، علی قنبریان (سندپژوه)، ۱۳۹۷/۱۲/۰۹



دکتر اوسامو اوتسوکا از دانشگاه توکیو در ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ شمسی، دیداری از مقبره میرزا عیسی خان وزیر و سید محمد انتظام السلطنه داشت. مطلب فوق را به عنوان یادگاری برای آقای منصور رشیدی نگاشتند.

۲. بیمارستان وزیری

بیمارستان وزیری مربوط به دوره قاجار است^۱ و در تهران در خیابان ولی عصر، زیر چهار راه جمهوری محله حسن آباد از ثلث دارایی میرزا عیسی وزیر ساخته شده است. احداث بیمارستان در سال ۱۳۱۷^۲ شروع شد.^۳

در کتاب «روزشمار تاریخ معاصر ایران» جلد ۱، صفحه ۲۸۸، افتتاح بیمارستان مرحوم میرزا عیسی وزیر را پنج‌شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۰۰/۱۳ ذی الحجه ۱۳۳۹ ذکر کرده است و چنین ادامه داده است:

«حکیم‌الدوله وزیر صحیه و امور خیریه از بیمارستان تازه تأسیس مرحوم «میرزا عیسی وزیر» بازدید نمود و وعده داد که به زودی نواقص آن را برطرف نماید. این بیمارستان به همت شخص حکیم‌الدوله^۴ تأسیس شده بود.»

۱. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. برخی سال افتتاح بیمارستان را ۱۳۱۸ در دوره مظفرالدین شاه ذکر کرده‌اند. حسن فقیه عبداللهی، مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم‌آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ص ۱۰-۱۱؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۱۷.

۳. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۱، ص ۳۹۹.

۴. از اعضای انجمن اخوت.



حمایمی نیز برای رفع احتیاج مریض‌خانه میرزا عیسی و مردم خارج دائر شده بود. در اراضی اشتھارد نزدیک نجم‌آباد نیز ملکی با نام صحت‌آباد است که برای تکمیل عوائد مریض‌خانه داخل در موقوفات مریض‌خانه است.^۱ تا همین اواخر کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی بر سردر بیمارستان وجود داشت که روی آن به خط سفید، عبارت «بیمارستان ملی وزیری» دیده می‌شد.^۲

کتیبه‌ای بر در ورودی بیمارستان وزیری نصب است. برخی از مواردی که در آن نوشته شده است:

الف) بیمارستان وزیری از ثلث اموال میرزا عیسی مشهور به وزیر احداث شد.

ب) ساختمان بیمارستان در سال ۱۲۷۵ ش/ ۱۳۱۴ ق شروع شد و در سال ۱۲۷۹ ش/ ۱۳۱۸ ق پایان یافت (طبق کتیبه‌ای که سردر بیمارستان نصب شده است). در آن زمان بیمارستان شامل چند اتاق بود که گنجایش ۱۰ تخت خواب را داشت و آن را به دو قسمت طبی و جراحی

۱. علی دوانی، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، ص ۲۷-۲۹.

۲. حسن فقیه عبداللهی، مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم‌آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ص ۱۱-۱۱.

تقسیم می‌کردند. قسمت طبی زیرنظر مرحوم دکتر سیدابوتراب و قسمت جراحی زیرنظر دکتر لُف^۱ آلمانی اداره می‌شد. پ) مزرعه‌ای در اطراف نجم‌آباد^۲ نزدیک اشتهارد به نام صحت‌آباد وقف بیمارستان شده است.

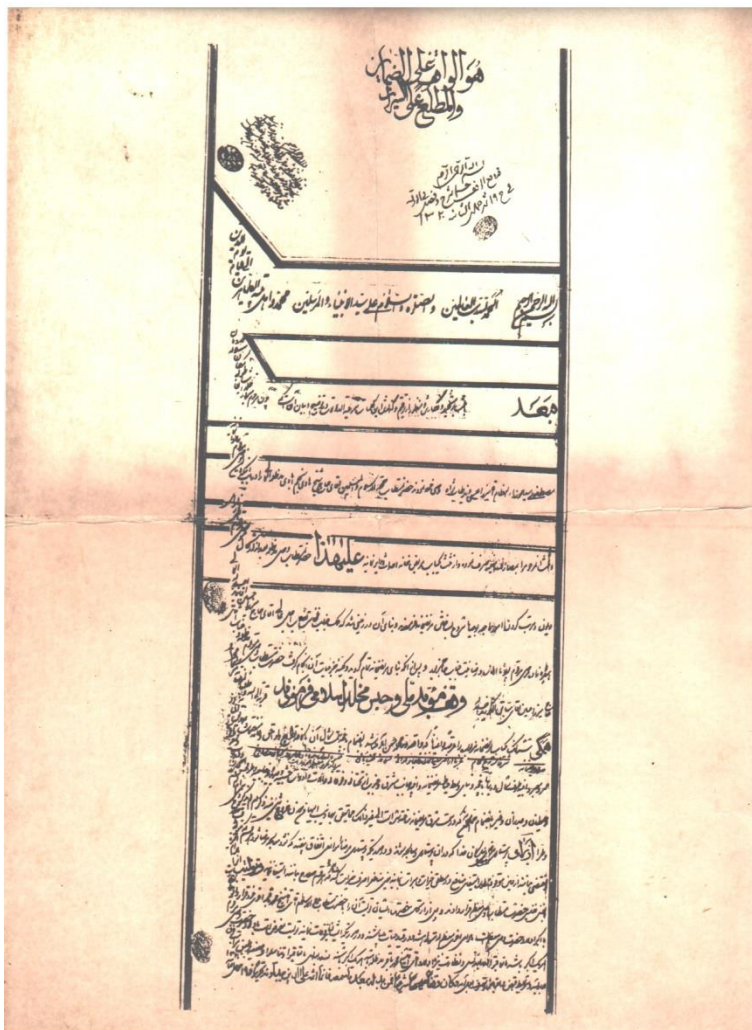
ت) در سال ۱۳۱۵ یک بخش به بیماری‌های زنان اختصاص داده شد که در آخر ریاست آن با مرحوم دکتر حمید آهی بود و در سال ۱۳۱۹ به دانشکده پزشکی ضمیمه و مرکز آموزش رشته زنان و مامایی دانشگاه تهران شد. بسیاری از اساتید فعلی ایران در رشته زنان و مامایی از متخصصان این بیمارستان هستند. در سال ۱۳۳۰ برای آزمایشگاه و رادیولوژی ساختمانی از طرف دانشکده پزشکی در این بیمارستان بنا شد. متأسفانه در سال ۱۳۵۰ شمسی بیمارستان که حداکثر استفاده از آن به عمل آمده بود به‌صورت مستهلک شده، به متولی وقت عودت داده شد. در سال ۱۳۵۵ شمسی وزارت بهداشتی وقت بیمارستان را خوشبختانه به غیر از بنای جنوبی آن) خراب کرد تا در محل آن بیمارستانی جدید بسازد.

۱. Luff.

۲. نجم‌آباد قصبه‌ای است از دهستان افشاریه ساوجبلاغ شهرستان کرج در ۴۸ هزار گزی مغرب کرج و ۱۸ هزار گزی جنوب راه کرج به قزوین. در جلگه معتدلی واقع است و ۲۶۷۴ تن سکنه دارد. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه؛ به نقل از: داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۹۲.



ث) بیمارستان وزیری در سال ۱۳۷۷ تحت شماره ۲۳۸۳ به ثبت آثار ملی رسیده است.



وقفنامه بیمارستان

میرزا عیسی خان وزیر



نمای بیرونی بیمارستان وزیری
هم‌اکنون بیمارستان فرسوده شده و غیرقابل
استفاده است. امیدواریم تدابیری اندیشیده شود
و با مساعدت‌های سازمان اوقاف، بیمارستان
بازسازی شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۳. اراضی موقوفه در اشتهارد^۱ (قریه مرادتپه)

براساس سندهای وقفی که در کتابخانه شخصی آقای منصور رشیدی موجود است، برخی از موقوفات میرزا عیسی وزیر در اشتهارد و قریه مرادتپه شهرستان کرج است. سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام کرد: سند تک‌برگی موقوفه میرزا عیسی وزیر بی سابقه‌ترین اخذ سند موقوفات در کشور است. با صدور سند مالکیت میرزا عیسی وزیر، بیش از ۳۰۰ رقبه در شهرستان اشتهارد سنددار خواهد شد که با اتصال رقبات به اصل سند در سامانه جامع، این موضوع به ثبت خواهد رسید. مساحت این موقوفه که به نام میرزا عیسی وزیر به ثبت رسیده است، دو میلیون و چهارصد و هشتاد و پنج هزار متر مربع (بیش از ۲۴۸ هکتار) است. به دلیل اینکه مالکیت آن شش دانگ و عرصه و اعیان آن وقفی است، اخذ این سند برای سازمان اوقاف و امور خیریه بسیار مهم و ارزشمند به شمار می‌رود و ارزش ریالی این موقوفه بسیار بالا، ارزشمند و شامل بخش‌های مسکونی و تجاری زراعی است... بنا به اظهار سرپرست دفتر نمایندگی اوقاف اشتهارد، نیات این واقف خیراندیش، کمک به هزینه‌های حوزه علمیه، ایجاد مسجد، برپایی مراسم روضه‌خوانی، و کمک به افراد نیازمند می‌باشد.^۲

۱. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰.



در یکی از سندهای سازمان اوقاف درباره موقوفات مذکور چنین آمده است:

استان البرز، شهرستان اشتهارد، بخش مزارع، مساحت: ۲۴۸۵۵۵۲۹۳، تاریخ ثبت: خردادماه ۱۳۹۴، شماره دفتر املاک: ۹۰، صفحه ۸۲، شماره ثبت ملک: ۱۴۳۰۹، نوع ملک: قریه، وضعیت خاص: وقف، ۶ دانگ عرصه و اعیان، نشانی ملک: اشتهارد قریه مرادپه، مشخصات مالک: موقوفه میرزا عیسی وزیر.

در موقع تهیه پاسخ بصرف
میزبانه این اداره فرمائید.



اداره
شماره
تاریخ
ضمیمه

اداره اصلاحات ررضی شهرستان کرج

تعیین نامه شماره ۱۴۲۱-۸/۸/۴۴ آقای احمد کاوه نماینده مسئولی موقوفه مرحوم میرزا عیسی وزیر
خواهشمند است دستور فرمایند رونوشت سند اجاره نامه کما کشتا ورزان صاحب نسق قریه
مراد تپه تنظیم گردیده به بیا ناکشتا ورزی و تعاونی روستائی کرج ارسال دارند و نسبت به تشکیل
شرکت حصائی و روستائی نیز اقدام لازم معمول دارند تا موقوفه بتواند اجاره بهای مربوطه را
با تضمین شرکت تعاونی بطور مرتب دریافت دارد - ضمناً یک نسخه از اجاره نامه هم برای
ضبط در پرونده واقعی باین اداره ارسال فرمائید . ج

رئیس اداره و قاجهران - شعشعانی

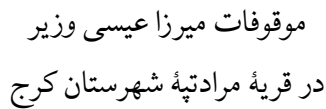
۱۱۴۱۰
۲۴/۸/۲۷

رونوشت عطف برونوشت نامه شماره ۱۴۲-۸/۸/۴۴ و نامه شماره ۱۴۱-۸/۸/۴۴

۴۴ برای اطلاع آقای احمد کاوه نماینده مسئولی موقوفه مذکور ارسال میشود . ج

رئیس اداره و قاجهران - شعشعانی

موقوفات میرزا عیسی وزیر
در قریه مراد تپه شهرستان کرج



۴. بیمارستان رازی

میرزا عیسی خان وزیر در خیابان وحدت اسلامی، بیمارستان رازی را هم تأسیس کرد که هنوز دایر است.^۱

۵. قنات سراب وزیر

قنات سراب وزیر (قنات میرزا عیسی وزیر) جزو موقوفات میرزا عیسی است^۲ و در خیابان مهدی‌خانی، کوچه لب تشنه که حالا نامش شهید حیدری است مظهر پیدا می‌کرد. بیشتر بیماری‌های مردم در آن زمان ناشی از آب آلوده بود و تنها آب پاک آب همین قنات‌ها بود و جالب اینکه اغلب افرادی که قنات داشتند مازاد آب خود را وقف مردم می‌کردند. قنات آب شاه، اول در قصر شاه می‌گذشت و بعد به مردم می‌رسید و قنات فرمانفرما، اول در خانه‌اش می‌چرخید و... اما میرزا عیسی کل آب قنات را وقف مردم می‌کند نه مازادش را. محله سراب وزیر هم به دلیل همین قنات به این اسم مشهور شده است.^۳

در کتاب‌های تاریخی اشاره به قنات عیسی خان شده است؛ نمونه:

۱. بهاره خسروی، جست‌وجو در تاریخ ۱۳۷ ساله یک مسجد و مدرسه، ص ۱۵.

۲. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۹.



«قیمت اجاره آب آن خانه، ۱۰ تومان در سال بود و از قنات میرزا عیسی وزیر که کنار سفارت جاری بود، آب می گرفتند و ماهی دوسه هزار دینار هم به میرآب می دادند.»^۱

۶. گسترش شهر تهران و احداث خندق

ایشان به دستور ناصرالدین شاه، نقشه جدید دارالخلافه تهران را در دوره صدارت میرزا یوسف مستوفی الممالک تنظیم کرد. البته موسیر بوهلر فرانسوی و موسیو کرشیش اتریشی معلم مدرسه دارالفنون و همچنین مهندس بغایری در این کار به او کمک کردند.^۲

بنابراین وسعت دادن شهر تهران و احداث خندق برای جلوگیری از سیل، به دست باکفایت میرزا عیسی خان وزیر صورت گرفت. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می نویسد:

«سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار عزم ملوکانه بر وسعت شهر تهران تعلق یافت لهذا مقرر فرمودند که شهر تهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به عهده جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی، وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و نیز مقرر شد که خندقی حفر کنند که رفع عبور مردمان از خارج دروازه

۱. میرزا حسین خان مبصرالسلطنه، مراسلات طهران، ص ۳۲؛ منصوره اتحادیه و سعید روحی، در محضر شیخ فضل الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری، ج ۱، ص ۴۴.

۲. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰.

بشود و شهر از آفت سیل محفوظ ماند. روز یکشنبه یازدهم شعبان در بیرون شهر شروع به این کار شد. اعلیٰ حضرت شهریارى بدو اّ کنگی به زمین زدند و بعد سائرین شروع به حفر خندق کردند و میرزا عیسی وزیر متعهد شد که سه‌ساله حفر خندق تمام شود. دور این شهر سه فرسخ و نیم شد و دوازده دروازه به دور او ساخته آمد و میرزا عیسی متقبل شد که او درین خدمت مجاهده کند و پاره‌ای از اراضی بایره که داخل در محاط شهر جدید می‌افتد از او باشد و هنوز بعضی اراضی متعلق به میرزا عیسی هست.^۱»^۲

همچنین محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب دیگرش (مرآة البلدان) می‌نویسد:

«چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو به ازدیاد نهاد و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد، رأی صواب‌نمای ملوکانه اقتضا فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید. لهذا مقرر فرمودند که شهر تهران از سمت دروازه شمیران یک‌هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک‌هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به‌عهده جناب آقای مستوفی‌الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول

۱. همچون قلعه نصرت‌آباد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۶۶۴.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، ص ۲۸۵ و چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۰۴.

فرمودند و چند نفر از مهندسين را نيز مأمور تعيين حدود و طول و عرض خندق آن فرموده، مقرر شد كه قسمتي خندق را حفر كنند كه از براي مترددین معبر نباشد و شهر از افت سيل مصون ماند.

روز يكشنبه يازدهم شعبان [سال ۱۲۸۴ قمری] در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت، سراپرده مخصوص ذات مقدس همایون را برپا نموده، وزرا و شاهزادگان حتی وزرای دول خارجه مقیم دربار معدلت مدار در این محل در زیر چادرها جمع آمده سلام عام منعقد گردید. بعد در موضعی كه طرح خندق را ریخته بودند، با كلنگی كه از نقره و در كمال امتیاز ساخته شده بود، بندگان سركار اعلی حضرت شاهنشاهی كلنگی به دست مبارك بر زمین زده و حضرت امجد شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه [كامران میرزا] نیز اقتدا به وجود مسعود مبارك کرده ایشان هم كلنگی به زمین زدند. از آن پس مأمورین به حفر خندق مشغول گردیدند و وزیر دارالخلافه متعهد شد كه سه ساله حفر خندق تمام شود. دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است كه ساخته شود و از این روز شهر تهران موسوم به دارالخلافه ناصری گردید.^۱

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان؛ به نقل از: حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۱۴۴.

با طرح وسعت یافتن محدوده شهر تهران، بسیاری از زمین‌هایی که خارج از شهر تهران بود، داخل محدوده تهران بزرگ قرار گرفت لذا این طرح برای صاحبان این گونه زمین‌ها ثروت خیز شد:

«زمین‌های زیادی در شمال و به خصوص در غرب، در محدوده جدید شهر قرار داشت. هم‌چنین زمین‌های بایر و باغاتی که متعلق به رجال و وزرا بودند، در آن محدوده واقع بودند. دو نفر از ملاکین بزرگ، مستوفی‌الممالک و خویش او میرزا عیسی وزیر، وزیر تهران و رئیس خالصه‌جات بودند. بدون شک تملک زمین‌های این محدوده، توسط این دو نفر به منظور استفاده آتی بود. خانواده مستوفی‌الممالک در ۱۲۶۹ قمری، در سنگلج زندگی می‌کردند و صاحب چندین خانه بودند. عده‌ای از اطرافیان و اقوام او نیز در همان حوالی بودند و پسرش که لقب و سِمَت او را در ۱۳۰۳ قمری، به ارث برد، صاحب زمین‌های وسیعی در سنگلج شد و از ملاکین بزرگ تهران بود.»^۱

۷. کفالت مخارج محصلان

در اسلام به علم و دانش اهمیت فراوانی داده شده است و آیات و روایات بسیاری در تکریم دانشمندان و برتری آنان وارد شده است. از خدمات پسندیده میرزا عیسی خان وزیر، پرداخت هزینه تحصیلی

۱. منصوره اتحادیه و سعید روحی، در محضر شیخ فضل‌الله نوری: اسناد حقوقی عهد



دانشجویان است تا آن‌ها با فراغ خاطر بتوانند تحصیل علم و کمالات کرده و برای جامعه مفید باشند. در کتاب «مرآت الوقایع مظفری» چنین آمده است:

«امین‌الدوله که بانی مدرسه رشديه است و چهل شاگرد آن‌جا را مجاناً متکفل خرج است و بیست شاگرد آن‌جا را از ثلث مرحوم میرزا عیسی وزیر، آقا شیخ هادی مجتهد متکفل مخارج است. امین‌الدوله در شعبان المعظم در رشت شنید که مخارج مدرسه را حیف و میل می‌کنند. به آقا شیخ هادی نوشت که مخارج مدرسه را رسیدگی نماید و اختیارش با او باشد. آقا شیخ هادی مجتهد نیز می‌خواهد مدرسه ملی افتتاح نماید. از قرار مذکور در این مدت هفتاد هزار تومان، مردم وجه اعانه برای مدارس ملی تهران داده‌اند و تمام را رؤسا خورده‌اند.»^۱

۱. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۱، ص ۴۷۲.



میرزا سید محمد تفرشی
خواهرزاده میرزا عیسی وزیر
و برادر میرزا سیدیوسف بود.
پس از اینکه میرزا
سیدیوسف تغییر سمت داد و
در سال ۱۳۰۱ قمری
مستشار اول و رئیس اتاق
دعای اداره پلیس شد، میرزا
سید محمد به جای وی رئیس
محلۀ سنگلج شد و به مدت
۴ سال در این سمت باقی و
برقرار بود..



میرزا عیسیٰ خان وزیر



منصور رشیدی
سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر
حج تمتع، ۱۳۹۳ شمسی



فصل سوم

سید عبداللہ خان

انتظام السلطنہ

فصل سوم: سید عبدالله خان انتظام السلطنه

میرزا سید عبدالله خان برادر میرزا عیسی وزیر و پدر میرزا سید محمد خان انتظام السلطنه (بینشعلی) و جد آقایان سید عبدالله و سید نصرالله انتظام‌وزیری^۱ در خدمت اداره نظامیه زمان ناصرالدین شاه بود. در ۶ رجب ۱۳۰۹^۲ به جای کنت دومونت فورت اتریشی یا ایتالیایی، رئیس شهربانی شد که در آن زمان وزیر نظامیه نامیده می‌شد و به مناسبت ریاست شهربانی‌اش به انتظام السلطنه نیز ملقب گردید.^۳ وزارت نظامیه انتظام السلطنه بیش از هفت ماه طول نکشید. چراکه انتظام السلطنه در ذی‌حجه^۴ همان سال درگذشت و به جای او میرزا ابوتراب خان خواجه نوری که پیش‌تر معاون کنت بود به سمت وزیر نظامیه برگزیده به مناسبت شغلش ملقب به نظم‌الدوله شد.^۵

۱. حسن فقیه عبداللهی در کتاب «مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم‌آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران» صفحه ۱۰-۱۱ و همچنین در سایت به آدرس yon.ir/Z6cA8 به اشتباه، میرزا عیسی وزیر را به‌عنوان جد سید عبدالله و سید نصرالله انتظام‌وزیری معرفی کرده است.

۲. کریم سلیمانی، القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۴۸.

۳. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۶۸۵؛ غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۲ و ۱۹۴.

۴. روز سه‌شنبه هفدهم ذی‌حجه. ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه عراق عجم، ص ۱۳۵.

۵. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۱۹۶؛ yon.ir/SUyLw.

ممتحن الدوله در خاطرات خویش درباره خصوصیات اخلاقی وی چنین آورده است:

«مرحوم سیدعبدالله بسیار بسیار آدم خوش منظر و خوش فطرت و فرنگی‌مآب بود و خدمت به نوع زیاد می‌کرد. همین آقا سید، به طراحی و نقشه‌کشی بنده، عمارت و باغی در خارج دروازه قزوین در سر قنات مرحوم میرزا سیدموسی وزیر، بساخت و غالب اوقات با هم محشور بودیم و رفت و آمد داشتیم.»^۱

اعتمادالسلطنه مورّخ معاصر با سیدعبدالله خان با عنوان «معمدالسلطان» یاد کرده و از باغی^۲ نام می‌برد که در تملک وی است.^۳ شاید همان باغی باشد که در محدوده میدان منیریه کنونی در شهر تهران بوده و در اختیار فرزندش سیدمحمد بود. البته بر اثر ساخت سازه‌های در شهر تهران، هم‌اکنون اثری از باغ یادشده نیست. در کنار باغ او واقع در خیابان امیریه انتهای کوچه انتظام‌السلطنه، آسیابی بود مشهور به آسیاب سیدعبدالله خان.^۴

۱. حسین قلی خان شقاقی، خاطرات ممتحن الدوله، ص ۲۴۱.

۲. واقع در خیابان امیریه انتهای کوچه انتظام‌السلطنه که با نقشه فرنگی ساخته شده و آسیابی نیز در پهلوی آن بود که تنوره‌اش در آن باغ بود و در موقع خود از باغ‌های خیلی جالب و خوش منظره و عالی بود.

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۲۰.

ممتحن الدوله در بخشی دیگر از خاطراتش درباره سیدعبدالله انتظام السلطنه گوید:

«یکی از همشیره‌های نامه‌نگار را هادی‌بیک گرفته دختری آورد که به آقا علی امین حضور که قبلاً وصف او را نوشتم دادند و پس از فوت هادی‌بیک مادر این دختر عیال مرحوم میرزا سید موسی تفرشی وزیر تهران گشت و یک پسر به نام سیدعبدالله و دو دختر آورد.^۱

دو خواهر میرزا سیدعبدالله یکی عیال میرزا اسماعیل پسر صاحب دیوان آشتیانی گشت و پسری آورد میرزا شفیع نام که بعدها ملقب به مقتدرالملک گردید و پس از منصب استیفا، ریاست تشریفات وزارت خارجه و بعد معاونت وزیرمختار ایران در ایتالیا به او محول گشت. خواهر دیگرش عیال میرزا ابوالقاسم پسر حاجی میرزا عباسقلی که از اشراف تهران بود، شد.»^۲

عنوان انتظام السلطنه در برخی از کتب تاریخی بر افرادی غیر از سیدعبدالله خان نیز اطلاق شده است؛ به عنوان نمونه:

۱. در اینجا ممتحن الدوله هیچ اسمی از میرزا عیسی خان وزیر نیاورده است. ظاهراً میرزا عیسی از همسر دیگر میرزا موسی تفرشی بوده است. در این صورت، از نظر فقهی سیدعبدالله خان و میرزا عیسی وزیر، برادر ابی بوده‌اند. یعنی پدرشان یکی است اما از مادر جدا هستند. برداشت فوق براساس گفته ممتحن الدوله است ولی در میان بازماندگان کنونی خاندان انتظام‌وزیری تحلیل مذکور صحیح نیست.

۲. حسین‌قلی خان شقاقی، خاطرات ممتحن الدوله، ص ۲۴۱.

جمعه ۲۹ ربیع الاول (۴ فوریه ۱۹۱۶) از طرف شاهزاده رئیس‌الوزراء انتظام‌السلطنه به سمت ریاست مرکز و انتخابات وزارت داخله برقرار گردید.^۱

قطعاً و یقیناً مراد از انتظام‌السلطنه در عبارت فوق، سیدعبدالله خان نیست. زیرا سال‌ها قبل از ۱۹۱۶ میلادی، سیدعبدالله خان وفات کرده است.

۲ شخصیت در دوره قاجار هستند که شباهت اسمی با سیدعبدالله خان انتظام‌السلطنه دارند و لازم است که بین آن‌ها خلط و اشتباه نشود. الف) عبدالله خان ناظم‌السلطنه. وی پسر علاءالدوله و پدر حبیب‌الله خان موقرالسلطنه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه سردسته غلامان شاهی بود و کشیک‌خانه به او واگذار شد. وی با برادرش احمد خان علاءالدوله رقابت داشت. وی در ۱۳۰۲ شمسی درگذشت.^۲

ب) محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه. کتابی منتشر شده است در رابطه با این شخصیت. مشخصات کتاب‌شناسی عبارت است از: با عنوان «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه: وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری از روی

۱. احمدعلی سپهر، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، ص ۳۲۲.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۱۸.



یگانه نسخه و موجود در کتابخانه آستان قدس، مقدمه و فهرس: ایرج افشار، تهران، ۱۱۰۷ ص، چ دوم، شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۳۷۷۳.





سید عبداللہ خان وزیر
به همراه فرزندش (سید محمد انتظام السلطنہ)





فصل چہارم

سید محمد اسحاق السلطنہ

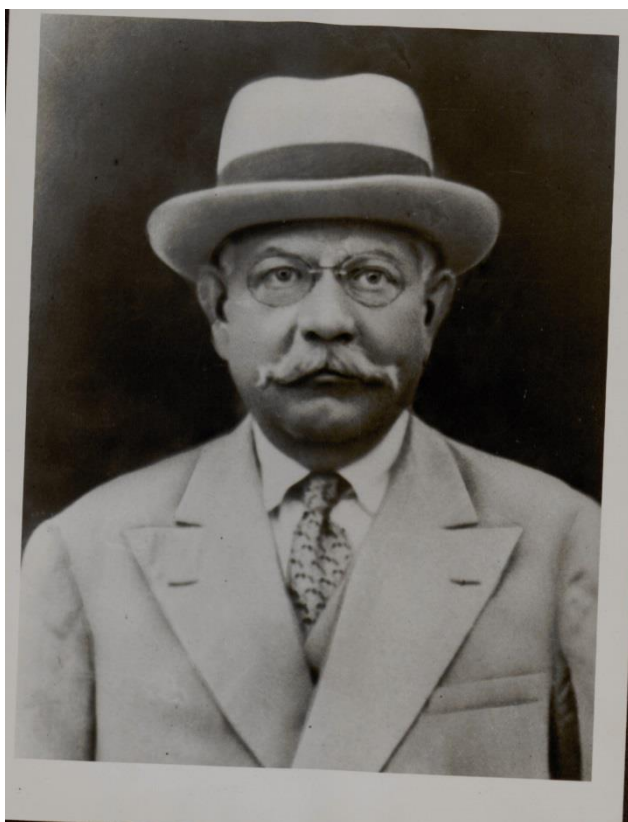
(پیشگی)



فصل چهارم: سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی)

سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی) فرزند سید عبدالله خان انتظام السلطنه^۱ در یازدهم رجب ۱۲۸۶ قمری برابر با بیست و پنجم مهر ماه ۱۲۴۸ شمسی به دنیا آمد. نام طریقتی اش بینشعلی بود. در دارالفنون زبان فرانسه و فنون نظامی را آموخت. سمت ریاست نظمیه را بر عهده داشت.

۱. در کتاب «خاندان غفاری کاشان» صفحه ۲۷، مرحوم سید محمد انتظام السلطنه را نوه میرزا عیسی وزیر معرفی کرده است که اشتباه است. زیرا سید محمد فرزند سید عبدالله است و میرزا عیسی خان عموی وی است نه پدر بزرگش.



سید محمد انتظام السلطنه



انتظام السلطنه در دوران ریاست ظهیرالدوله بر انجمن اخوت، نایب رئیس بود و پس از فوت ظهیرالدوله، به ریاست انجمن برگزیده شد.^۱ البته در برخی از منابع^۲ آمده است که مرحوم بینشعلی (سید محمد انتظام السلطنه) از ریاست بر انجمن اخوت خودداری کرد. متن ذیل شاهد بر این مدعاست:

«نام نامی و اسامی سامی مشایخ تعیین شده کنونی سلسله جدیدۀ نعمت الاهی که در نشر اخلاق درویشی و پیمان گرفتن به اصول ستۀ تصوف معاونت و کمکم می فرمایند از این قرار مرقوم می فرماید: ... آقای میرزا سید محمد خان انتظام السلطنه. ذی قعدۀ ۱۳۳۶ در تهران - صفاعلی. در کتاب جدید التألیف «دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران» دو روایت آمده است: [یکی اینکه] ظهیرالدوله، انتظام السلطنه مرحوم را به جانشینی خود تعیین کرد ولی او قبول ننمود و پس از فوت ظهیرالدوله نیز از دستگیری خودداری کرد.»

بینشعلی برخی از رساله های استادش (صفاعلی) را استنساخ کرده است. مرحوم ایرج افشار از قول سید عبداللّه انتظام وزیری چنین می گوید:

۱. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. علی بن محمد ناصر ظهیرالدوله، سفرنامه ظهیرالدوله، ص ۳۴-۳۵.

سیدعبدالله انتظام فرمودند نسخه‌ای از «تاریخ بی‌دروغ» در اختیار دارم که پدرم (یعنی مرحوم سیدمحمد انتظام‌السلطنه از یاران حقیقی و پیروان واقعی و مخلص مرحوم ظهیرالدوله) از روی نسخه خط مؤلف نوشته است. پس خود از راه لطف نسخه چاپی را با آن نسخه خطی قابل اعتماد مقابله و موارد اختلاف را که متعدد بود، دقیقاً اصلاح کردند و همین صورت تصحیح‌شده ایشان است که اساس طبع حاضر قرار گرفت.^۱

بینشعلی از جمله متملکین بزرگ شهر تهران بود. باغ او در امیریه بیش از پنجاه‌هزار متر مربع وسعت داشت.^۲

۱. ایرج افشار، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ج ۱، ص ده و یازده.

۲. داریوش شهبازی، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، ص ۱۹۸.



ایرج افشار، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ج ۱، ص ۶۲۷
 مهمانی بشیر السلطان در باغ انتظام السلطنه (باغ امیریه)
 ۱۳۳۱، از مجموعه عکس های عبداللّه انتظام
 سید محمد انتظام السلطنه نشسته در دُرْشکه



سید محمد انتظام‌السلطنه

باغ امیریه



ظهیرالدوله در اجازه‌ای که به سید محمد انتظام السلطنه داده است، چنین نوشته:

«جناب برادر باجان برابر، آقای میرزا سید محمد خان انتظام السلطنه که متصف و متخلق به صفات و اخلاق تصوف و درویشی هستند از طرف فقیر مأمور و مجازند که گم‌گشتگان وادی حیرت را به صراط مستقیم طریقت هدایت و به اخلاق پسندیده و اصول سَنَّةِ تصوَّف دلالت نموده و دستگیری و قبول پیمان فرمایند. التماس دعا دارد. صفا علی.» [-مُهر]^۱

سید محمد انتظام السلطنه مأموریت‌هایی به خارج از کشور داشته است؛ مثلاً در ۱۵ رمضان ۱۳۲۶ با معاون‌الدوله (پدرِ همسر سید محمد انتظام السلطنه و فرزند سوم فرخ‌خان امین‌الدوله و سفیر ایران در ایتالیا) رهسپار ایتالیا شده است.^۲

۱. علی بن محمد ناصر ظهیرالدوله، سفرنامهٔ ظهیرالدوله، ص ۳۵.

۲. ایرج افشار، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ج ۱، ص ۳۹۷.



سید محمد انتظام السلطنه و آقا ابراهیم اصفهانی



عکس غره انجمن اخوت و از راست به چپ عبارتند از: ۱- مرآت الممالک ۲- یکی از برادران حکیم الملک ۳- سید محمد انتظام السلطنه ۴- شاهزاده عین الدوله ۵- ظاهرالدوله ۶- ظهورالدوله ۷- ظهورالدوله (جمیعه مبداء انتظام)

ایرج افشار، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ج ۱، ص ۶۲۴

عکس انجمن اخوت. از راست به چپ:

نفر اول: مرآت الممالک

نفر چهارم: یکی از برادران حکیم الملک

نفر پنجم: سید محمد انتظام السلطنه

نفر ششم: شاهزاده عین الدوله

نفر هفتم: ظهیرالدوله



تابلوی نصب شده در مسجد میرزا عیسی خان وزیر

از سمت راست، پایین:

سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی)، صفی علی شاه

(قرآن را به نظم درآورد)، شاه نعمت‌الله ولی،

رحمت علی شاه (در شیراز و قبل از صفی علی شاه

بود)، ظهیرالدوله (داماد ناصرالدین شاه)، سالار امجد

(مقبره اش در قبرستان ظهیرالدوله است)

تمبر سید محمد انتظام السلطنه

ص ۱۳۱۷

BINECHE-ALI

ENTEZAM-ES-SALTANEH

ظهیرالدوله برای سلسله آرمی تعیین نمود که قبلاً در تاریخ تصوف سابقه نداشت که از ستاره داوود (آرم کنیسه) اقتباس شده است...
 ظهیرالدوله در ۱۳۱۷ انجمن اخوت را تأسیس نمود... صفا مشایخ زیادی تعیین نمود و مرحوم انتظام (بینشعلی شاه) را سرپرست انجمن اخوت قرار داد.

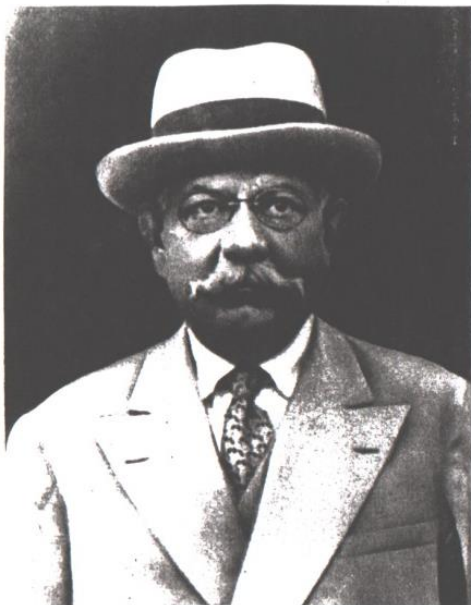
نورالدین مدرسی چهاردهی، سلاسل تصوف ایران، ص ۵۶۸.

آرمی که مرحوم ظهیرالدوله برای انجمن اختصاص داده است: کشکول، تبرزین.



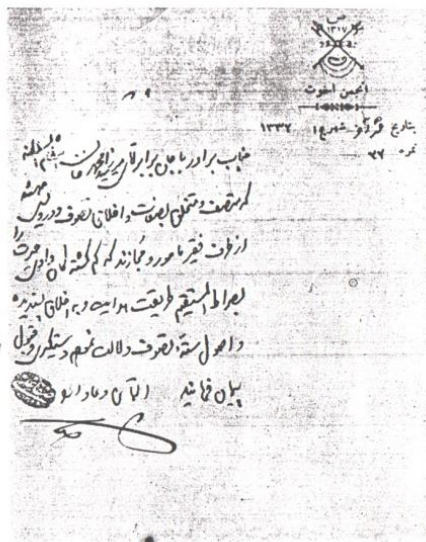


سید محمد انتظام السلطنه



در هوا همچون کبوتر پرزند
عکس مهر و بان پستان خداست

هر خیالاتی ز انسان سرزند
آن خیالاتی که دام او لباس است



حضرت بینش علی شاه (انتظام‌السلطنه)

هر خیالاتی ز انسان سر زند/ در هوا همچون کبوتر پر زند
آن خیالاتی که دام اولیا است/ عکس مهر و یان بستان خداست
ص ۱۳۱۷. انجمن اخوت. به تاریخ عشر آخر شهرج ۱،
۱۳۳۲، نمره: ۲۷

نوشتهٔ ظهیرالدوله (صفاعلی)

جناب برادر با جان برابر آقای میرزا سید محمد خان
انتظام‌السلطنه که متصف و متخلق به صفات و اخلاق تصوف
و درویشی هستند از طرف فقیر مأمور و مجازند که
گم‌گشتگان وادی حیرت را به صراط‌المستقیم طریقت
هدایت و به اخلاق پسندیده و اصول ستهٔ تصوف دلالت
نموده، دستگیری و قبول پیمان نمایند. التماس دعا دارم. مهر:
«صفاعلی».

در معقره ایست که در زمانه
 اورد و کاتبان به این
 اقسام عیناً در اول و بعد از
 مؤلفه یافت و در بعضی
 متون خارج از این است
 که در بعضی از کتب
 مذکور است

به خط صفی علی شاه

همسر سید محمد انتظام‌السلطنه، خورشید خانم غفاری است. خورشید خانم فرزند محمد حسین خان غفاری (فرخ خان ثانی) است. فرخ خان امین الدوله (میرزا ابوطالب غفاری) فرزند میرزا محمد مهدی غفاری کاشی است. فرخ خان سه پسر داشت. یکی از آنها محمد حسین خان است که با دختر عمویش (فرخنده خانم) ازدواج کرد. خورشید خانم فرزند آنهاست. کمال‌الملک نیز از خاندان غفاری است.

ثمره ازدواج سید محمد انتظام‌السلطنه و خورشید خانم چهار فرزند شد با نام‌های: فرخ‌لقا خانم؛ سید عبدالله انتظام‌وزیری؛ سید نصرالله انتظام‌وزیری؛ زهراسلطان خانم.^۱

۱. حسن نراقی و فرخ غفاری، خاندان غفاری کاشان، ص ۲۷.



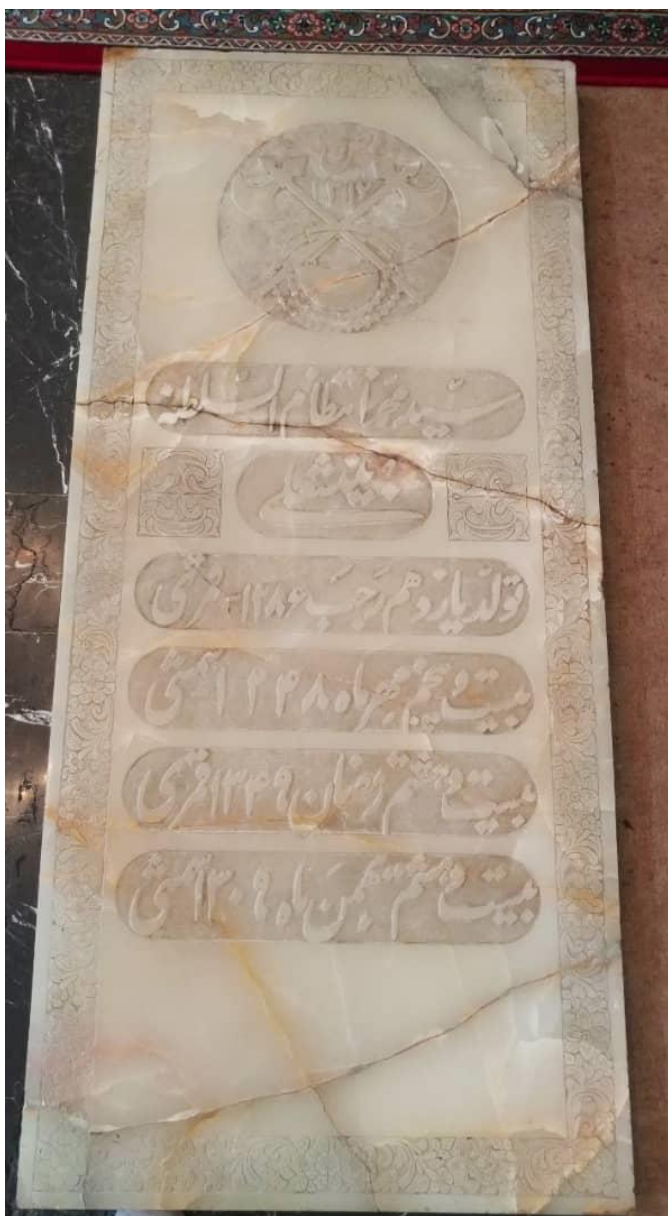
خورشید خانم

پدیدآورنده: میرزا ابوالحسن خان غفاری، ۱۲۵۹ ق

تکنیک: آبرنگ، ابعاد: ۱۵/۵ در ۱۹ سانتی متر

اهدایی بنیاد عزتملک ملک (سودآور)

سرانجام سید محمد انتظام‌السلطنه پس از عمری تلاش و کوشش و خدمت به خلق، در بیست و هشتم رمضان ۱۳۴۹ قمری برابر با بیست و هشتم بهمن ماه ۱۳۰۹ شمسی از دنیا رفت و در جوار مقبره عموی خویش، میرزا عیسی خان وزیر، به خاک سپرده شد.



سنگ قبر سید محمد انتظام السلطنه

بر روی سنگ قبر عبارات ذیل حک شده است:

«ص ۱۳۱۷. سید محمد انتظام السلطنه بینش علی.

تولد یازدهم رجب ۱۲۸۶ قمری [برابر با] بیست و

پنجم مهر ماه ۱۲۴۸ شمسی. [وفات] بیست و

هشتم رمضان ۱۳۴۹ قمری [برابر با] بیست و

هشتم بهمن ماه ۱۳۰۹ شمسی».

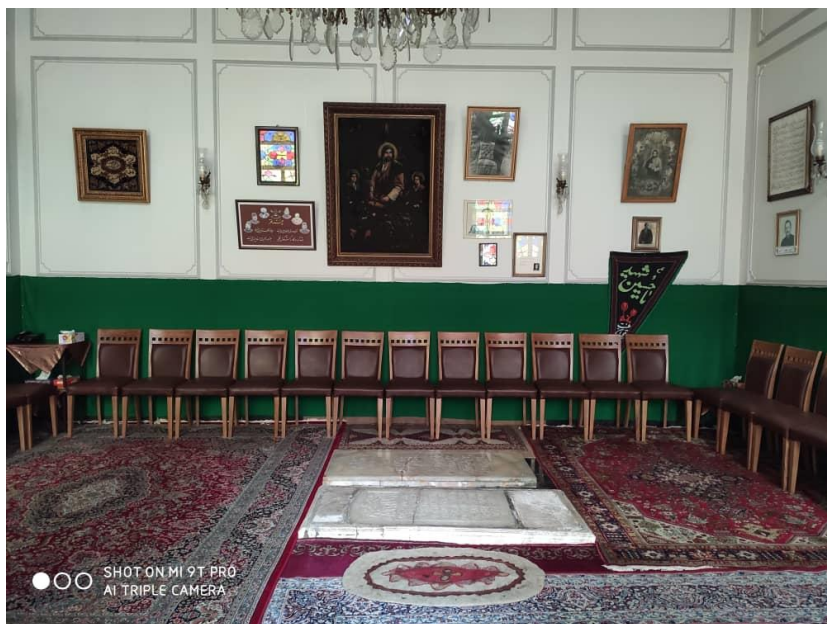
ص: مخفف سلسله صفی علی شاه است.

۱۳۱۷: سالی است که صفی علی شاه و ظهیرالدوله

انجمن اخوت را تأسیس کردند. بعد از صفی علی

شاه، ریاست سلسله با ظهیرالدوله و بعد از وی

(بنابر یکی از ۲ نظریه) با بینش علی بود.



مقبره میرزا عیسی خان وزیر و
سید محمد انتظام السلطنه

سند تقدیر ناصرالدین شاه قاجار

سند تقدیر ناصرالدین شاه، بابت خدمات و تلاش‌های میرزا عیسی خان وزیر است. در انتهای سند، تاریخ «فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۰» درج شده است. سند زمانی صادر شده است که میرزا عیسی خان وزیر وفات کرده است زیرا در بخشی از سند عبارت «مرحوم میرزا عیسی وزیر» آمده است که دلالت بر فوت میرزا عیسی دارد. با توجه به اینکه در کتب تاریخ، وفات میرزا عیسی ۲۲ صفر ۱۳۱۰ قمری^۱ ذکر شده، دانسته می‌شود که تقدیر ناصرالدین شاه بین ۲۲ صفر تا ۲۹ یا ۳۰ صفر ۱۳۱۰ قمری انجام شده است.

متن سند

بسم الله الرحمن الرحيم

مهر: «الملک لله تعالی». ^۲ تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت
صیت ^۳ داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت ۱۲۶۴^۴».

۱. حسین شهیدی، سرگذشت تهران، ص ۴۸۵.

۲. اشاره است به آیه «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ لَهُ الْمُلْكُ» فاطر: ۱۳/۳۵.

۳. صیت: شهرت، آوازه. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۷۹۳.

۴. ۱۲۶۴ سال نقر (ساخت) مهر است. در آن زمان ناصرالدین شاه ۱۸ ساله بوده است. وی چندین مهر داشته است و به اکثر فرامین همین را مهر را می‌زده است. (مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان).

از آنجا که بر ذمت همت ملوکانه فرض و متحتم فرموده‌ایم که هریک از چاکران دربار معدلت مدار که عمر خود را صرف خدمت دولت نموده و به رحمت ایزدی پیوندند، پاس^۲ قسمتی حقوق آن‌ها را در حق اعقاب و بازماندگان منظور فرماییم که اسباب امیدواری عموم خدمتگزاران^۳ بوده با کمال دقت مشغول خدمت باشند.

من جمله مرحوم میرزا عیسی وزیر که تمام عمر خود را در راه خدمت دولت صرف کرده به پایان رسانید. برای پاس خدمات آن مرحوم

در کتاب «شرح حال رجال ایران»، ج ۴، ص ۱۶۴ و کتاب «برگی از تاریخ قزوین»، ص ۹۶ آمده که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ قمری به پادشاهی رسید. بنابراین به احتمال فراوان، مهر مذکور اولین مهر ناصرالدین شاه است.
۱. مهر چهارگوش کلاهک‌دار است. رضا فراستی، مهرهای شاهان قاجار، ص ۱۷۵-۱۷۶.



۲. پاس: رعایت، ملاحظه. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، ص ۱۲۴۰.

۳. سند: خدمتگذاران.

هشتصد تومان بعد از رسوم^۱ از مواجب^۲ مرحوم وزیر در حق نتیجه الوزراء العظام جناب فخامت نصاب میرزا سید محمدخان انتظام السلطنه وزیر نظمیه پسر مرحوم انتظام السلطنه برادرزاده آن مرحوم مرحمت فرمودیم که علاوه بر مواجب خودش از محل ثیولات^۳ وزیر مرحوم به موجب تفصیل اخذ و دریافت داشته به مراسم فدویت قیام و اقدام نماید. مقرر اینکه مستوفیان عظام و کتبه کرام^۴ شرح فرمان

۱. رسوم: کسوراتی که مستوفیان برمی داشتند. تومنی ۲۰۰ دینار یا یک عباسی حق کمسیون آن ها بوده. (مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان).

۲. مواجب: عربی است به معنای واجب گردانیده شده. اصطلاحی است برای آنچه که در ازای خدمت به شخص رسانند. اگر عمل دیوان یا شرع باشد در جزو مستمری محسوب دارند و اگر نوکر و خدمتکار باشد از هر طبقه از طبقات اعلا از امرا و وزارا و از طبقات پایین از فراش و عزب مهتر و قاطرچی به لفظ مواجب نگارند و در جزء اطلاقی باشد. اسدالله عبدلی آشتیانی، سیاق: تاریخ آموزش دیوان سالاری و ریاضی حسابداری، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. ثیول: واگذاری زمین و ملک به کسی از طرف پادشاه که آن شخص از طریق مالیات آن ملک، برای خود درآمدی فراهم می آورد. (سایت واژه یاب، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه ثیول)

۴. اشاره است به آیه ﴿کَرَامًا کَاتِبِینَ﴾ انفطار: ۱۱/۸۲.



همایون را در دفاتر خلود^۱ ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند.^۲
فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۰.

از متن سند چهار نکته مهم تاریخی به دست می آید:

(الف) یکی آنکه سید محمد خان انتظام السلطنه (برادرزاده میرزا عیسی خان وزیر)، در صفر ۱۳۱۰ قمری وزارت نظمیه را بر عهده داشته است.
(ب) دیگر آنکه، از سید محمد خان با عنوان نتیجه الوزراء العظام نام برده شده است که دلالت دارد بر اینکه اجداد بالاتر از پدر بزرگ سید محمد خان نیز از وزرا بوده اند.

(پ) نامی از سید عبدالله خان انتظام السلطنه (برادر میرزا عیسی خان وزیر) برده نشده است بلکه از فرزند سید عبدالله یعنی سید محمد خان، تقدیر شده است. علت آن است که سید عبدالله خان در ذی حجه سال ۱۳۰۹ قمری و قبل از عیسی خان درگذشته است.^۳

۱. دفاتر خلود: دفاتری که ماندگار است مانند دفاتر اوارجه، توجیه، مفرده، و روزنامهچه.
(مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان).
۲. از عبارت «در عهده شناسند» دانسته می شود که سند از نوع فرمان است. (مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان).
۳. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، ص ۶۸۵.

ت) نامی از فرزندان عیسی خان وزیر به میان نیامده است. زیرا همان‌طور که کتاب‌های تاریخ گواهی می‌دهند،^۱ میرزا عیسی خان فرزندی نداشته است.

در سند از همشیره‌های میرزا عیسی خان وزیر (خدیدجه سلطان خانم و حاجیه مروارید خانم) و همچنین عیال ایشان (بی‌بی) نام برده شده است و برای آن‌ها از طرف ناصرالدین شاه قاجار مبالغی در نظر گرفته شده است.

سند نفیس و یگانه تقدیر ناصرالدین شاه قاجار از خدمات میرزا عیسی خان وزیر، دارای مهر سلطنتی و امضای ناصرالدین شاه است. این سند نزد آقای منصور رشیدی، سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر، نگه‌داری می‌شد و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۱ شمسی توسط ایشان به کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی اهدا شد و با شماره سند ۲۳۳ و بازیابی ۱۰۱۰ در دفتر اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت گردید.^۲

۱. در مصاحبه‌ای که با آقای منصور رشیدی (سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر) داشتم، ایشان نیز تصریح فرمودند که میرزا عیسی فرزندی نداشته است. (علی قنبریان)



اصل روی سند

«فرمان تقدیر ناصرالدین شاه قاجار از میرزا عیسی خان وزیر»



اصلِ ظَهرِ سند

«فرمان تقدیر ناصرالدین شاه قاجار از میرزا عیسی خان وزیر»



۹۷/۶۵۲۹۷

شماره:

۱۳۹۷/۱/۰۱

تاریخ:

ندارد

پوست:



فرهیخته گرامی

جناب آقای منصور رشیدی

موضوع: اعلام وصول

با سلام:

احتراماً، ضمن تشکر و قدردانی از اهداء « یک برگ سند فرمان تقدیر ناصرالدین شاه قاجار از مرحوم میرزا عیسی وزیر» به کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

بدینوسیله وصول آن را اعلام می دارد. ضمناً این فرمان با شماره سند ۲۳۳ و بازایی ۱۰۱۰ در دفتر اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت گردید.

توفیق روزافزون جنابعالی را در خدمت به عرصه دانش و فرهنگ ایران اسلامی، از خداوند متعال خواستاریم./

حمید ملکیان

معاون منابع و خدمات فنی



رونوشت:

www.ical.ir
ia@ical.ir

تهران: میدان بهارستان، صندوق پستی: ۱۱۳۱۵-۸۲۱، کد پستی: ۱۵۳۱۶۲۵
تلفن: ۳۳۱۴۳۵۱-۸۵۱، فاکس: ۳۳۱۴۳۵۱-۸۵۲

اعلام وصول اهداء «فرمان تقدیر ناصرالدین شاه قاجار از میرزا عیسی خان وزیر». آقای منصور رشیدی اصل سند فرمان را به کتابخانه مجلس شورای اسلامی اهدا کرده است.



فصل پنجم

سید عبداللہ

اسٹام وزیر



فصل پنجم: سیدعبدالله انتظام‌وزیری

سیدعبدالله انتظام‌وزیری در ششم فروردین ۱۲۷۴^۱ در یکی از خانواده‌های سرشناس قاجار متولد شد. وی فرزند سیدمحمد انتظام‌السلطنه بود. بعد از اتمام دوران دبیرستان و تحصیلات عالی وارد دنیای سیاست شد و توانست به سرعت مدارج دیپلماتیک را طی کند. سیدعبدالله انتظام‌وزیری از دیپلمات‌های باسابقه وزارت امور خارجه بود.^۲ وی سال‌ها مشاغل حساس سیاسی و کنسولی و سفارت ایران در کشورهای مختلف و ریاست ادارات مختلف وزارت امور خارجه و مأموریت‌های سیاسی در آلمان و آمریکا را به عهده داشت.^۳ همچنین مدتی رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه تهران بود.

در سال ۱۳۳۰ شمسی وزیر امور خارجه کابینه حسین علاء بود. سپس نایب نخست‌وزیری را بر عهده داشت و نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی بود. انتظام‌وزیری در تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۵۳ (۲۹ تیر ۱۳۳۲) جزء هیئت کارشناسان حل اختلاف و انعقاد قرارداد کنسرسیوم انتخاب شد.

۱. این تاریخ بر روی سنگ قبر نوشته شده است.

در کتاب «مدیران صنعت نفت ایران» تألیف عباس طرفی (عبدالله‌پور) جلد ۴ صفحه ۹۷۱، تاریخ تولد ۱۲۸۷ ذکر شده است که صحیح نیست.

۲. عباس طرفی (عبدالله‌پور)، مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، ص ۹۷۲-۹۷۳.

۳. حسن نراقی و فرخ غفاری، خاندان غفاری کاشان، ص ۲۹.



سید عبداللہ انتظام وزیري (سنين جوانی)



وی در سال ۱۳۳۶ در دوران نخست‌وزیری حسین علاء، از سیاست کناره گرفت و به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران منصوب شد^۱ و تا سال ۱۳۴۲ در این سمت بود. انتظام‌وزیری در مدت تصدی ریاست شرکت ملی نفت، از مشاوران نزدیک شاه و وزیر دربار وقت، حسین علاء بود. وی در سال ۱۳۳۹ به خادم افتخاری حرم امام رضا علیه‌السلام منصوب شد. حکم صادر شده از طرف متولی حرم، روی دیوار مقبره آویزان است.^۲

۱. سیدعبدالله انتظام‌وزیری بعد از سهام‌السلطان بیات، کرسی ریاست هیئت‌مدیره را به‌دست آورد.

عباس طرفی (عبدالله‌پور)، مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، ص ۸۸۰.
وی ۲ مرتبه رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران شد. مرتبه اول از ۱۳۳۶ شمسی تا دوم آبان ماه ۱۳۴۲ و مرتبه دوم از آذر ماه ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. در زمان ریاست ایشان، امیرعباس هویدا رئیس کل امور اداری بود.

۲. در مقاله «دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت» صفحه ۴، درباره با حکم حرم امام رضا علیه‌السلام ۳ اشتباه وجود دارد:

الف) سال حکم را ۱۳۳۸ ذکر کرده است.

ب) از لفظ تولیت حرم حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام استفاده کرده است؛ درحالی‌که تولیت نیست بلکه خادم افتخاری است.

پ) حکم را به سیدمحمد انتظام‌السلطنه نسبت داده است.

شماره ۲۱۷۲ / ۲۷۵۳

تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۳۹

جناب آقای عبداللہ انتظام

نظر بسا کی نیت و خلوص عقیدتی کہ نسبت بدر بار ولایت مدار

حضرت ثامن الائمه علیہ آلاف الثناء والتحیہ دارید بموجب این حکم

بست خادم افشاری آستان قدس ضوی منصوب میشود

تا از فیض خدمت برخوردار و بغرت وافشار معونی نائل و بہوارہ سرفرازا
شہد

نیابت تولیت عظمیٰ محمد مہر ان





شماره ۲۷۵۳/۳۱۷۲

تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

جناب آقای عبدالله انتظام نظر به پاکی نیت و خلوص
عقیدتی که نسبت به دربار ولایت مدار حضرت ثامن الائمه
علیه آلاف الثناء و التحية داريد به موجب این حکم به
سمت خادم افتخاری آستان قدس رضوی منصوب
می شوید تا از فیض خدمت برخوردار و به عزت و افتخار
معنوی نائل و همواره سرفراز باشید.

نیابت تولیت عظمی محمد مهران

انتظام‌وزیری در دوران تصدی به علت اینکه در جریان وقایعی که به بازداشت امام خمینی (عجله‌الله) و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و کشتار مردم انجامید، به اتفاق حسین علاء که در آن زمان وزارت دربار را به عهده داشت و چندتن دیگر از رجال سیاسی آن روز مانند سردار فاخر حکمت و ژنرال یزدان‌پناه (ریاست بازرسی شاهنشاهی) نزد شاه رفت و عواقب سیاست علم را در برابر روحانیت گوشزد کرد و بالاخره نتوانست آن طوری که باید و شاید منافع صاحبان قدرت را حفظ کند. روز پنج‌شنبه دوم آبان ۱۳۴۲ از ریاست هیئت‌مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران استعفا کرد.^۱ سیدعبدالله انتظام‌وزیری پس از کناره‌گیری از مدیر عاملی شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان نائب نخست‌وزیر و وزیر مشاور وارد کابینه حسین علاء شد.

۱. عباس طرفی (عبدالله‌پور)، مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، ص ۹۷۱؛



میدالله انتظام در کابینه حسین علاء کفیل نخست وزیر بود.
 به چپ: دکترجهانشاه صالح - دکتر اردلان - امیراسدالله علم - دکتر مقبل - غلامحسین فروهر - حسین علاء - عبدالله انتظام -
 القانی - سرلشکر وثوق - محمود هدایت
 دکتر محمود مهران - ابراهیم کاشانی - عباسقلی گلشانیان - سرلشکر انصاری - محمودناصری - ناصر نوالقاری
Abdulah in Ala's Cabiner as Vice premier

Bottom Row from Right to Left: Dr. Janahsha Saleh - Dr. Ardalan - Amr Asadollah Alam - Dr. M
 Hosein Forohar - Hosein Ala - Abdolah Entezam - Taleghani - Major Genral Vosough - Mahmoud M
 Top row : Dr. Mahmud Mehran - Ebrahim Kashani - Abbas Gholi Golshaiaa - Genral Ansari - Mah
 Hasef Zolfaghari

سیدعبدالله انتظام در کابینه حسین علا کفیل نخست وزیر بود

از چپ:

دکتر جهان شاه صالح، دکتر اردلان، امیر اسدالله علم، دکتر

مقبل، غلامحسین فروهر، حسین علا، عبدالله انتظام، القانی،

سرلشکر وثوق، محمود هدایت

وی پس از سقوط دکتر مصدق سمت وزارت امور خارجه را در کابینه سرلشکر زاهدی به عهده گرفت. علت برکناری او از سمت وزارت امور خارجه این بود که او به هیچ‌وجه حاضر نبود تا زیر بار امضای الحاق ایران به پیمان بغداد (که یک قرارداد نفتی بود) برود.^۱

۱. غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۳.



نفر دوم از بالا سمت چپ: سید عبداللہ انتظام وزیری
(وزیر امور خارجه)

نفر دوم از سمت راست: دکتر علی امینی (وزیر دارایی)

نفر سوم از سمت راست: سپهبد زاهدی (نخست وزیر)

بنابر تصویب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۴۷/۰۱/۱۷ سیدعبدالله انتظام‌وزیری عضو هیئت عالی برنامه شد. وی عضو یازده نفره هیئت مشاورانجمن اخوت است که پس از سپهبد فرج‌الله آق‌اولی در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان رئیس انجمن انتخاب شد.^۱

محمدرضا شاه، در سال ۱۳۵۷ش، که خطر سقوط سلطنت خویش را احساس می‌کرد، از انتظام خواست که مقام نخست‌وزیری را بپذیرد اما وی قبول نکرد.^۲

انتظام در سال ۱۳۵۷ در بحبوحه اعتصابات کارکنان صنعت نفت برای مدت کوتاهی، بار دیگر مدیریت عامل و ریاست هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران را به عهده گرفت. مدیران و کارکنان سطح بالای شرکت نفت، انتظام‌وزیری را پذیرا شدند، ولی کارگران اعتصابی شرکت نفت در آستانه پیروزی انقلاب، حاضر به ترک اعتصاب و بازگشت از راه رفته نبودند. سیدعبدالله انتظام‌وزیری با پیروزی انقلاب بار دیگر خانه‌نشین شد.^۳ عبدالله و برادرش نصرالله، در عرصه سیاسی ایران در دوران

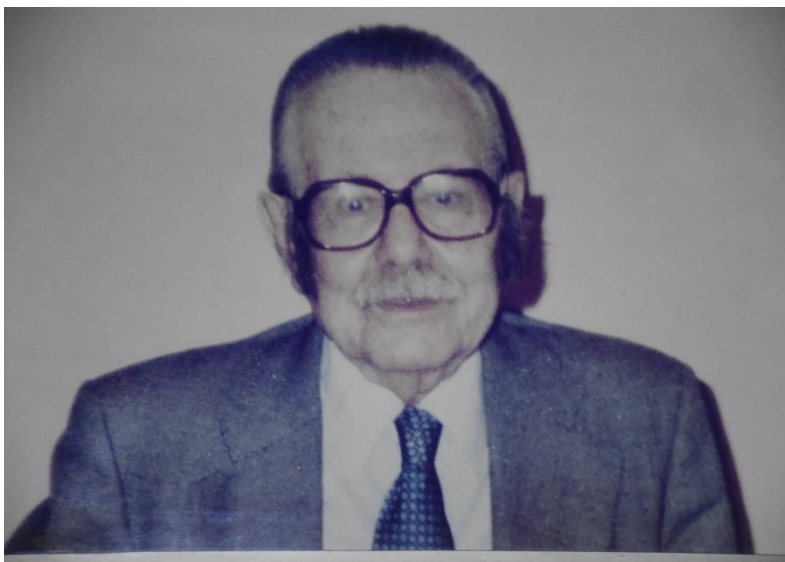
۱. مسعود همایونی، تاریخ سلسله‌های طریقه نعمة‌اللهیه در ایران: از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۳۹۶ هجری قمری، ص ۲۱۷.

2. yon.ir/qP1Gr.

۳. عباس طرفی (عبدالله‌پور)، مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، ص ۹۷۱-۹۷۳.



معاصر حضور چشمگیری داشتند تا جایی که دو برادر به «دوقلوهای سیاسی» معروف شدند.^۱



سیدعبدالله انتظام‌وزیری

سید عبدالله در زمان ریاست دکتر محمد نصیری بر مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، از اعضای آن مرکز بود.^۱

متن یکی از اسنادی که نزد آقای منصور رشیدی است:

سند: دانشگاه تهران

دفتر رئیس دانشگاه. ۱۲۸۷۴. ۲۵۳۶/۰۲/۲۸.

جناب آقای عبدالله انتظام به پیشنهاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و تصویب شورای دانشکده مزبور و به استناد اساس‌نامه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی به موجب این حکم به عضویت شورای مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده مزبور تعیین می‌شوید. یقین است همکاری و راهنمایی جنابعالی در پیشرفت وظایف و فعالیت‌های مهم آموزشی و تحقیقاتی این مرکز ذی‌قیمت خواهد بود.

رئیس دانشگاه تهران، احمد هوشنگ شریفی

۱. اطلاعاتی درباره مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ص ۱.



دانشگاه تهران

دفتر رئیس دانشگاه

۱۳۸۷۴

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۸

جناب آقای عبدالله انتظام

به پیشنهاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و تصویب شورای دانشکده
مزبور با ستنداد اساسنامه مرکز مطالعات عالی بین المللی بموجب این حکم
بعضویت شورای مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده مذکور تعیین
میشود.

یقین است همکاری و راهنمایی جنابعالی در پیشرفت وظائف و فعالیت های
مهم آموزشی و تحقیقاتی این مرکز ذی قیمت خواهد بود.

رئیس دانشگاه تهران

احمد هوشنگ شریفی

عضویت در شورای مرکز مطالعات عالی بین المللی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

وی کتاب «سرنوشت بشر»^۱ نوشته لکنت دونوئی و نوشته‌های دیگر را^۲ ترجمه کرد. سیدعبدالله انتظام‌وزیری در شعر و ادب مطالعه داشت و از نوشته‌های او می‌توان به سلسله مقالات «نظری تازه به تصوف و عرفان» با امضای لادری اشاره کرد. نشریه عهد ترقی از جمله آثار اوست.^۳

آقای سیف‌الله وحیدنیا (رئیس انتشارات وحید) در مقدمه کتاب «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس» درباره ایشان گوید:

مترجم کتاب، زنده‌نام سیدعبدالله انتظام‌وزیری از متفکران زمان ما بود. وی مردی زبان‌دان، عارف، شاعر، اهل مطالعه و فکر، و صاحب اندیشه بود. کتاب «سرنوشت بشر» را سالیان پیش ترجمه کرد و «نظری تازه به تصوف و عرفان» را نیز نوشت که تحت نام «لادری» در مجله وحید چاپ و بعداً به صورت کتاب در دسترس علاقه‌مندان گذاشته شد. «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس» نیز از آثار آن شادروان است که یک سال پیش از رحلت آن را ترجمه و آماده ساخته و برای چاپ و نشر به این ارادتمند سپرده بود و اکنون برای شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر همسر داغدیده‌اش (فرح‌علیای زند انصاری که

۱. اطلاعات کتاب: دونوئی، لکنت، بی‌تا، سرنوشت بشر، مترجم: سیدعبدالله انتظام‌وزیری، بی‌جا، انتشارات صفی‌علی شاه.

۲. مانند کتاب «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس».

۳. غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۳.



از طایفه کریم خان زند است) و یاران وفادارش به زیور طبع آراسته می‌شود.^۱

و در مقدمه کتاب «نظری تازه به عرفان و تصوف» درباره این کتاب چنین آورده:

مجموعه‌ای در برابر دیدگان داری کم حجم و پرمعنا. من آن را خواندم و پسندیدم و به نشر آن در مجله وحید مبادرت ورزیدم تا نفع آن عام‌تر باشد و هزاران خواننده کنجکاو و مشتاق مجله نیز آن را بخوانند و از مجالس شیرین و جاذب و جالب آن بهره‌ور شوند. اکنون به خواست گروهی از خوانندگان به نشر جداگانه آن پرداخته‌ام تا شما و دیگر طالبان معرفت را در این جهان مادی...^۲

۱. آرتور کوستلر، مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس، ص ۷. (پیش‌گفتار سیف‌الله وحیدنیا)

۲. سیدعبدالله انتظام‌وزیری، نظری تازه به عرفان و تصوف، ص ۴. (مقدمه ناشر)

سر نوشت بشر

تالیف: لکنت دونوئی
ترجمہ: عبدالہ انتظام



نظری تازہ

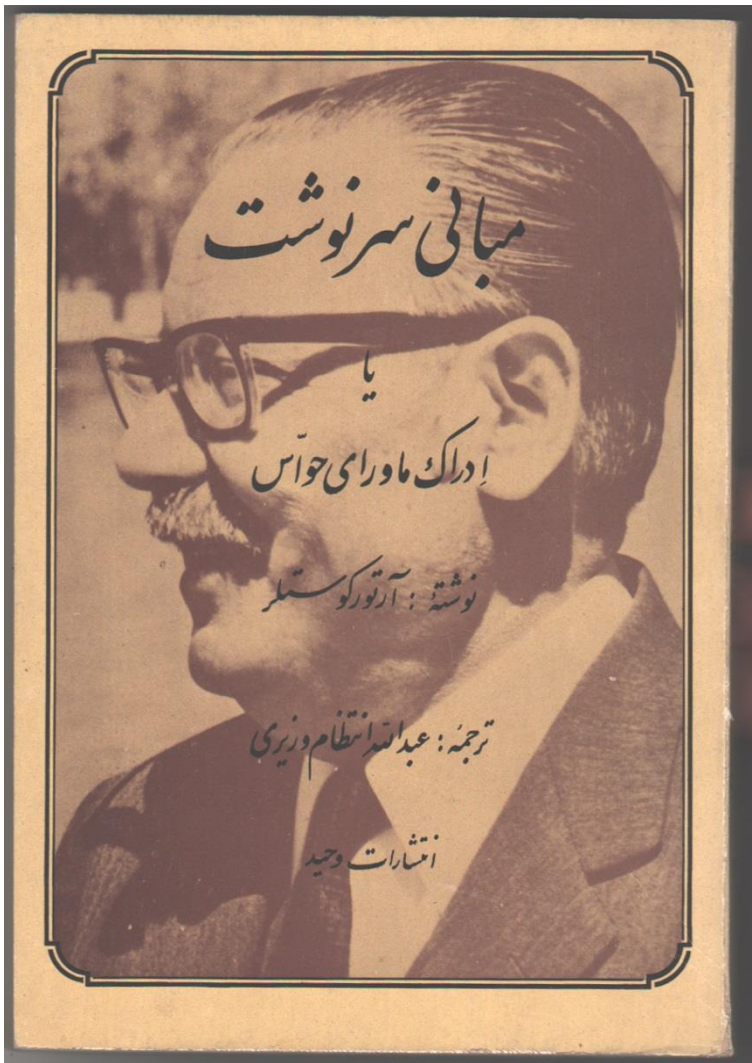
۴

عرفان و تصوف

از : لالادی



انتشارات وحید





از آنجا که انتظام فرد فرهنگ دوستی بوده است، برخی از نسخه‌های خطی رساله‌های اساتید و دوستانش نزد وی بوده است. نسخه‌هایی که اگر تصحیح و احیا شوند، در پیشبرد علم و فرهنگ بسیار تأثیرگذار خواهند بود. در سفرنامه‌ی ظهیرالدوله صفحه ۳۲ به این مطلب تصریح شده است:

«آقا رضای حضور علی ملقب به شمس العرفا که برادر صفی می‌بوده است برخی از سوانح حیات او را هم به نقل از شخص وی (صفی) منظوم کرده است و نسخه‌ی منظومه او به دست عبد الله انتظام مرحوم می‌بوده است.»

سیدعبدالله انتظام وزیری از سیدنصرالله بزرگ‌تر بود و پدرشان (سید محمد)، سیدعبدالله را وصی خود قرار داد.

متولی موقوفات میرزا موسی وزیر تفرشی و میرزا عیسی خان وزیر، سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی) و بعد از وی سیدعبدالله انتظام وزیری و هم‌اکنون سید محمد (فرزند سیدعبدالله) است.

در یکی از اسناد چنین آمده است:

«براساس رأی شماره ۱۷۳۸ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۹ اداره‌ی کل تحقیق اوقاف و نامه‌ی شماره ۹۵۸۹ مورخ ۱۳۳۶/۰۴/۲۴ شمسی تصدی موقوفه‌ی میرزا عیسی وزیر به آقای عبد الله انتظام واگذار شد.»

سیدعبدالله انتظام در تاریخ ۱۳۲۵/۱۱/۲۵ در ژنو بوده و به محمود غفراری (شوهرخواهرش) در ارتباط با موقوفات میرزا عیسی خان وزیر وکالت داد.

خوانش وکالت‌نامه:

ژنو^۱ به تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۲۵

به موجب این ورقه جناب آقای محمود غفراری دارای شناسنامه شماره ۲۵۶۹۴ بخش چهار تهران^۲ از طرف این جانب عبدالله انتظام‌وزیری دارای شناسنامه شماره ۶۴ بخش چهار تهران^۳ متولی موقوفات مرحوم میرزا عیسی وزیر وکالت دارند که نسبت به کلیه املاک موقوفه مزبور و رقبات در تهران^۴ و بلوک اشتهاارد و حومه تهران^۵ اعم از مستغلات^۶ و یخچال و املاک مزروعی و غیره، هرگونه معامله نقاله اعم از قطعی و شرطی و رهنی و معاوضه و مبادله و اجاره دادن با هرکسی در هر مدت و هر مبلغ که صلاح بدانند انجام داده در تنظیم اسناد و امضاء اوراق و دفاتر و اخذ وجوه و اجرت‌المثل و خسارت و نیز در فسخ و تجدید

۱. ژنو: دومین شهر پرجمعیت کشور سوئیس پس از زوریخ است.

۲. سند: «طهران».

۳. سند: «طهران».

۴. سند: «طهران».

۵. سند: «طهران».

۶. محلی که از آن کرایه می‌گیرند.



معاملات و تقاضای صدور اجرائیه نسبت به عملیات اجرایی من البدو
الی الختم و انجام سایر تشریفات و شئونات مراجعه به موضع وکالت
وکیل مرقوم دارای همان اختیاراتی خواهند بود که این جانب نسبت به
تولیت دارم و در ضمن توکیل غیر در تمام مراحل نیز مجازند.
امضاء: «عبدالله انتظام‌وزیری»^۱

شماره ۲۸۰/۶۴

تاریخ ۲۵/۱۱/۲۹

قونسولگری^۲ سفارت شاهنشاهی در برن^۳ صحت امضای آقای عبدالله
انتظام‌وزیری را که در بالا به علامت (ضربدر) مشخص گردید،
تصدیق می‌نماید. مبلغ ۴/۶۰ فرانک^۴ دریافت و معادل ۳۵ ریال تمبر
باطل گردید.

مهر: «باطل»

مهر: «قونسولگری شاهنشاهی ایران برن»

۱. تا اینجا دست خط سیدعبدالله انتظام است. از اینجا به بعد، ظاهراً نوشته کارمند
سفارت خانه است.

۲. منسوخ است. کنسول‌گری. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۶۱۰.

۳. برن: پایتخت کشور سوئیس است.

۴. فرانک: واحد پول کشور سوئیس است.



سیدعبدالله از نیکوکاران روزگار بود و در دستگیری و نوازش مستمندان و فقیران، به جد خویش، حضرت علی علیه السلام تمسک کرده بود؛ به طوری که برای برخی از در ماندگان مقرری تعیین کرده بود که به صورت ماهیانه مبالغی به آن‌ها بدون هیچ گونه منتی هدیه می‌کرد. همچنین در محله خانی آباد تختی، تقریباً ۱۴۸ واحد وقف مستمندان کرده است.

سیدعبدالله با آنکه آباء و اجدادش از بزرگان و وزارای مملکت بوده و خودش نیز به مدارج عالی اجتماعی و شغلی رسیده بود، ذره‌ای غرور و تکبر در وجودش نبود؛ به گونه‌ای که پس از استعفا از ریاست شرکت نفت، کارگاه آهنگری احداث کرد و شخصاً به کودکان بی بضاعت و فقیر، صنعت آهنگری آموزش می‌داد.



عبدالله انتظام بعد از برکناری از ریاست شرکت نفت یک کارگاه آهنگری باز کرد و به کودکان بی‌صنعت کارهای آهنگری یاد می‌داد - در اس عکس او را در میان شاگردانش ملاحظه می‌کنید.

Abdullah after decension from the NIOC, devoted his time to his metalurgy workshop and volunteering his time teaching metal workshop at schools in the poorer neighborhoods in Tehran.

سیدعبدالله انتظام‌وزیری در میان شاگردانش در کارگاه آهنگری



عبدالله انتظام
سیاستمدار
معروف در
کارگاه
آهنگری اش

Abdullah in his workshop which was donated to the university

سید عبدالله انتظام وزیری سیاستمدار معروف
در کارگاه آهنگری اش

سیدعبدالله ۲ همسر داشت.

(الف) همسر اولش با نام مادام مارگریت بود. ایشان اصالتش آمریکایی بود. از وی ۲ فرزند دارد:^۱

- سیدمحمد (هیوم حوران). وی سفیر آمریکا در عربستان سعودی بود.
- لیلا برنان.

(ب) همسر دومش فرح‌علیا زند انصاری از خاندان کریم خان زند است. وی زمانی سخنگوی دولت بوده است. سیدعبدالله از همسر دومش فرزندی نداشت. همسر وی از خیرین بود و برای ایتم، جزامیان، نابینایان، و مستمندان کهریزک، مبالغی مصرف و اهدا می‌کرد.

پدر همسر دومش نصرالله انصاری است. وی دیپلمات وزارت امور خارجه دوره پهلوی بود. در روز نیمه شعبان تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۲۳، هنگام بازگشت از مأموریت اداری از شیراز، در سانحه هواپیما خود، همسر، و دخترش (عزیزه انصاری و بانو ماه‌تابان انصاری) درگذشتند. مقبره این سه نفر در آرامگاه امامزاده سیدعبدالله در شهر ری است.

۱. در کتاب «مدیران صنعت نفت ایران» جلد ۴ صفحه ۹۷۳ به اشتباه نوشته شده است که سیدعبدالله انتظام ۳ فرزند داشت.



مقبره فرح‌علیا زند انصاری
همسر دوم سید عبدالله انتظام‌وزیری
تهران، بهشت زهرا (ع)، ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ شمسی
سنگ قبر:
هو ۱۱۰. مرحومه بانو فرح‌علیا زند انصاری فرزند نصرالله
همسر مرحوم سید عبدالله انتظام. تولد: ۱۳۰۴. وفات:
۱۳۷۶/۰۲/۰۵.
مرحومه خانم طاهره زند انصاری فرزند نصرالله همسر
لطفعلی خان وفائی. تولد: ۱۳۰۷/۰۱/۰۱. وفات:
۱۳۸۳/۰۸/۳۰. قطعه ۷۰ ردیف ۱۵ ش ۳۴.



منصور رشیدی (سرپرست مقبره میرزا عیسی خان وزیر) نزد
مقبره نصرالله انصاری، عزیزه انصاری (فرزند نصرالله)، و
ماهتابان انصاری (همسر نصرالله)
تهران، امامزاده عبدالله علیه السلام، ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ شمسی

سید عبدالله انتظام‌السلطنه در دوم فروردین ۱۳۶۲^۱ وفات کرد و در شهر
ری آرامگاه ابن بابویه آرمید.

۱. این تاریخ بر روی سنگ قبر نوشته شده است.



علی قنبریان و منصور رشیدی
شهری، ابن بابویه، مقبره سیدعبدالله انتظام‌وزیری
بهمن ۱۳۹۷ شمسی

اشعاری در ستایش سید عبدالله انتظام‌وزیری

ابراهیم صهبا، ۱۳۶۲/۰۱/۰۳

ای دریغا ای دریغا انتظام از دست رفت

فاضلی آزاده و والا مقام از دست رفت

صبحگاهان در کنار خاندان خویش بود

ناگهان بار سفر بر بست و شام از دست رفت

او که عبدالله و درویشی قناعت‌پیشه بود

در جهان گر شادکام و تلخکام از دست رفت

عمر خود را کرد صرف خدمت نوع بشر

رفت اما حیف مردی نیک‌نام از دست رفت

گرچه جایش در بهشت جاودان باشد ولی

ای بسا افسوس کان نیکومرام از دست رفت

دوستان گویند در سوگش به چشمی اشک‌بار

ای دریغا ای دریغا انتظام از دست رفت



ابوالقاسم حالت، ۱۳۶۲/۰۱/۰۵

کس ندیدم در جهان از خاص و عام

به ز عبداللّٰه خان انتظام

بود نیکی در وجود او تمام

نیک روی و نیک خوی و نیک نام

گرچه از دنیا به ظاهر رفته است

تا ابد در قلب ما دارد مقام

عمر او چندان دوامی گر نیافت

باد، عمر بستگانش را دوام

محمد جبل عاملی

این انتظام ما که به خاکش گذاشتیم

بگذاشتیم و دست از او برنداشتیم

و اما چه افکند بر خفتگان خاک

این سرورا به قامت خوابیده کاشتیم



اردشیر بيش آق اولی از آمريکا، ۱۳۶۲/۰۱/۰۶
 آه و افغان کز میان برچید رخت
 مظهر تقوا و ایمان انتظام
 در تواضع مردی و مردانگی
 در کفایت عقل و تدبیر او بنام
 سال‌های عمر او پربزرگ و بار
 صرف کشور گشت و انجام مهام
 حبّ ایران، عشق و هم آیین او
 وقف ایران کرد عمر خود تمام
 آرمانش خدمت هم‌نوع بود
 دفتر ایشار را بود اختتام
 گرچه پنداری ز مرگش تیره شد
 صبح فضل و دانش و تقوا چو شام
 آنکه جاویدان به ایرانست اوست
 زنده جاوید باشد انتظام
 آنکه در رأی و نیکی شهره بود
 فارغ از سیم و زر و جاه و مقام

تهران، حسام‌الدین دولت‌آبادی

ماده تاریخ مرگ اسفناک سیدعبدالله انتظام رجل سیاسی و صدیق ایران
طاب ثراه

عبدالله آن‌که مهر و صفایش مرام بود
رفت از جهان و خلد برینش مقام شد
آزادگی و راستی و حق‌پرستیش
مقبول خاطر و نظر خاص و عام شد
در دانش و صداقت و فرزانگی و هوش
ممتاز و پاکباز و عزیز و بنام شد
یک جو فریب نعمت دنیای دون نخورد
فارغ ز دانه گشت و گریزان ز دام شد
آری به عزّ سلطنت معنوی رسید
هرکس ز روی صدق علی را غلام شد
هشتاد و اند ماند به دنیا و عاقبت
دیدار دوست او را خیر الختام شد
چون داد جان به جانان از خامه حسام
تاریخ او به هجری «ای انتظام» شد

۱۴۰۳ هجری قمری



شادروان سیدعبدالله انتظام درویشی وارسته، مردی پاک و صمیمی،
رجل سیاسی و ارزنده بود. روز دوم فروردین ۱۳۶۲ برابر جمادی‌الثانی
۱۴۰۳ به رحمت حق پیوست.

دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی، ۱۳۶۲/۲/۷

در مرگ مرحوم عبدالله انتظام

انتظام آن رادمرد آن نیکخوی پاکباز

کز نخست از نام عبدالله بودی سرفراز

سالکی وارسته شد وز راستی سر بر نتافت

تا به خوش‌نامی به پایان برد این راه دراز

بی نیازی جز به حق چون بود او را در سرشت

شد قناعت‌پیشه وز د تیشه‌ها بر فرق آز

داشت با آرامش باطن لبی خندان چو گل

وین چنین می‌کرد با معبود خود راز و نیاز

مال دنیا خوار بودش در نظر پس جاه یافت

چاره‌جویی کرد و شد درماندگان را چاره‌ساز

بود گفتارش ز لطف و نکته‌سنجی دلنشین

بود رفتارش ز تکریم و تواضع دلنواز

رفت چون راه طریقت شد رها از گمرهی

دید چون روی حقیقت چشم پوشید از مجاز

رازها در دل نهفت آن رازدان و رازدار

زانکه با نامحرمان هرگز نشاید گفت راز



در سیاست یا به عرفان یا به دانش‌های نو
 کس نبود آن بینش‌آیین ژرف‌بین را هم‌مطراز
 جای وی را کس نگیرد آنکه زانکه او هر جا که بود
 داشت بر اقران خود بی‌هیچ دعوی امتیاز
 در بسیط زندگی دور از نفاق و بندگی
 با مناعت گام‌ها زد در نشیب و در فراز
 آری آری زاغ و کرکس را اگر باشد جدال
 برتر از این ماجراها پر گشاید شاه‌باز
 واجب آمد سجده بر درگاه استغناى او
 چون نبردی بر درد و نان کبر آیین نماز^۱
 او که از راه کرم ناز فقیران می‌کشد
 سوی صاحب‌دولتان گامی نزد الا به ناز
 از صفا و مهر جانش چون قرین شد با «فرح»
 عاقبت درهای رحمت را به رویش کرد باز
 همچو شمعی روشنی می‌داد پیرامون خویش
 گرچه از روشن‌دلی دم‌ساز بودش سوز و ساز

۱. این مصراع مقداری مبهم است. ما عین نوشته را نقل کردیم. با توجه به اینکه اصل نوشته نزدمان نبود، ممکن است اشتباه از تایپ‌کننده قبلی باشد.

دیگر آهنگش به بزم دوستان ناید به گوش
نای گویی شد خموش و ناگهان بشکست ساز
آن‌که بزمش دلکش و جان‌پرور و پُربار بود
گشت مرگش غم‌فزا و دردناک و جان‌گداز
باری اورفت و دل ما گر ز غم افسرده کرد
باد روحش چون گل از باد سحر در اهتزاز
در هزار و سیصد و شصت و دو از شمس‌ی شمار
سوی آن پیک سعادت پیک مرگ آمد فراز

دکتر نشاط

در رثاء بزرگ سلسله صفاعلی شاهی نعمت الهی جناب عبدالله انتظام.
 دردا که پیر فقر و فنا انتظام رفت
 مرد بقا به سدره چه با احتشام رفت
 گاه بهار گل دمد از طرف گلستان
 در این بهار مرشد ما انتظام رفت
 او بود صدر سلسله و پیر راه ما
 خلوت نشین عشق چه با احترام رفت
 خود بد عظیم و عزم بزرگی دوده است^۱
 از این سراچه پی سپر اعتظام رفت
 می دید منسجم نشود خیل صوفیان
 از ملک فقر جلوه گر انسجام رفت
 تسلیم محض بود و بجان غرق در رضا
 فرصت شمرد لمحّه و به اغتنام رفت
 بد منتهی به مرتبت سیر عرفان
 نکّهت^۲ شنید و بر اثر اشتهام^۳ رفت

۱. دوده: دودمان، خاندان. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۳۸۴.

۲. نکّهت: بوی خوش. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۷۹۴۵.

۳. اشتهام: بو کردن. لغت اشتهام در کتاب «فرهنگ بزرگ سخن» مدخل نشده است.

دانست در سراچه^۱ معنی چه ها دهند
 پی کم نمود و بر نظر اقتسام^۲ رفت
 دانی که انفصام^۳ نباشد به گاه حق
 بر وصل هوشتافت نه بر انفصام رفت
 بر جمع رهروان چو شفیع است غوث ما
 بر گاه شه صفی به امیدی تمام رفت
 تاوان گم‌رهان به خدا پیر ره دهد
 نزد علی بجان ز پی اغترام^۴ رفت
 او بود مرشدی به کمال و خود از رشد
 با اولیا قرین شد و در التزام رفت
 دامست این شهود و مگویید از چه روی
 رندی ز تن برسته از این کهنه‌دام رفت
 بود او منزله از بدو، زد در تمام عمر
 بر قرب هو به قدرت و با اعتصام^۵ رفت

۱. سراچه: خانه یا اتاق کوچک. همان، ج ۵، ص ۴۱۰۴.

۲. اقتسام: قسمت کردن.

۳. انفصام: از هم جدا شدن. همان، ج ۱، ص ۶۲۷.

۴. اغترام: قرض ادا کردن. تاوان و جریمه دادن.

۵. اعتصام: خود را از گناه بازداشتن.



بد یک هزار و سیصد و شصت و دو ای نشاط
سالی که انتظام پی اعتصام^۱ رفت
تکمیل کاملی است به اکمل بدان تو مرگ
ز این راه منتهی و پی اعتلام رفت

۱. اعتصام: متوسل شدن.



فصل ششم

سید نصر الله

انتظام وزیری



فصل ششم: سیدنصرالله انتظام‌وزیری

سیدنصرالله انتظام‌وزیری در ۱۲۷۸ شمسی^۱ در تهران متولد شد. وی برادر کوچک‌تر سیدعبدالله انتظام‌وزیری است. وی یکی از چهره‌های سیاسی دوران حکومت خاندان پهلوی است. تحصیلات خود را در مدرسه حقوق و سپس علوم سیاسی دانشگاه تهران گذراند و تحصیلات تکمیلی را در پاریس ادامه داد. وی کار خود را با وزارت امور خارجه آغاز کرد. در اواخر سلطنت رضا شاه به تهران فراخوانده شد و به سمت ریاست تشریفات دربار منصوب شد.^۲ وی سال‌ها سفیر و کاردار ایران در کشورهای اروپایی مانند فرانسه بود.^۳

۱. سال ۱۲۷۸ بر روی سنگ مزار مرحوم سیدنصرالله حک شده است. در کتاب

«سالنامه تفرش» صفحه ۱۱۳، سال تولد ۱۲۷۹ نگاشته شده است.

۲. رئیس تشریفات سلطنتی.

۳. حسن نراقی و فرخ غفاری، خاندان غفاری کاشان، ص ۲۹.



سید نصر اللہ انتظام وزیری



سید نصرالله انتظام وزیری

نزد پدر

با سقوط رضا شاه به سرعت مدارج ترقی را طی کرد. در سال ۱۳۲۱ وزیر بهداری کابینه قوام و به ترتیب وزارت‌های پست و تلگراف، راه، و امور خارجه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۲۹ با ۳۲ رأی از مجموع ۵۴ رأی به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.^۱ سپس در سال ۱۳۳۱ نماینده دائمی ایران در سازمان ملل و سفیر ایران در آمریکا شد. از آن پس سال‌ها در سازمان‌های بین‌المللی نماینده ایران بود. وی دارای نشان درجه اول همایون بود.^۲

پس از برگزاری مجمع عمومی، انتظام به سمت رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل برگزیده شد. به هنگام تصدی این پست از سوی انتظام، محمدرضا پهلوی بنا به دعوت رئیس‌جمهور آمریکا، سفری به این کشور کرد و انتظام به هنگام ورود شاه به نیویورک از وی استقبال کرد. در جریان مراسم استقبال، انتظام برخلاف معمول دست شاه را نبوسید و این امر موجب رنجش و عصبانیت وی گردید... بعدها شاه همواره از عدم دست‌بوسی نصرالله انتظام و بی‌احترامی که به وی شده بود گله‌مند بود.^۳

۱. در دوره پنجم.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. محمدرضا عباسی و بهروز طیرانی، خاطرات نصرالله انتظام: شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، ص یازده.



سید نصرالله انتظام‌وزیری
در سازمان ملل متحد



From left: Benjamin Cohen, Assistant Secretary-General in charge of the DPI; Ambassador Entezam, President of the Assembly; and Andrew Cordier, Executive Assistant to the Secretary-General at the UN General Assembly, New York, 1950.



از چپ: بنیامین کوهن، دستیار دبیرکل و رئیس اداره اطلاعات همگانی؛ نصرالله انتظام، رئیس مجمع عمومی؛ و اندرو کوردیه، دستیار اجرایی دبیرکل، در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۵۰.

از چپ: بنیامین کوهن (دستیار دبیر کل و رئیس اداره اطلاعات همگانی)، سید نصرالله انتظام‌وزیری (رئیس مجمع عمومی)، اندرو کوردیه (دستیار اجرایی دبیر کل)
صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۵۰ میلادی



Ambassador Nasrollah Entezam (2nd from right), President of the 5th session of the General Assembly, speaks to media, New York, 1951.



نصرالله انتظام (نفر دوم از راست)، رئیس پنجمین اجلاس مجمع عمومی، در حال مصاحبه با خبرنگاران، نیویورک، ۱۹۵۱.

سید نصرالله انتظام وزیری نفر دوم از سمت راست
رئیس پنجمین اجلاس مجمع عمومی
در حال مصاحبه با خبرنگاران، نیویورک ۱۹۵۱



نمایندگان ایران در جلسه شورای امنیت سازمان ملل از
راست:

سید نصرالله انتظام‌وزیری، عباس خلعتبری، باقر کاظمی،
نظامی، منصورالسلطنه، عدل، جلال عبده، تقی‌زاده
سال ۱۹۴۶ میلادی / ۱۳۲۵ شمسی



سید نصرالله انتظام وزیری همراه تریگوه لی
نیویورک، عیادت از دکتر مصدق، ۱۹۵۱ میلادی

شیک‌پوشی او در محافل مختلف دنیا ضرب‌المثل بود. در تمام عمر همسری انتخاب ننمود.^۱

انتظام‌وزیری پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازداشت شد و پس از چندی به دلیل بیماری آزاد شد. وی در ۱۳۵۹/۹/۲۹ شمسی در ۸۱ سالگی درگذشت^۲ و در قطعه^۷ ردیف ۱۳۹ شماره ۲۴ بهشت زهرا^ع به خاک سپرده شد.

کتاب خاطرات سیدنصرالله انتظام‌وزیری چاپ شده است.^۳

1. yon.ir/qId10.

۲. غلامرضا سحاب، سالنامه تفرش، ص ۱۱۳.

۳. محمدرضا عباسی و بهروز طیرانی، خاطرات نصرالله انتظام: شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار.



منصور رشیدی (سرپرست مقبره عیسی وزیر) نزد

مقبره سید نصرالله انتظام وزیری

تهران، بهشت زهراء علیها السلام

۱۳۹۷/۱۲/۰۱ شمسی



فصل هفتم

خاندان غفاری

و نسبت آمان با

وزیری ها



فصل هفتم: خاندان غفاری و نسبت آنان با وزیری‌ها

خاندان بزرگ و سلسله مشهور غفاری‌های ساکن شهرستان کاشان یکی از طوایف اصیل و ریشه‌دار ایران و از جمله دودمان‌های کهن سال کشور باستانی ایران به شمار می‌رود. شجره حسب و نسب آن‌ها به استناد مآخذ و مدارک معتبر از صدر اسلام تا عصر حاضر نسل‌بعدنسل با تسلسل و پیوستگی کاملی مشخص و محفوظ مانده است. در هر عهد و زمان به اقتضای اوضاع و احوال پیش‌آمد آن عصر شخصیت‌های بارز و رجال مؤثر نامبرداری از میان آنان برخاسته‌اند.^۱ همچون کمال‌الملک که هنرمند معروفی است. سلسله نسل غفاری‌های کاشان به ابوذر غفاری، صحابی معروف، می‌رسد. بخشی از تبارنامه خاندان غفاری در کتابخانه و موزه ملک واقع در تهران خیابان ۳۰ تیر نصب شده است.

ارتباط غفاری‌ها و انتظام‌وزیری‌ها، نسبی و رضاعی نیست بلکه ارتباطی سببی است که از طریق ازدواج حاصل شده است:

الف) سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی) با خورشید خانم ازدواج کرد. ثمره ازدواج سید محمد انتظام السلطنه و خورشید خانم چهار فرزند شد با نام‌های: فرخ‌لقا خانم؛ سید عبدالله انتظام‌وزیری؛

۱. حسن نراقی و فرخ غفاری، خاندان غفاری کاشان، ص ۳.

سیدنصرالله انتظام‌وزیری؛ زهراسلطان خانم.^۱ فرخ‌لقا خانم همانند برادرش سیدنصرالله ازدواج نکرد و ۴۰ روز بعد از وفات سیدنصرالله از دنیا رفت.

خورشید خانم از خاندان غفاری‌ها در دوران قاجار است که به جهت زیبایی مدل نقاشی صنایع‌الملک قرار می‌گیرد. خورشید خانم که به حاجی عمه نیز شهرت داشته است دارای نسبت فامیلی و از نزدیکان صنایع‌الملک است و به همین جهت توانست مدت‌ها سوژه نقاشی وی باشد. درباره خورشید خانم یک نقل تاریخی وجود دارد که مورد اشاره استاد انوار بود. وی اولین کارآفرین زن ایرانی است که مقابل کالای خارجی ایستاد و به شدت مورد توجه امیرکبیر قرار گرفت.^۲

پدر خورشید خانم، محمدحسین خان معاون‌الدوله است. وی مستشار سفارت ایران در ایتالیا بود. محمدحسین خان پسر سوم فرخ‌خان امین‌الدوله است. فرخ‌خان از رجال سیاسی زمان ناصرالدین شاه قاجار است و شاه قاجار احکام و نامه‌هایی برای وی صادر کرده است. این اسناد در مراکز نگهداری مدارک و متون کهن وجود دارد و خوانش و بازیابی آن‌ها اطلاعات ارزشمندی از دوره قاجار به دست می‌دهد. نمونه‌ای از نامه ناصرالدین شاه به فرخ‌خان امین‌الدوله در کتاب «اسناد

۱. همان، ص ۲۷.



تاریخی خاندان غفاری»^۱ جلد ۲ صفحه ۱۰۲ آمده است. نامه مذکور دربارهٔ جلوگیری مردم از مراجعه به طیب انگلیسی است. اسم فرخ خان امین‌الدوله را ناصرالدین شاه انتخاب کرده است و نام اصلی وی ابوطالب است.

شنیده‌ها حاکی است که هنرستانی با نام آیت‌الله بهبهانی در خیابان چهار راه سیروس هست که فرخ خان آن را اهدا کرده است.

۱. نویسندگان کتاب: کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و علی اصغر عمران هستند.



فرخ‌خان امین‌الدوله

۱۳۸۸ - ۱۳۳۹

ه. ق.

اصفهانیان، کریم، ۱۳۵۰، مجموعه اسناد و مدارک فرخ
خان امین‌الدوله، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
قسمت سوم، مربوط به سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۷۵



۴

فرخ خان امین‌الملک و هیئت سفارت او در حضور ناپلئون سوم

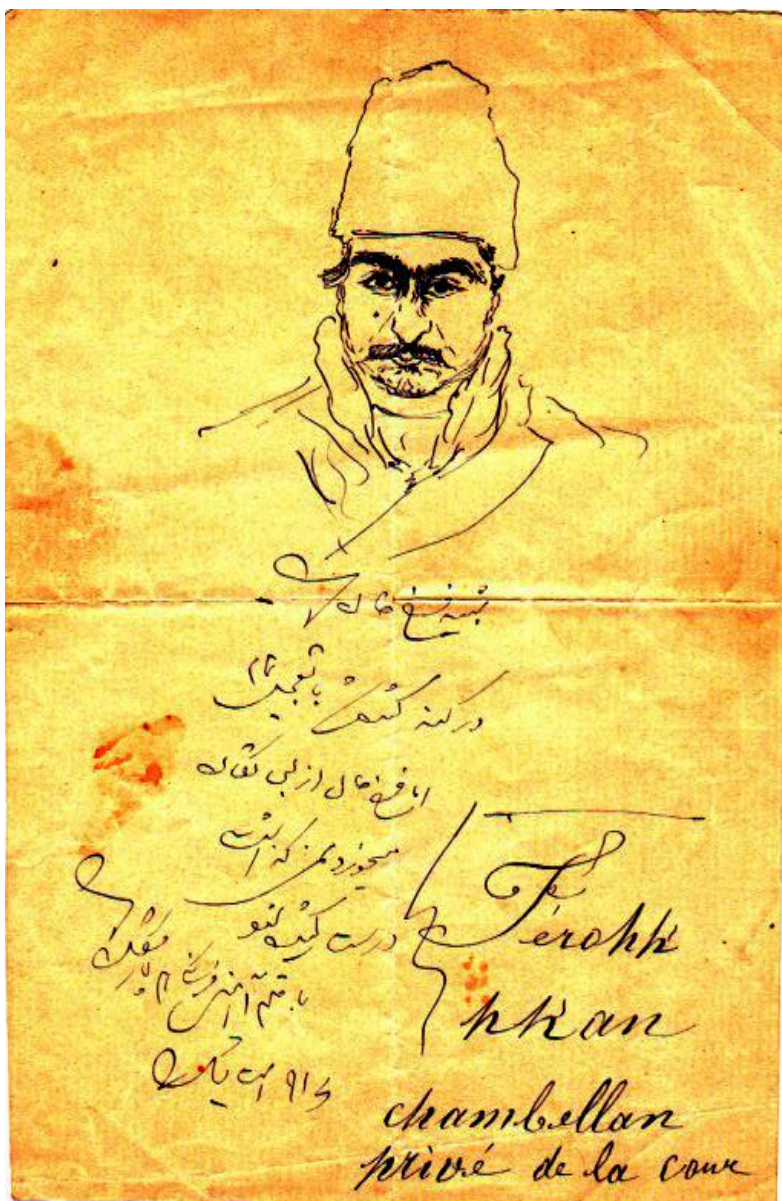
فرخ خان امین‌الملک و هیئت سفارت او در حضور ناپلئون سوم
فرخ خان امین‌الدوله در حال تحویل استوارنامه‌اش به ناپلئون
سوم است.

اصفهانیان، کریم، ۱۳۵۴، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان
امین‌الدوله، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، قسمت چهارم



تصویر روی دیوار:

میرزا ابوطالب غفاری معروف به فرخ خان امین‌الدوله



نقاشی فرخ خان امین‌الدوله که توسط ناصرالدین شاه قاجار کشیده شده است. این نقاشی با اولین خودکاری کشیده شده که از فرانسه وارد ایران شد. امضا و دست خط ناصرالدین شاه در ذیل نقاشی دیده می‌شود. ناصرالدین شاه بخشی از یادداشت خود را به فرانسه نگاشته است. ظاهراً در زمان وی، زبان بین‌المللی فرانسه است نه انگلیسی. یادداشت فارسی ناصرالدین شاه:

«شبه فرخ خان است. در کند^۱ کشیده شد با تعجیل تمام اما فرخ خان از بس تکان می‌خورد، نمی‌گذاشت درست کشیده شود با قلم آهنی فرنگی هم کار مشکل است تحریراً فی ایت‌ئیل.^۲ یادداشت فرانسوی ناصرالدین شاه:

Farokh khan chambellan prive de la cour

معادل انگلیسی:

Farokh khan Private chamberlain of the court

معادل فارسی: فرخ خان پیشکار خصوصی (رئیس خلوت) دربار

۱. کند: لفظ ترکی است به معنای ییلاق و آبادی. احتمال هم دارد مراد از «کند» همان «کن» باشد زیرا در حاشیه عکسی، ناصرالدین شاه «کن سولقان» را «کند سولقان» نوشته است.

۲. تحریراً فی ایت‌ئیل: در سال سگ نوشته شد. ایت‌ئیل: (ترکی، مرکب). سال سگ. نام سال یازدهم از دوره دوازده‌ساله ترکان. (yon.ir/gu5JB)



محمد حسین خان (فرخ خان ثانی)
جدّ مادری سید عبداللّٰه انتظام‌وزیری

ب) سرهنگ محمود خان غفاری با زهرا خانم دختر مرحوم سید محمد انتظام‌السلطنه ازدواج کرد. محمود غفاری کفیل وزارت کشاورزی و رئیس‌نظمیه رشت و تبریز بود. کمال‌الملک (محمد غفاری) هنرمند معروف، عموی محمود غفاری است.^۱ وقتی سید عبدالله انتظام‌وزیری در ژنو در مأموریت‌های سیاسی بود، در ارتباط با مقبره میرزا عیسی وزیر و موقوفاتش به محمود غفاری وکالت داد. اسکن وکالت‌نامه در کتاب حاضر آمده است.

حاصل ازدواجشان ۳ فرزند با نام‌های عبدالعلی، عباس، و فاطمه بود. - عبدالعلی خان. وی با فریده خانم دختر آقای سلیمان جان‌دیری وصلت کرد و دارای یک پسر به نام محمود و یک دختر به نام مه‌کامه شد. در تصویری از شرکت ملی نفت که در آن مدیران شرکت نفت هستند،^۲ تصویر عبدالعلی نیز دیده می‌شود. معلوم است که عبدالعلی غفاری قبل از انقلاب از اعضای عالی‌رتبه شرکت نفت بوده است. در کرج امامزاده‌ای است با نام بی‌بی سکینه. در جوار بی‌بی سکینه آرامگاهی است که مدفن زهرا خانم، خواهرش فرخ‌لقا، محمود غفاری، و عبدالعلی غفاری آنجاست.

۱. مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان.

۲. همچون سید عبدالله انتظام‌وزیری (مدیرعامل شرکت) که دانی عبدالعلی است و هویدا.



هیئت مدیره شرکت نفت

سیدعبدالله انتظام‌وزیری (نشسته)

امیرعباس هویدا (از راست نفر چهارم ایستاده)

عبدالعلی غفاری (از راست نفر اول ایستاده)

— عباس خان غفاری. وی از ۱۱ دی‌ماه ۱۳۴۰ قائم‌مقام نمایندگی شرکت ملی نفت ایران در نیویورک شد. با الیزابت، خانم آمریکایی وصلت کرد و دارای سه پسر با نام‌های (کامران، جهان‌شاه، و کیوان) شد. پس از وفات همسر اولش (الیزابت)، با خانم آویده بهروز ازدواج کرد. آویده بهروز از زنان نیکوکار و خیر است. وی نوه محمدعلی فخرالممالک غفاری است. فخرالممالک ۱۳ ده و آبادی کاشان را به رعایای آنجا بخشیدند و به تهران آمدند. فرخ‌خان امین‌الدوله جد خانم آویده بهروز است. عباس غفاری از دنیا رفته و مقبره‌اش در آمریکا است.

— فاطمه خانم. همسر وی دکتر محمد یزدی است.^۱ فاطمه خانم با همسرش در سال ۱۳۷۷ شمسی ۱۲۰ واحد مسکونی در دانشگاه شهید بهشتی را وقف دانشجویان کرده‌اند. همچنین در دانشگاه الزهراء ع.ا.س. صندوق قرض الحسنه‌ای را بنیاد نهاده‌اند. مدفن فاطمه غفاری در کشور آمریکا است.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۱. حسن نراقی و فرخ غفاری، خاندان غفاری کاشان، ص ۵۱.



ایستاده از راست: سید عبدالله انتظام وزیری، سید محمد انتظام السلطنه
(بینشعلی)، محمود غفاری (همسر زهرا انتظام وزیری)
ردیف جلو از راست: مارگریت (همسر سید عبدالله انتظام وزیری)،
عبدالعلی غفاری، فرخ لقاء انتظام وزیری، فاطمه غفاری، خورشید خانم
(همسر سید محمد انتظام السلطنه)، سید محمد (فرزند سید عبدالله
انتظام وزیری)، زهرا انتظام وزیری، عباس غفاری



محمود خان غفاری

خاطرات و اسناد ظهیرالدوله

مطالعه شد
۱۵/۸/۸۱

جلد اول

- * تاریخ صحیح بی‌دروغ
- * یادداشت‌های دوران حکومت همدان
- * مکاتبات و تلگرافهای حکومت‌های گیلان و مازندران و کرمانشاه

برادر محترم غفار خان
کتاب را مطالعه کرده است
۱۵/۸/۸۱

به کوشش
ایرج افشار



تهران، ۱۳۶۷

یادگاری نوشت ایرج افشار برای عبدالعلی
غفاری بر روی صفحه شناسنامه کتابش
متن یادگاری:

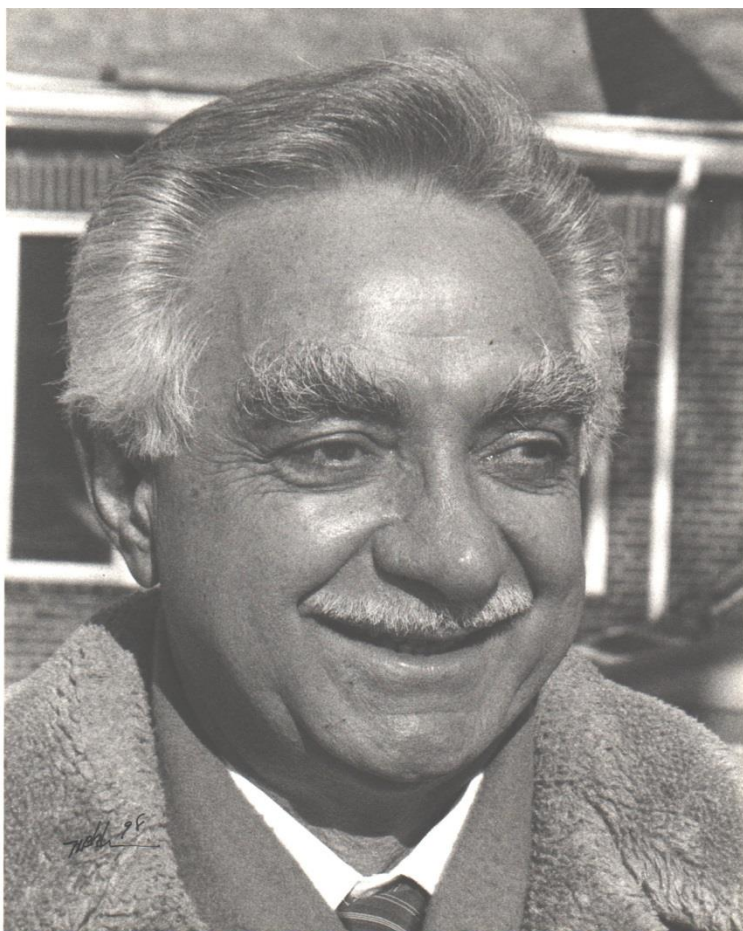
به یاد علی غفاری دوست عزیزم که این
کتاب را مطالعه کرده است.

امضا شد ایرج افشار

۸۱/۱۱/۱۰



عبدالعلی غفاری



عباس غفاری

فهرست‌ها

فهرست منابع و مآخذ کتاب

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چ دوم.
۳. اتحادیه، منصوره و روحی، سعید، ۱۳۸۵ش، در محضر شیخ فضل الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، چ اول.
۴. اصفهانیان، کریم، ۱۳۵۰، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، قسمت سوم، مربوط به سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۷۵.
۵. _____، ۱۳۵۴، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، قسمت چهارم.
۶. اطلاعاتی درباره مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲-۱۳۵۳.
۷. اصفهانیان، کریم و غفاری، بهرام و عمران، علی اصغر، ۱۳۸۵، اسناد تاریخی خاندان غفاری، تهران، ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چ اول.

۸. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷ش، تاریخ منتظم
ناصری، محقق و مصحح: محمداسماعیل رضوانی، تهران،
ناشر: دنیای کتاب، چ اول.
۹. _____، ۱۳۷۴، چهل سال تاریخ
ایران، محقق و مصحح: ایرج افشار، تهران، ناشر: اساطیر، چ
دوم.
۱۰. _____، ۱۳۶۷ش، مرآةالبلدان،
محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران،
ناشر: دانشگاه تهران، چ اول.
۱۱. _____، ۱۳۵۷ش، صدرالتواریخ،
محقق و مصحح: محمد مشیری، تهران، ناشر: روزبهان، چ
دوم.
۱۲. افشار، ایرج، ۱۳۶۷، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، جلد اول،
تهران، انتشارات زرین، چ دوم.
۱۳. امین‌لشکر، قهرمان، ۱۳۷۸ش، روزنامه خاطرات امین‌لشکر،
تهران، ناشر: اساطیر، چ اول.
۱۴. انتظام‌وزیری، سیدعبدالله، بی‌تا، نظری تازه به عرفان و
تصوف، بی‌جا، انتشارات وحید.

۱۵. انوری، حسن، ۱۳۸۲ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، چ دوم.
۱۶. بامداد، مهدی، ۱۳۷۱، شرح حال رجال ایران، تهران، نشر زوار.
۱۷. حضرتی، صادق، ۱۳۸۲، رجال و مشاهیر آشتیان، قم، انتشارات الماس، چ اول.
۱۸. دوانی، علی، ۱۳۸۵، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ اول.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران.
۲۰. رشوند، محمدعلی خان، ۱۳۷۶ش، مجمل رشوند، محقق و مصحح: منوچهر ستوده و عنایت‌الله مجیدی، تهران، ناشر: میراث مکتوب، چ اول.
۲۱. سالور عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، ۱۳۷۴ش، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، محقق و مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، ناشر: اساطیر، چ اول.
۲۲. سپهر، احمدعلی، ۱۳۳۶ش، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران، ناشر: چاپخانه بانک ملی ایران.

۲۳. سپهر، عبدالحسین خان، ۱۳۸۶ش، مرآت الوقایع مظفری، محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران، ناشر: میراث مکتوب، چ اول.

۲۴. سحاب، غلامرضا، سالنامه تفرش، ۱۳۹۳، سال شانزدهم، دنیای جغرافیای سحاب، چ اول.

۲۵. سلطان محمد میرزا قاجار، ۱۳۶۴ش، سفرنامه سیف‌الدوله، تهران، نشر نی، چ اول.

۲۶. سلیمانی، کریم، ۱۳۷۹، القاب رجال دوره قاجاریه، تهران، نشر نی، چ اول.

۲۷. سوهانیان حقیقی، محمد و نقدی، رضا، ۱۳۹۷، آستان قدس رضوی: متولیان و نایب‌التولیه‌ها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول.

۲۸. شقاقی، حسین‌قلی خان، ۱۳۵۳ش، خاطرات ممتحن‌الدوله، تهران، ناشر: امیرکبیر، چ اول.

۲۹. شهبازی، داریوش، ۱۳۹۷، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، تهران، انتشارات سایه‌بان هنر، چ اول.

۳۰. شهیدی، حسین، ۱۳۸۳ش، سرگذشت تهران، تهران، ناشر: راه مانا، چ اول.

۳۱. طرفی (عبدالله‌پور)، عباس، ۱۳۷۵ش، مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، تهران، انتشارات ساران، چ اول.
۳۲. ظهیرالدوله، علی بن محمدناصر، ۱۳۷۱ش، سفرنامهٔ ظهیرالدوله، محقق و مصحح: محمداسماعیل رضوانی، تهران، ناشر: مستوفی، چ اول.
۳۳. عباسی، محمدرضا و طیرانی، بهروز، ۱۳۷۱، خاطرات نصرالله انتظام: شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، دفتر پژوهش و انتشارات، چ دوم.
۳۴. عبدلی آشتیانی، اسدالله، ۱۳۹۵، سیاق: تاریخ آموزش دیوان‌سالاری و ریاضی حسابداری، ویراستار: مجتبی مقدسی، تهران، نشر سفیر اردهال، چ اول.
۳۵. فراهانی، محمدحسین بن مهدی، ۱۳۶۲ش، سفرنامهٔ میرزا محمدحسین فراهانی، محقق و مصحح: مسعود گلزاری، تهران، ناشر: فردوسی، چ اول.
۳۶. فقیه عبداللهی، حسن، ۱۳۸۵، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر محمود نجم‌آبادی «مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم‌آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران»، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ اول.

۳۷. فیروز میرزا بن عباس میرزا فرمانفرما، ۱۳۷۷ش، نامه‌های حکومتی فیروز میرزا فرمانفرما، محقق و مصحح: فتح‌الله کشاورز، تهران، ناشر: سازمان اسناد ملی ایران پژوهشکده اسناد، چ اول.

۳۸. کوستلر، آرتور، ۱۳۶۳، مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس، مترجم: عبدالله انتظام‌وزیری، تهران، انتشارات وحید، چ اول.

۳۹. گروه تراجم و انساب، ۱۳۸۷، مشاهیر مدفون در حرم رضوی: صاحب‌منصبان و واقفان آستان قدس رضوی، زیر نظر: غلامرضا جلالی، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول.

۴۰. مافی، حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه، ۱۳۶۲ش، خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی، محقق و مصحح: معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه، تهران، نشر تاریخ ایران، چ دوم.

۴۱. مبصرالسلطنه، میرزا حسین خان، ۱۳۸۴ش، مراسلات طهران، محقق و مصحح: منصوره اتحادیه و سعید میر محمدصادق، تهران، ناشر: کتاب سیامک، چ اول.

۴۲. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۶۱ش، برگی از تاریخ قزوین، قم، ناشر: کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، چ اول.

۴۳. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴ش، شرح زندگانی من، تهران، ناشر: زوار، چ پنجم.

۴۴. منزوی، احمد، ۱۳۸۲ش، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ناشر: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چ دوم.

۴۵. ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲ش، شهریار جاده‌ها، محقق و مصحح: محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

۴۶. _____، ۱۳۶۲ش، سفرنامه عراق عجم، تهران، ناشر: تیراژه، چ دوم.

۴۷. نراقی، حسن و غفاری، فرخ، ۱۳۵۳، خاندان غفاری کاشان، با مقدمه ابراهیم غفاری، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.

۴۸. نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان، ۱۳۶۲، خاطرات و

اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، محقق و مصحح:

معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید

رام‌پیشه، تهران: نشر تاریخ ایران، چ: دوم.

۴۹. نواب صفا، اسماعیل، ۱۳۶۶، شرح حال فرهاد میرزا

معمدالدوله، تهران، انتشارات زوار، چ اول.

۵۰. همایونی، مسعود، ۱۳۵۵ش، تاریخ سلسله‌های طریقه

نعمه‌اللهیه در ایران: از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال

۱۳۹۶ هجری قمری، بی‌جا، مکتب عرفان ایران.

مقالات

۵۱. باقری، لیلا، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ۱۷ آذر

۱۳۹۵، شماره ۶۳۴-۶۳۵، همشهری محله (منطقه ۱۱).

۵۲. خسروی، بهاره، جست‌وجو در تاریخ ۱۳۷ ساله یک مسجد و

مدرسه، ۳۱ تیر ۱۳۹۴، شماره ۵۶۵، همشهری محله ۱۱.

۵۳. عبدلی آشتیانی، اسدالله، اسامی و مواجب مستوفیان عصر

ناصری (۱۳۰۴-۱۲۷۲ه.ق)، فصلنامه متن‌پژوهی پیام

بهارستان، دوره دوم، سال نهم، شماره بیست‌وهشتم، پاییز و

زمستان ۱۳۹۵، ص ۹۱-۱۵۱.

۵۴. فراستی، رضا، مهرهای شاهان قاجار، مجله تاریخ معاصر

ایران، س ۵، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۲۰۵.

پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی

۵۵. پایگاه اطلاع‌رسانی: نیروی انتظامی.

۵۶. _____: واژه‌یاب.

۵۷. <https://article.tebyan.net>.



۵۸. <http://morteza-tehrani.blogfa.com%>

۵۹. <https://fa.wikipedia.org>

۶۰. <https://morteza-tehrani.blogfa.com>

۶۱. <http://ehsannasr82.blogfa.com>

۶۲. <https://ical.ir>

۶۳. <https://alborz.oghaf.ir>

۶۴. <http://fa.wikishia.net>

۶۵. <http://newspaper.hamshahri.org>

۶۶. <http://tehrannameh.com>

۶۷. <http://rijaldb.com>

۶۸. <http://iiichs.ir>

۶۹. <https://rasekhoon.net>

۷۰. <https://tehranimage.com>

۷۱. <http://vajehtyab.com>

مصاحبه‌ها

۷۲. مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان.

۷۳. مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه‌گیرنده:

علی قنبریان.

فہرست اشخاص

- ابوتراب: ۸۰
ابوطالب: ۲۰۳
احمد خان علاءالدولہ: ۱۰۲
احمد: ۲۷
احمدی، محسن: ۶۰
ادیب الملک: ۲۷
اردشیر میرزا: ۲۴
اردلان: ۱۴۷
استادی: ۲۹
اسکندر میرزا: ۱۶
اصفہانی، ابراہیم: ۱۱۶
اعتماد السلطنہ، محمد حسن
خان: ۲۴، ۳۸، ۵۳، ۸۹، ۹۰
۱۰۰، ۱۰۲
اعتمادالدولہ، عیسیٰ خان: ۲۱
افشار، ایرج: ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۳
۱۱۷، ۲۱۶
امام حسین علیہ السلام: ۲۶، ۷۳، ۷۴
امام خمینی: ۱۴۶
امام رضا علیہ السلام: ۱۴۳
امام زین العابدین علیہ السلام: ۴۹، ۶۵
۶۶
امام علی علیہ السلام: ۱۶۳
امامزادہ علی اصغر: ۶۶
امان اللہ خان: ۴۵
امجد، سالار: ۱۱۸
امیرکبیر: ۲۰۲
امین الدولہ: ۹۳
امین الدولہ، فرخ خان: ۱۷، ۲۱
۱۱۵، ۱۲۴، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴
۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸
امین الدین: ۶۵
امین الملک، (فرخ خان): ۵۳
۲۰۵
امین حضور: ۱۰۱
امینی، علی: ۱۴۹
انتظام السلطنہ، محمد: ۷۷
۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵

- ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲،
 ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۴۱، ۲۰۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۹،
 ۲۱۰، ۲۱۳
- انتظام (وزیری)، عبدالله: ۳۷، انتظام‌وزیری، زهرا: ۲۱۳
 ۳۸، ۶۰، ۷۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۱، انتظام‌وزیری، فرخ‌لقا: ۲۱۳
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۴۳، انتظام‌وزیری، نصرالله: ۹۹،
 ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۲۴، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۸۷، ۱۸۸،
 ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳،
 ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۲
 ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، انتظام: ۵۹
 ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۰، انصاری، عزیزه: ۱۶۶، ۱۶۹
 ۲۱۱، ۲۱۳، انصاری، ماه‌تابان: ۱۶۶، ۱۶۹
 انتظام‌السلطنه: ۷۶، ۱۰۱، ۱۰۲، انصاری، نصرالله: ۱۶۶، ۱۶۸،
 ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۶۹
- انتظام‌السلطنه، سیدعبدالله خان: انوار، سیدعبدالله: ۲۰۲
 ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۳۳، اوتسوکا، اوسامو: ۷۶، ۷۷
 ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۷۰، ایروانی، محمد خان: ۴۵
 انتظام‌السلطنه، میرزا سیدمحمد، آشتیانی مستوفی‌الممالک،
 خان (بینشعلی): ۹۹، ۱۰۹، یوسف: ۵۰

- آشتیانی، محمدجعفر: ۱۷
 آق اولی، اردشیر بینش: ۱۷۵
 آق اولی، فرج‌الله: ۱۵۰
 آویده بهروز: ۲۱۲
 آهی، حمید: ۸۰
 آیت‌الله بهبهانی: ۲۰۳
 باب، علی محمد: ۱۶
 باستانی پاریزی، محمدابراهیم: ۵۳
 بروگش: ۲۵
 برهان‌الدین: ۶۵
 بشیرالسلطان: ۱۱۳
 بغیری: ۸۹
 بوهلر: ۸۹
 بی‌بی: ۱۳۴
 بیگلربیگی مراغه، احمد خان: ۴۵
 بیگلربیگی: ۴۱، ۴۰
 بینش علی: ۱۲۸
 بینشعلی شاه: ۶۸
 پاشاخان امین‌الملک: ۵۰، ۵۲
 پهلوی، محمدرضا: ۱۹۰
 تاجر، حاجی محمدابراهیم: ۲۷
 تریگوه لی: ۱۹۵
 تفرشی، میرزا سید محمد: ۹۲
 تقی‌زاده: ۱۹۴
 تهرانی، عبدالعلی: ۲۹
 تهرانی، مرتضی: ۲۹
 ثامن‌الائمه: ۱۴۵
 جانگیری: ۲۱۰
 جوان شیر، ابوالفتح خان: ۴۵
 جهان شاه: ۲۱۲
 حالت، ابوالقاسم: ۱۷۳
 حدادی، نصرالله: ۶۹
 حسن افطس، علی عمران: ۶۶
 حسین علاء: ۵۳، ۱۴۱، ۱۴۳
 ۱۴۶، ۱۴۷
 حسین: ۶۶



- حضور علی، رضا: ۱۵۹
 حکیم الدوله: ۷۸
 حکیم الملک: ۱۱۷
 خدیجه سلطان خانم: ۱۳۴
 خلعتبری، عباس: ۱۹۴
 خواجه نوری، میرزا ابوتراب
 خان: ۹۹
 خورشید (لقا) خانم: ۵۸، ۱۲۴،
 ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۳
 دولت‌آبادی، حسام‌الدین: ۱۷۶
 دومنت فورت: ۹۹
 دونوئی، لکنت: ۱۵۴
 دهخدا، علی اکبر: ۶۰، ۷۲
 رحمت علی شاه: ۱۱۸
 رشیدی، علی بابا: ۶۰، ۶۱
 رشیدی، محمد: ۶۰
 رشیدی، منصور: ۳۶، ۵۹، ۶۰،
 ۶۱، ۶۲، ۷۰، ۷۱، ۷۶، ۷۷
 ۸۴، ۹۶، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۲
 ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۹۷
 رضا شاه: ۴۲، ۱۸۷، ۱۹۰
 رعدی آذرخشی، غلامعلی: ۱۷۸
 زاهدی: ۱۴۸، ۱۴۹
 زند انصاری، طاهره: ۱۶۸
 زند انصاری، فرح‌علیا: ۱۵۴
 ۱۶۶، ۱۶۸
 زند، کریم خان: ۱۵۵، ۱۶۶
 زهرا خانم: ۲۱۰
 زهرا سلطان: ۱۲۴، ۲۰۲
 ساعی، سعید: ۶۰
 سرابی، حسین خان: ۵۳
 سودآور: ۱۲۵
 شاه طهماسب اول: ۳۹
 شاه نعمت‌الله ولی: ۱۱۸
 شریفی، احمد هوشنگ: ۱۵۲
 شمس العرفا: ۱۵۹
 شهری، جعفر: ۴۰، ۴۱

عبدالله خان انتظام‌السلطنه: ۱۳،	شهیدی، حسین: ۲۵
۲۷، ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۱۰۲	شیخ هادی: ۶۰، ۹۳
عبدالله خان: ۱۰۱، ۱۰۲	صالح، جهان‌شاه: ۱۴۷
عبدالله مستوفی: ۵۴	صفاعلی: ۱۱۵، ۱۲۲
عبدالله: ۱۰۱	صفی علی شاه: ۱۱۸، ۱۲۳،
عبدلی آشتیانی، (اسدالله): ۱۷،	۱۲۸
۷۶	صفی: ۱۵۹، ۱۸۲
عبده، جلال: ۱۹۴	صنیع‌الملک: ۲۰۲
عدل: ۱۹۴	ضیاء‌الدین: ۴۲
عصمت‌الدوله: ۵۶	طغرل اول: ۳۹
عفت‌الدوله: ۵۶	ظل‌السلطان: ۵۶
علاء‌الدوله: ۱۰۲	ظهیرالدوله: ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،
علاء‌السلطنه: ۵۳	۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲،
علم، امیر اسدالله: ۱۴۷	۱۲۸، ۱۵۹
علی بن ابی طالب علیه‌السلام : ۷۳، ۷۴،	عاملی، محمدجیل: ۱۷۴
۷۵	عباس میرزا: ۱۶
عین‌الدوله: ۱۱۷	عباس: ۲۱۰
غفاری کاشی، میرزا	عبدالحسین: ۲۶
محمد مهدی: ۱۲۴	

- غفاری، ابوذر: ۲۰۱
فرخ خان ثانی: ۱۲۴، ۲۰۹
- غفاری، خورشید: ۱۲۴، ۲۰۱
فرخ‌لقا: ۱۲۴، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰
- غفاری، عباس: ۲۱۲، ۲۱۳،
فرخنده خانم: ۱۲۴
- ۲۱۸
فروهر، غلامحسین: ۱۴۷
- غفاری، عبدالعلی: ۲۱۰، ۲۱۱،
فریده خانم: ۲۱۰
- ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷
القانی: ۱۴۷
- غفاری، علی: ۲۱۶
قنبریان، علی: ۷۰، ۷۱، ۱۷۱
- غفاری، فاطمه: ۲۱۲
قوام: ۱۹۰
- غفاری، محمدحسین خان: ۱۲۴
کاظمی، باقر: ۱۹۴
- غفاری، محمد: ۲۱۰
کامران میرزا: ۵۰، ۵۲، ۹۱
- غفاری، محمود: ۱۶۰، ۱۶۲،
کامران: ۲۱۲
- ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴
کرشیش: ۸۹
- غفاری، میرزا ابوالحسن خان:
کریم، اصفهانیان: ۲۰۴، ۲۰۵
- ۱۲۵
کمال‌الملک: ۱۲۴، ۲۰۱، ۲۱۰
- غفاری، میرزا ابوطالب: ۲۰۶،
کوه بنانی، هدایت‌علی شاه: ۵۴
- ۱۲۴
کوهن، بنیامین: ۱۹۲
- فاطمه: ۲۱۰
کیوان: ۲۱۲
- فرح: ۱۷۹
لُف: ۸۰
- فرخ خان امین‌الدوله: ۲۱۲
لیلا برنان: ۱۶۶

- مارگریت: ۱۶۶، ۲۱۳
 محمد انتظام السلطنه: ۵۶، ۵۹، ۷۰، ۷۱
 محمد حسین خان: ۲۰۹
 محمدرضا: ۶۶
 محمد شاه: ۱۸
 محمد: ۶۶، ۱۶۶
 محمدرضا شاه: ۱۵۰
 محمد علی فخر الممالک غفاری: ۲۱۲
 محمود خان: ۲۵
 مختار السلطنه، کریم خان: ۵۰
 مدرسی چهاردهی، نورالدین: ۱۱۹
 مرآت الممالک: ۱۱۷
 مروارید خانم: ۱۳۴
 مستوفی الممالک: ۵۳
 مستوفی تفرشی، میرزا موسی (وزیر) (وزیر لشکر): ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۷، ۶۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۵۹
 مشکوتی، نصرت الله: ۳۸
 مشهدی، محمدرضا: ۳۲
 مصدق: ۱۹۵
 مظفرالدین شاه: ۱۷
 معاون الدوله، (محمد حسین خان): ۱۱۵، ۲۰۲
 معتمد السلطان: ۱۰۰
 معیر الممالک: ۲۲
 معین الدین میرزا: ۱۶
 معین الوزرا: ۵۳
 مقبل: ۱۴۷



- | | |
|------------------------------|-----------------------|
| مقتدرالملک: ۱۰۱ | میررکن‌الدین: ۶۵ |
| مقدم، خاک‌نگار: ۳۴ | میرزمان: ۶۵ |
| ملک‌التجار، مهدی: ۲۰ | میرزین‌العابدین: ۶۵ |
| ملک، عزتملک: ۱۲۵ | میرسراج: ۶۵ |
| ممتحن‌الدوله: ۱۰۰، ۱۰۱ | میرسیدحسن واقف: ۶۵ |
| منصورالسلطنه: ۱۹۴ | میرسیدحسن: ۶۵ |
| موقر‌السلطنه، حبیب‌الله خان: | میرسیدمرتضی اعظم: ۶۵ |
| ۱۰۲ | میرشرف‌الدین حسین: ۶۵ |
| مهران، محمد: ۱۴۵ | میرعبدالله: ۶۵ |
| مهکامه: ۲۱۰ | میرغلام‌ابومحمد: ۶۵ |
| میرابوالفضل: ۶۵ | میرفخر: ۶۵ |
| میرابوطالب: ۶۶ | میرقوام‌الدین: ۶۵ |
| میراسماعیل: ۶۵ | میرکمال: ۶۵ |
| میرامین‌الدین: ۶۵ | میرلطف‌الله: ۶۵ |
| میرتاج‌الدین: ۶۵ | میرمحمد: ۶۵ |
| میرتقی‌الدین: ۶۵ | میرمسعود: ۶۵ |
| میرجعفر: ۶۵ | میریحی: ۶۵ |
| میرحسین: ۶۵ | میریغما: ۶۵ |
| میررفیع‌الدین: ۶۵ | |

- میرزا ابوالقاسم (قائم مقام): ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۶۵، ۱۰۱
- میرزا اسماعیل: ۱۰۱
- میرزا تقی خان: ۱۶
- میرزا حسن (مستوفی الممالک): ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۶۰
- میرزا سید احمد: ۲۷
- میرزا سید محمد: ۹۴
- میرزا سید یوسف: ۹۴
- میرزا شفیع: ۱۰۱
- میرزا عباسقلی: ۱۰۱
- میرزا عبداللہ (وزیر): ۱۹
- میرزا عبدالواسع: ۶۵
- میرزا علی خان (امین الدولہ): ۵۳
- میرزا علینقی: ۵۳
- میرزا عیسی وزیر: ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
- ناصرالدین میرزا (شاه): ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۸۹، ۹۹، ۱۰۲
- میرزا فضل اللہ: ۶۵
- میرزا محمود: ۵۲
- میرزا مطهر: ۶۵
- میرزا یوسف خان: ۵۳
- میرزا یوسف صدراعظم: ۵۷
- ناپلئون سوم: ۲۰۵



- ۱۱۸، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، یزدان‌پناه: ۱۴۶
- ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۸ یزدی، محمد: ۲۱۲
- نجمی، ناصر: ۳۹، ۴۰ یوسف مستوفی‌الممالک: ۴۹
- نشاط: ۱۸۱، ۱۸۳ ۸۹، ۹۰، ۹۲
- نصرت‌الدوله فیروز میرزا: ۲۰
- نصیری، محمد: ۱۵۲
- نظامی: ۱۹۴
- نظم‌الدوله: ۴۹، ۹۹
- واعظی، علی‌اکبر: ۶۲
- وثوق: ۱۴۷
- وحیدنیا، سیف‌الله: ۱۵۴
- وزیرنظام، محمدابراهیم خان:
- ۵۲، ۵۵
- وفائی، لطفعلی خان: ۱۶۸
- هادی‌بیک: ۱۰۱
- هدایت، محمود: ۱۴۷
- هویدا، امیرعباس: ۲۱۱
- هیوم حوران: ۱۶۶
- الیزابت: ۲۱۲

فهرست اماکن

- ابن بابویه: ۱۷۰، ۱۷۱
 اداره اطلاعات همگانی: ۱۹۲
 اداره کل تحقیق اوقاف: ۱۵۹
 ارومیه: ۱۸
 استان البرز: ۸۵
 اشتهارد: ۵۸، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۱۶۰
 امامزاده سید اسماعیل: ۳۸
 امامزاده سید عبدالله: ۱۶۶
 امامزاده عبدالله: ۱۶۹
 امیریه: ۱۱۲
 امین‌السلطان: ۴۳
 انتشارات وحید: ۱۵۴
 اورمیه: ۱۸
 اوشان: ۵۶
 ایتالیا: ۱۰۱، ۱۱۵، ۲۰۲
 ایران: ۲۹، ۵۱، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰
 ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۰۱
 ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۲
 آب‌انبار سید اسماعیل: ۳۹، ۴۰
 آذربایجان: ۱۶
 آستان قدس: ۱۴۵
 آسیاب سید عبدالله خان: ۱۰۰
 آلمان: ۱۴۱
 آمریکا: ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۹۰
 ۲۱۲
 بازار تهران: ۴۴
 بازار حضرتی: ۴۳
 بازار دروازه: ۴۳
 باغ امیریه: ۱۱۳، ۱۱۴
 باهره: ۲۴
 بغداد: ۱۴۸
 بهشت زهرا: ۱۶۸، ۱۹۶
 بی‌بی سکینه: ۲۱۰
 بیمارستان رازی: ۸۸



بیمارستان وزیری: ۷۸، ۷۹، ۸۱،	حمام گلشن: ۴۳
۸۳	خانی آباد تختی: ۱۶۳
پارک شهر: ۵۸	خراسان: ۵۰
پاریس: ۱۸۷	خیابان ۳۰ تیر: ۲۰۱
پس قلعه: ۴۱	خیابان اسماعیل بزاز: ۴۳
تبریز: ۲۱۰	خیابان امیریه: ۱۰۰
تفرش: ۱۷	خیابان بهشت: ۶۰
توچال: ۴۱	خیابان سیروس: ۳۸، ۴۳
تهران: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱،	خیابان شاهپور: ۶۰
۲۶، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۵۰،	خیابان مولوی: ۴۳
۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۰،	خیابان مهدی خانی: ۸۸
۶۹، ۷۸، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۱،	خیابان ناصر خسرو: ۲۹
۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱،	خیابان وحدت اسلامی: ۸۸
۱۱۲، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۸۷،	خیابان ولی عصر: ۷۸
۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵	دارالخلافة ناصری: ۹۱
چاله میدان: ۳۸	دارالفتون: ۸۹، ۱۰۹
چهار راه حسن آباد: ۶۰	دانشکده حقوق و علوم سیاسی:
چهار راه سیروس: ۲۰۳	۱۵۳، ۱۸۷
حسن آباد: ۷۸	دانشگاه الزهراء (ع): ۲۱۲

شمیرانات: ۵۶	دانشگاه توکیو: ۷۶
شیراز: ۱۱۸، ۱۶۶	دانشگاه تهران: ۱۴۱، ۱۵۲
صحت‌آباد: ۷۹	۱۸۷، ۲۰۴، ۲۰۵
صفاعلی: ۱۱۱	دانشگاه شهید بهشتی: ۲۱۲
عراق: ۲۶	دروازه دولت: ۹۱
عربستان سعودی: ۱۶۶	دروازه شمیران: ۸۹، ۹۰
فرانسه: ۱۸۷، ۲۰۸	رشت: ۹۳، ۲۱۰
فیروزکوه: ۲۴	ری: ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۱
قبرستان ظهیرالدوله: ۱۱۸	ژنو: ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۱۰
قزوین: ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۳۶، ۳۷	سازمان ملل متحد: ۱۹۰، ۱۹۱
۳۸، ۱۰۰	۱۹۴، ۱۹۲
قصر شاه: ۸۸	ساوجبلاغ: ۲۷، ۲۸
قنات آب شاه: ۴۳، ۸۸	سبزه میدان: ۴۳، ۴۴
قنات حاج علیرضا: ۴۳	سر قبر آقا: ۴۳
قنات سراب وزیر: ۸۸	سنگلج: ۹۲، ۹۴
قنات عیسی خان: ۸۸	شرکت نفت: ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۰
قنات فرمانفرما: ۸۸	۱۶۳، ۲۱۰، ۲۱۲
کارخانه کاشی سازی ح آبراهیم:	شمیرانات: ۵۵
۳۳	شمیران: ۸۹، ۹۰

- کاشان: ۲۰۱
 کتابخانه آستان قدس: ۱۰۳
 کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۱۵۲
 موزه ملک: ۲۰۱
 میدان منیریه: ۱۳۷، ۱۳۴
 نجم‌آباد: ۷۹
 کربلا: ۵۱
 نیویورک: ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳
 کرج: ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۲۱۰
 کردستان: ۴۵
 ۱۹۵، ۲۱۲
 ورامین: ۱۷
 کرمان: ۵۳، ۵۴
 وزارت امور خارجه: ۱۴۸، ۱۶۶
 کوچه انتظام السلطنه: ۱۰۰
 ۱۸۷
 کوچه سیداسماعیل: ۴۲
 وزارت کشاورزی: ۲۱۰
 کوچه شهید حیدری: ۸۸
 کوچه پشت بدنه: ۴۳
 کوچه پله نوروزخان: ۲۹
 کوچه لب‌تشنه: ۸۸
 کهریزک: ۱۶۶
 لار: ۲۴
 مدرسه رشديه: ۹۳
 مرادپه: ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷

فهرست گروه‌ها

انجمن اخوت: ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲،

۱۲۸، ۱۵۰

بیگلربیگی‌ها: ۵۲

پهلوی: ۳۰، ۱۶۶، ۱۸۷

خاندان (انتظام) وزیرى: ۱۵،

۱۹، ۲۸، ۵۹

خاندان غفارى: ۵۹، ۱۲۴، ۲۰۱

زنجانی‌ها: ۶۰

سلجوقیان: ۳۹، ۴۰

صفاعلى شاهى: ۱۸۱

صفویه: ۳۹

قاجار: ۲۱، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۴۰،

۵۲، ۵۷، ۵۸، ۷۸، ۱۰۲، ۱۴۱،

۲۰۲

نعمت‌اللّٰهى: ۱۱۱، ۱۸۱

وزیرى: ۲۰۱



فهرست آیات

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ
 أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ
 يَحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ
 الْمُطَهَّرِينَ (توبه ۹/۱۰۸): ۲۹
 هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ:
 (فرقان ۲۵/۵۸): ۶۸

فهرست احادیث و جملات

عربی

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا: ۵۸

اهل البيت ادرى بما فى البيت: ۹

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى:



فهرست کتاب‌ها

- اسناد تاریخی خاندان غفاری: ۲۰۳
 مرآت الوقایع مظفری: ۹۳
 نامه‌های حکومتی فیروز میرزا
 فرمانفرما: ۲۰
 نظری تازه به تصوف و عرفان: ۱۵۵، ۱۵۴
 چهار سال تاریخ ایران: ۲۰
 خاطرات نصرالله انتظام: ۱۹۶
 خاطرات و اسناد ظهیرالدوله: ۲۱۵
 دو رساله در تاریخ جدید تصوف: ۱۱۱
 روزشمار تاریخ معاصر ایران: ۷۸
 سرنوشت بشر: ۱۵۴
 سفرنامه عراق عجم: ۲۷
 عهد ترقی: ۱۵۴
 قرآن: ۱۱۸
 مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای
 حواس: ۱۵۴
 مجله وحید: ۱۵۵، ۱۵۴
 مخزن الوقایع: ۵۳
 مرآة البلدان: ۲۴، ۳۸، ۳۹، ۵۲، ۹۰

فهرست ابیات

- ای دریغا انتظام از دست رفت: ۱۷۲
- شاه کج کلا رفته کربلا: ۵۱
- عبداللّه آن که مهر و صفایش مرام بود: ۱۷۶
- این انتظام ما که به خاکش گذاشتیم: ۱۷۴
- کس ندیدم در جهان از خاص و عام: ۱۷۳
- آه و افغان کز میان برچید رخت: ۱۷۵
- هر خیالاتی ز انسان سر زند: ۱۲۲
- به تازگی ز چمن نوبهار کرد فرار: ۶۸



کتاب‌های چاپ‌شده در نشر میراث فرهیختگان

۱. آداب معاشرت در اسلام: تصحیح رساله آداب العشره/ زمستان ۱۳۹۵.
۲. نقش مزاج در تعادل اخلاق/ فروردین ۱۳۹۶.
۳. فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رساله دعائم الاسلام/ فروردین ۱۳۹۶.
۴. من علی قنبریان هستم/ فروردین ۱۳۹۶.
۵. منارالتدقین و علم التحقيق: یادنامه آیت الله المحدث محمدعلی سنقری حائری (۱۲۹۳-۱۳۷۸)/ فروردین ۱۳۹۶.
۶. قضاء و قدر و شبهات اختیار/ فروردین ۱۳۹۶.
۷. مناظره امام صادق علیه السلام با زندیق/ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۸. مراتب هستی در حکمت صدرایی: تشکیک وجود/ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۹. آموزش آسان ادبیات عرب: ترجمه کتاب صمدیه به صورت پرسش و پاسخ/ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۰. پنج رساله از محمدکاظم هزارجریبی: محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته/ اردیبهشت ۱۳۹۶.

۱۱. ابعاد شخصیتی امام خمینی علیه السلام در منظومه فکری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای حفظه الله / اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۲. آموزش آسان اصول‌فقه: ترجمه و تلخیص کتاب الموجز به‌صورت پرسش و پاسخ / اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۳. مصاحبه‌های حجت‌الاسلام علی قنبریان (فیاض) در مجلات و سایت‌های / اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۴. دیوان ابی‌معتوق حویزی / اردیبهشت.
۱۵. اخلاق در دین اخلاق / اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۶. تفکر در اسلام: تصحیح رساله «هدایة الغافلین» / خرداد ۱۳۹۶.
۱۷. انسان در اسلام؛ تصحیح رساله «روحیه در کیفیت اخذ روح» / خرداد ۱۳۹۶.
۱۸. زندگی‌نامه و فعالیت‌های علمی، تبلیغی و فرهنگی حضرت آیت‌الله حاج شیخ رضا رضوانی‌زاده در مسجد و امامزاده سیددولی (خازن الملک) / خرداد ۱۳۹۶.
۱۹. سخنان گهربار حضرت علی؛ تصحیح رساله دوازده کلمه از تورات / خرداد ۱۳۹۶.
۲۰. آموزش آسان منطق؛ ترجمه و تلخیص کتاب المنطق به‌صورت پرسش و پاسخ / تیر ۱۳۹۶.

۲۱. آموزش اصول دین؛ بازنویسی اصول عقاید آیت‌الله مصباح یزدی به‌صورت پرسش و پاسخ/ تیر ۱۳۹۶.
۲۲. سه گفتار دینی/ تیر ۱۳۹۶.
۲۳. آموزش آسان فلسفه؛ ترجمه و تلخیص کتاب بداية الحکمة به‌صورت پرسش و پاسخ/ تیر ۱۳۹۶.
۲۴. گزیده‌ای از علم منطق (منطق مظفر و حاشیۀ ملا عبداللّٰه)/ تیر ۱۳۹۶.
۲۵. جایگاه یافت‌های جرم‌شناسی در آموزه‌های دینی/ تیر ۱۳۹۶.
۲۶. علم رجال و درایه؛ بررسی و نقد/ تیر ۱۳۹۶.
۲۷. ترجمه و تلخیص کتاب نهاية الحکمة به‌صورت پرسش و پاسخ؛ از مرحله‌اول تا پنجم/ مرداد ۱۳۹۶.
۲۸. آموزش تاریخ اسلام؛ تدوین کتاب فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام به‌صورت پرسش و پاسخ محدوده پایۀ اول حوزه‌های علمیّه/ مرداد ۱۳۹۶.
۲۹. رویکردهای نوین در قانون مجازات اسلامی/ مرداد ۱۳۹۶.
۳۰. بزهکاری زنان و پیشگیری از آن/ مرداد ۱۳۹۶.
۳۱. چرا شیعه شدم؟؛ تصحیح رسالۀ «یوحنا»/ مرداد ۱۳۹۶.
۳۲. جامعه‌شناسی سازمان‌های غیردولتی/ اردیبهشت ۱۳۹۷.
۳۳. حکم اولیه و ثانویۀ فقهی امحاء کالای قاچاق/ تیر ۱۳۹۷.

۳۳. فضایل و کرامات علامه سید محمد مهدی بحر العلوم/ ۱۳۹۷ شمسی.
۳۴. در مکتب اسلام؛ تصحیح رساله فواید لطیفه/ ۱۳۹۷ شمسی.
۳۵. بیری ژیران/ بهار ۱۳۹۸.
۳۶. حماسه خورشید؛ منظومه‌ای سیاسی عرفانی در تبیین قیام حسینی/ خرداد ۱۳۹۷.
۳۷. سراج واعظ. پژوهشی در آیات و روایات اصحاب وعظ و منبر/ مرداد ۱۳۹۷.
۳۸. انوار جلیه در حکمت عملیه/ مرداد. ۱۳۹۷
۳۹. نقد متصوّفه و عرفا. تصحیح رساله‌ای از محمد کاظم هزار جریبی/ ۱۳۹۷ شمسی.
۴۰. امیر بهشت. زیارت مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام در عید غدیر از زبان امام هادی علیه السلام با محوریت معرفی حضرت علی علیه السلام در قرآن/ شهریور ۱۳۹۷ شمسی.
۴۱. توحید افعالی در آثار صادقین علیهم السلام/ شهریور ۱۳۹۷.
۴۲. خاندان‌شناسی محمد حسن بن شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) به همراه بازخوانی، ساختارشناسی، و فهرست‌نگاری سند ازدواج مورخه ۱۳۰۸ قمری/ ۱۳۹۷ شمسی.
۴۳. طرح جامع آموزش قرآن: کتاب کار ۱/ مهر ۱۳۹۷ شمسی.

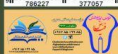

A part of the book:

Seyyed Abdollah Entezam Vaziri and his brother Seyyed Nasrollah were among the benefactors of the time and closely followed their forefather, Hazrat-e Ali (A.S.), in helping the poor and needy, some of the helpless had been given a monthly stipend as a gift. They have also donated about 148 residential units to the poor in Khaniabad-e Takhti neighborhood.

Although Seyyed Abdollah's ancestors were among the elders and ministers of the country and he, himself, had reached high social and professional ranks, he did not have the slightest bit of pride or arrogance, and after resigning from the Managing Director of the Oil Company, set up a metallurgy and turnery workshop and personally taught the poor and needy children the blacksmithing and woodworking industry and then employed them in various occupations.



Mansour Rashidi



HUMAN FRATERNITY

Seyyed Abdollah Entezam Vaziri

HUMAN FRATERNITY

Author: Seyyed Abdollah Entezam Vaziri


 Collect and Organize:
Mansour Rashidi / Dr. Ali Ghanbarian

نویسنده: سید عبداللہ انتظام وزیری



استاد منصور رشیدی / دکتہ علی قنبریان
ویپر استار: مهندس میرنا رشیدی

سيد عبد الله انتقام ويرى

HUMAN
FRATERNITY



متصور رشیدی

سید عبدالله انصاری از نیکوکاران روزگار بوده و در سنگبری و نوازش مستندان و فلیران به جد خویش حضرت علی تسکین کرده بود؛ به طوری که برای برخی از درمندان مغربی تعیین کرده بود که به صورت ماهیانه مبالغی به آن‌ها بدون هیچ گونه منتی هدیه می‌کرد. همچنین در خانه خلیفه‌آباد تقریباً ۱۴۸ واحد وقف مستندان کرد.

واحد و نیم میلیون مرد.
مردم از انتقام به آنکه آب و اجناس
از بزرگان و وزاری مملکت بوده
خودشان بهر بهر مصادف عالی اجناسی
ششلی میروند و در این گیر و گیر
در وجودش نبود؛ به‌گواهی که پس از
استعفا از ریاست شرکت نفت کارگاه
اشکری و تراشکاری احداث کرد و
شخصاً به کارگاه بر می‌افتاد و فقیر
منبت اشکری و تراشکاری آموزش
می‌داد و سپس در کارهای مختلف آن
هزار می‌کرد.



بیان اجمالی زندگانی

میرزا موسی وزیر تفرشی
میرزا عیسی خان وزیر
سید عبدالله خان انتظام السلطنه
سید محمد انتظام السلطنه (بینشعلی)
سید عبدالله انتظام‌وزیری
و سید نصرالله انتظام‌وزیری



مؤلف:
منصور رشیدی / دکتر علی قنبریان



کتاب‌های نشر میراث فرهیختگان
۰۲۱۶ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
www.nashr-e-miras-e-farayekhtegan.com